

## در این شماره

## ایران شهر فرهنگی - شماره ۸

- سر مقاله /بیزن خلیلی: تفاوت‌های جامعه مهاجرتی با جامعه امنیتی ۴  
 پرونده / مهدی آقازمانی: مهاجرت و دغدغه‌هایی به وسعت تاریخ ۶  
 پرونده / مجید محمدی: مهاجران سیاسی و تابوهای منتج به بی‌عملی... ۸  
 پرونده / اشرف ایمانی: مهاجرت، هویت و فرهنگ پذیری ۱۰  
 پرونده / وکلای مهاجرت و سه دهه تجربه و تخصص ۱۳  
 پرونده / گرین کارت آمریکا، رویایی که بسیاری به دنبال آن هستند ۱۴  
 پرونده / گرین کارت برای افراد نابغه ۱۶  
 پرونده / گرین کارت برای مبلغین مذهبی ۱۹  
 پرونده / ویزای سرمایه‌گذاری برای مهاجرت ۲۰  
 پرونده / پناهندگی راهی سخت برای زندگی آرام ۲۲  
 پرونده / اسکان پناهنده در ایالات متحده ۲۶  
 تاریخ معاصر به روایت تمبر / پرویز کاردان: نفت و تمبر ۳۰  
 یک سبد حکایت / محمود افهمی ۳۲  
 در قلمرو فرهنگ / محمدرضا شفیعی کدکنی: ابوالقاسم لاهوتی... ۳۴  
 روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران ۳۶  
 نقد و نظر / نادر ترکیان: رویای رنسانس در فوتبال سیاسی ۴۲  
 مکتوبات فدوی / حمیدرضا رحیمی: فدوی نامه ۴۴  
 اقتصاد و بین الملل / امین اکبریان: خیمه شب بازی انتخاباتی... ۴۶  
 اقتصاد و بین الملل / امین اکبریان: پیروزی‌های دیکتاتور... ۴۸  
 سفر در آمریکا / مهدی آقازمانی: ایالت مین ۵۰

## ایران شهر پزشکی - ضمیمه رایگان سوم

- پوست و زیبایی / رژ لب و سرطان ۵۴  
 پوست و زیبایی / فاجعه‌ای بنام برنزه کردن پوست ۵۶  
 پوست و زیبایی / آفتاب گیری سالم را تمرین کنید ۵۸  
 بیماری شناسی / اچ‌آی‌وی، طاعون قرن ۶۰  
 بیماری شناسی / آزمایش اچ‌آی‌وی ۶۳  
 مغز و اعصاب / آبسه مغزی با اپی‌دورال ۶۴  
 مغز و اعصاب / توفانی در مغز ۶۵  
 مغز و اعصاب / روش‌هایی ساده برای تقویت مغز ۶۶

## جدول ایران شهر - شماره ۵۱

- جدول‌های کلاسیک، شرح در متن، سودوکو، زنجیره و... ۷۰  
 حل جدول‌های شماره ۴۵ ۱۲۲  
 راهنمای حل جدول ۱۲۶  
 مسابقه همراه با جایزه ۱۲۹



# ایران شهر

شماره هشتم، جولای ۲۰۱۳

IRANSHAHR Magazine

Is published by Ketab Corp.

بنیانگذار و مدیر مسئول: بیزن خلیلی

زیر نظر شورای نویسندگان

مشاورین بازرگانی: شیدخت حکیم زاده،

مهتاب خواجه خلیلی، پروین وجدانی

ناشر: شرکت کتاب

KETAB Corporation

1419 Westwood Blvd,

Los Angeles, CA 90024. USA

818.908.0808

800.908.0808

Fax: 818.908.1457

www.iranshahrweekly.com

ketab1@ketab.com

© Copyright 2013

- مطالب منتشر شده در ایران شهر نشانگر عقیده و آرای نویسندگان آن است و الزامی و نظر ایران شهر محسوب نمی‌شود.
- مسئولیت صحت محتوای آگهی‌های منتشر شده در این ماهنامه با صاحبان آگهی است و ایران شهر در این خصوص مسئولیتی ندارد.
- استفاده از مقالات، طرح‌ها و ایده‌های منعکس شده در این مجله فقط با اجازه کتبی امکان پذیر است.
- ایران شهر در حکم و ویرایش مطالب وارد مختار است.
- مطالب و تصاویری که برای ما می‌فرستید مسترد نمی‌شود.

مجله فرهنگی ایران شهر را به راحتی و فقط با یک

تماس با مرکز اطلاعات ایرانیان مشترک شده و آن

را از طریق پست فدرال ایالات متحده آمریکا در

هر کجا که هستید دریافت نمایید.

تلفن تماس:

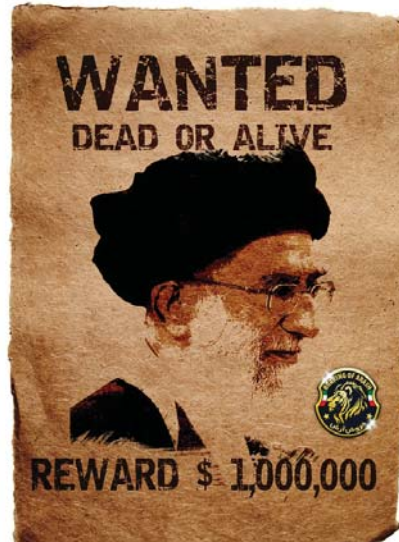
1 818 9 08 0808

برای پشتیبانی از ما، ایران شهر را مشترک شوید

ما باور داریم آگاهی مقدمه آزادی است

# تفاوت‌های جامعه مهاجرتی با جامعه امنیتی

بیژن خلیلی



رسمی) بلند پایه و میان پایه و البته بخش دون پایه که دستشان به خون ملت ایران آغشته شده است، خواهند بود.

موضوع اصلی این است که احتمالاً مبارزان راه رهایی ایران در اندیشه آن هستند که نگذارند این جانیان از برابر دادگاه بگریزند. من اطمینان دارم که در فردای ایران ادارای علم خواهد شد که این فراریان را چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران، شناسایی، دستگیر و روانه دادگاه‌ها کند.

بنابراین هم چنان که در فردای جنگ جهانی دوم، یهودیان بازمانده از هولوکاست، گروه‌های شکار، برای دستگیری فراریان نازی از چنگال عدالت به راه انداختند به نظر می‌رسد که ما ایرانیان نیز به شکار این گریز پایانی با فهرست جنایات زیر خواهیم پرداخت.

\* کشتارهای کردستان، گنبد، خوزستان و...

\* کشتارهای دهه ۶۰ از نیروهای سیاسی

\* کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی در سال ۶۷

\* ترور و کشتار ایرانیان فعال سیاسی در خارج از ایران

\* ترور و کشتار ایرانیان داخل کشور

\* سرکوب جنبش‌ها به طور کلی و بویژه سرکوب جنبش‌های دانشجویی و قتل بسیاری از فعالان آنها

\* مسئولین فرمان‌های کشتار، سنگسار و مجریان فرمان‌ها

فهرست بسیار بلند بالا است و می‌توان هم چنان نوشت و نوشت. اما این جانیان در مقابل چه خواهند کرد، این مهاجران جدید نیز بیکار نخواهند نشست و دست روی دست نمی‌گذارند که به سراغ شان برویم. هم چنان که بخشی از جانیان نازی به هر ترفندی بود سال‌ها خود را پنهان کردند و برخی

به راستی واژه مهاجرت از آن جنس واژه‌هایی است که آدمی در دوران کودکی و بزرگی، اصلاً نمی‌خواهد تجربه کند، در دوران کودکی از دوستانش و هم بازی‌هایش و هم مدرسه‌هایش و در بزرگی از فامیل و اهل دیار و میهن‌اش. اما اقتضای روزگار و جبر زمانه آدمی را به کارهایی و می‌دارد که شاید چاره دیگر در آن نمی‌یابد که یکی از اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر حتی نخوانده و ندانسته که به هر انسانی اجازه توطن را در هر جایی از اصول اساسی حقوق انسانی بر می‌شمرد را اجرا کند و به جایی دیگر مهاجرت کند.

اکثریت ما ایرانیان که از خانه آبا و اجدادی خود بعد از انقلاب شوم ۱۳۵۷ به خارج آمدیم اگر رژیم تمامیت‌خواه و جنایتکار خمینی و دودمانش بر سریر قدرت پنجه نیانداخته بودند هرگز این جا و آن جا کولونی‌های ایرانی بوجود نمی‌آوردیم و رحل اقامت نمی‌افکنندیم و امروز که بوی الرحمن رژیم اسلامی در آمده نیز تنها فکر و ذکرمان بازگشت به میهن مالوف با سرفرازی و گردن‌فرازی و عدم تمکین به رژیم سرکوبگر در تمامی سال‌های درگیری است.

اکنون که ما می‌خواهیم به دوران مهاجرت خود پایان دهیم، عده‌ای باید مهاجرت خود را آغاز کنند و اگر مینا را بر آن قرار دهیم که ما در صورتی بر می‌گردیم که حکومتی سکولار و دموکرات بر سر کار بیاید آغاز کنندگان مهاجرت از ایران باید کسانی باشند که از این حکومت جدید صدمه می‌خورند و باید در برابر دادگاه‌های مردمی حساب و کتاب بدهند. اینان گروه‌های شامل سردمداران رژیم، روحانیون شریک در قدرت جهانی دستگاه، پاسداران و بسیجی‌ها، ارتشی‌ها، ماموران امنیتی (رسمی و غیر





از آنها بالاخره از چنگال عدالت فرار کردند و در عزلت و غربت در گذشتند و البته برخی دیگر توسط شکارچیان دستگیر و سرنوشت آنها به دادگاه‌ها احاله شدند که معروفترین آنها آدولف آیشمن بود.

و پرسش مهم این است، چه کسانی به این فراریان کمک خواهند کرد؟ کشورهای هم پیمان با جمهوری اسلامی که در جنایات این رژیم سهم اساسی دارند، روسیه و چین در راس آنان و کشورهای اسلامی در پس آنان و چند کشور مانند کوبا و ونزوئلا. آیا اینان پناهگاه فراریان خواهند بود؟ و چه سازمانهایی؟ و هم چنان که امروز ثابت شده است، واتیکان به فراریان نازی برای مخفی شدن یاری می‌رساند... آیا دستگاه‌های روحانیت شیعه در عراق و پاکستان و لبنان و کشورهای دیگر به هم قطاران خود کمک خواهند کرد و به آنها کمک خواهند کرد تا از مجازات بگریزند.

واتیکان با نازی‌ها در مخالفت با کمونیست‌ها همسو بود و سازمان‌های روحانیت شیعه خارجی با فراریان جنایتکار جمهوری اسلامی در مخالفت با ارزشهای غربی. هم چنان که کوشش‌های شیندلر و یا عبدالحسین سرداری را بدون چشم داشتی در نجات یهودیان بی‌گناه از چنگال نازی‌ها را داریم، در مقابل فرار جنایتکاران نازی و کمک‌های ذی‌قیمتی که به این فراریان داده شد را نیز داریم.

برای مثال، صلیب سرخ جهانی یک قلم به همه گردان اوکرایینی اس اس که شامل ۱۱ هزار زن و مرد می‌شد که در کشتار گاه‌های نازی به عنوان گاردهای محافظتی خدمت می‌کردند ۹۰۰۰ برگه‌های سفر صادر کرد و با همراهی و تایید پاپ اعظم، آنها از اروپا به کانادا مهاجرت کردند. آیا در آینده جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی با کمک هلال احمر کشورهای عربی و اسلامی و پشتیبانی روحانیت شیعه به مخفی گاه‌ها نخواهند رفت؟ آیا آنها تغییر هویت می‌دهند؟ چه کسانی جز مهاجران قدیمی تر می‌توانند آنها را شناسایی کنند؟

## فرم تقاضای اشتراک

تاریخ:.....

### جدول هزینه اشتراک مجله فرهنگی ایران‌شهر

اروپا	کانادا	داخل آمریکا	
\$ 150	\$ 120	\$ 60	۱۲ شماره
----	----	-----	-----

NAME: \_\_\_\_\_  
 LAST NAME: \_\_\_\_\_  
 ADDRESS: \_\_\_\_\_  
 SUITE#: \_\_\_\_\_  
 CITY: \_\_\_\_\_  
 STATE: \_\_\_\_\_  
 ZIP CODE: \_\_\_\_\_  
 TEL: \_\_\_\_\_

شما می‌توانید با انتخاب گزینه مورد نظرتان در جدول اشتراک وجه آنرا از طریق چک به حساب KETAB CORP پرداخت نمایید و یا با تماس با ما از طریق کارت های اعتباری خود وجه مورد نظر را انتقال دهید. لازم به ذکر است شرایط ارسال و زمان دریافت مجلات تابع شرایط پست ایالات متحده خواهد بود.

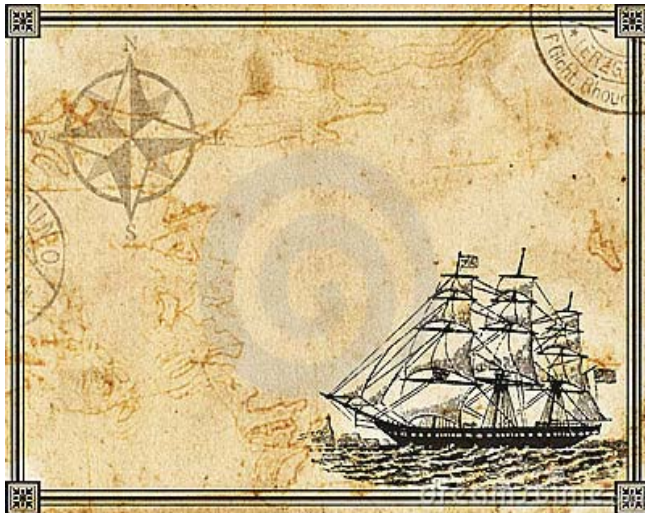
اینجانب ..... ضمن مطالعه اطلاعات فوق، متقاضی اشتراک مجله جدول ایران‌شهر از شماره ..... برای مدت ۱۲ شماره می‌باشم.

امضا

برای اشتراک، فرم فوق را تکمیل نموده و به همراه چک به آدرس مجله ارسال فرمایید و یا با دفتر مجله تماس بگیرید



# مهاجرت و دغدغه‌هایی به وسعت تاریخ



بازگشت به سرزمین اصلی خود را می‌گیرند تا در این مهاجرت بتوانند ضمن آزادی از قیود بندگی فرعون، آزادانه خدای خود را پرستش کنند و تمدن خویش را احیا نمایند.

نمونه دیگر چنین مهاجرتی را می‌توان در همین قوم و آن زمان که به فرمان کورش بزرگ درهای زندان بابل باز می‌شود، دید. او به یهودیان این اختیار را می‌دهد تا بار دیگر به اسرائیل بازگردند و از نو معبد خویش را بنا نهند و یا اینکه در هرکجای امپراطوری وسیع او که دوست دارند ساکن شوند. یهودیان نیز از همین فرصت تاریخی بهره برده و علاوه بر آن که بخشی از آنها به زادگاه اجدادی خود باز می‌گردند، گروه دیگری از آنها نیز به سوی شرق روان می‌شوند و در اقصی نقاط فلات ایران خانه می‌سازند و در تداوم تمدن ایرانی نقشی حائز اهمیت به عهده می‌گیرند.

نمونه بارز دیگر مهاجرت عقیدتی کمی بیش از هزار سال پس از فتح بابل به وسیله کورش، اما این بار در صحرای عربستان رخ می‌دهد. تازه مسلمانان که سیزده سال گذشته را به همراه پیامبرشان محمد در مکه زادگاه این دین زندگی کرده‌اند، به دلیل فشارهای عقیدتی اعمال شده از سوی حاکمان مکه تصمیم به مهاجرت از این شهر به شهری دیگر (مدینه امروزی در عربستان) می‌گیرند و در پی همین مهاجرت است که آنها قدرت یافته، حکومت تشکیل داده و بعدها متصرفات بزرگی را در دنیا در ید اختیار خود می‌گیرند. نقش این مهاجرت اعتقادی و سیاسی در نزد مسلمانان تا آن اندازه است که قرن‌هاست مبدا تاریخ خویش را از سال آغاز این مهاجرت و نه حتی

مهاجرت در پیشینه تمدن بشر اصلی انکار ناپذیر است. فراموش نکنیم که انسان برای سده‌ها پیش از سکنی گزینی در دشت‌ها و روآوری به کشاورزی، به جهت فراهم آوردن خوراک خود که عموماً از طریق شکار حیوانات تامین می‌شد در فصول گوناگون سال برای دست یابی به منابع غذایی مجبور به مهاجرت بود.

اما گویی مهاجرت نقطه عطف تمدن‌ها هم هست. در حقیقت بشر در دوره‌های

پس از جای‌گیری در تمدن‌های کوچک و بزرگی که بنا می‌نهد به دلایل گوناگون مجبور می‌شود که خانه و کاشانه‌اش را رها کرده و به سفرهایی دست بزند که مسیر تاریخ را دگرگون می‌کند. برخی از این دلایل به لحاظ آب و هوا و جغرافیا است، مانند آنچه از مهاجرت اقوام آریایی از دشت‌های شمالی سیرری به سوی جنوب بیان شده است. (فارغ از اینکه برخی یافته‌های باستانی اصولاً چنین مهاجرتی را نفی می‌کند).

اما بخش مهمی از مهاجرت‌های انسانی در دوران پس از تمدن شهری به موضوعات اعتقادی و اندیشه‌ای باز می‌گردد. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های چنین مهاجرت بزرگی را می‌توان در مهاجرت یهودیان از مصر به اسرائیل دانست. آنها که سال‌ها قبل از سرزمین خود به مصر رفته بودند، سرانجام به رهبری موسی پیامبر بزرگ آیین یهود تصمیم به



دکتر مهدی آقازمانی  
(جامعه‌شناس)



بالاتری دارند، نشان می‌دهد که خمودگی و انجماد فکری در نظام حاکم بالاتر است که تاب تحمل گروه‌های کثیری از شهروندان را ندارد.

شاید جامعه کشور ما ایران در سی و چند سال گذشته یکی از نمونه‌های استثنایی چنین جامعه‌ای را رقم می‌زند. جامعه‌ای که علی‌الرغم دستاوردهای مدنی خود که در خلال یک دوره هفتاد ساله از انقلاب مشروطیت به بعد به دست آورده بود، به ناگهان با چرخشی ایدئولوژیک به میدان تاخت و تاز متحجرتین طبقه اجتماعی جامعه (دین‌گرایان سنتی) تبدیل می‌شود. همین امر است که زمینه مهاجرت بزرگ ایرانیان را از خلال سال‌های نخستین دهه ۱۹۸۰ میلادی رقم می‌زند که البته این روند با فراز و نشیب‌هایی همچنان ادامه دارد.

اما محصل مهاجرت بزرگ ایرانیان در سه دهه گذشته پیدایش جامعه‌ای نو از ایرانیان مهاجر است که تلاش دارند تا با پاسداری از آیین‌ها و آداب فرهنگی و تاریخی نیاکان خود، اجازه ندهند حاکمیت با تغییر نسل‌ها موفق به زدودن باورهای تاریخی و جایگزین کردن ارزش‌های خود به جای ارزش‌های ملی و تاریخی شود.

با اینکه چنین وظیفه خطیری از لحاظ بافت شناسی اجتماعی فقط و فقط به عهده جامعه مهاجر است، اما خود این جامعه به عنوان یک کلونی اجتماعی از مناظر گوناگونی اعم از تاثیر متغیرهای داخلی و نیز در منظر تعامل با جامعه میزبان، دستخوش تغییرات شده و آداب و رسوم تازه‌ای را هم می‌سازد. حتی در سرزمین مهاجر پذیری چون ایالات متحده آمریکا نسلی نو پدید می‌آورد (آمریکاییان ایرانی تبار). این نسل در بافت اجتماعی جامعه میزبان قبول سهم نموده و بر اساس داشته‌های فرهنگی خود به تعامل و تاثیر بخشی در جامعه میزبان مشغول می‌شود.

در حقیقت انسان در مسیر گسترده تاریخ تمدن خود همواره از همین در هم آمیختگی‌ها پل‌هایی برای پیوند و همگرایی ساخته است و همواره کوشیده‌است تا در پناه زندگی مدون اجتماعی، بقای خود را تضمین نماید.

با این دیدگاه است که می‌توان گفت مهاجرت بزرگ ایرانیان در سه دهه گذشته اگرچه از اوضاع نا بسامان ایران زمین در دوره حاضر خبر می‌دهد اما بی شک سرآغاز تحولات اجتماعی بزرگی نیز هست.

میلاد پیامبرشان و یا بعثت او به پیامبری گاهشماری کرده‌اند. پاریسیان هند نمونه دیگری از این مهاجرت‌ها هستند. آنها که همچنان که از نامشان پیداست، ایرانیان زرتشتی بودند که در پی حمله اعراب به ایران و استیلای اسلام بر سرزمین آبا و اجدادیشان، نمی‌توانستند آزادی‌های خویش را داشته باشند. از همین رو به هندوستان آن زمان مهاجرت کردند و خود به جامعه‌ای ممتاز در آن سرزمین تبدیل شدند. وقتی در راستای همین دیدگاه به دوره معاصر می‌رسیم می‌بینیم که دوره مهاجرت بزرگ نزد بهاییان نیز وجود دارد و در دهه ۱۹۶۰ میلادی رهبر این آیین مذهبی از پیروانش می‌خواهد تا به اقصی نقاط جهان مهاجرت کنند و در شهرها و کشورهای گوناگون جهان محافل بهایی را تشکیل دهند. این فرمان مذهبی که نزد بهاییان به دوره ده‌ساله جهانی شدن شهرت دارد، نقش ممتازی در گسترش اندیشه‌های بهالله و تقویت این آیین داشته است تا آنجا که امروزه آن‌ها در اکثر کشورهای جهان پیروانی دارند و به ترویج آیین خود همت گمارده‌اند. بی‌شک در کنه درک چنین نمونه‌هایی از مهاجرت یک اصل متفق وجود دارد و آن شرایط حاکم در جامعه مبدا بوده‌است که فرصت رشد و حتی ادامه حیات را برای نحله‌های فکری جدید محدود و حتی ناممکن می‌کرده است. همین شرایط موجب می‌شود تا پیروان یک آیین، مکتب فکری و یا مخالفان یک حکومت مجبور به ترک وطن اصلی خود شده و در گوشه‌ای دیگر از جهان تلاشی را برای ادامه بقای اجتماعی خود و اندیشه‌هایشان شروع کنند.

در قرون معاصر نمونه‌های متنوعی از مهاجرت را می‌توان یافت. حتی وقتی بسیاری از دگر اندیشان و پروتستان‌ها اروپا را به دنبال آزادی‌های فکری و مذهبی رها کرده و به قاره نو وارد می‌شوند و درست همین جاست که ینگه دنیا خود به سرزمینی بدل می‌شود که با همه پهناوریش میزبان کسانی است که تلاش می‌کنند دنیایی آزادتر را بنا نهند.

در این میان بسیاری به تهایی و بسیاری هم به صورت گروهی قدم در راه مهاجرت می‌نهند و بر اساس نخستین دروس جامعه شناسی، هرچه میزان مهاجرت از یک جامعه فزونی یابد، بی شک دستگیر می‌کند که در آن جامعه و سیستم حکومتی آن فرو بستگی‌های بیشتری در روش اداره جامعه وجود دارد که موجب جلای اجباری وطن از سوی اقشار گوناگون جامعه می‌شود.

از دیگر سو هم هر چه اقشار مهاجر از یک جامعه گستردگی طیفی



# مهاجران سیاسی و تابوهای منتج به بی عملی خودخواسته

مجید محمدی  
(جامعه‌شناس)



امکان لذت بردن از زندگی در کشورهای غربی زمینه‌ی مناسبی برای دور شدن از دغدغه‌های سیاسی است.

۲. این افراد حتی اگر به فعالیت سیاسی مشغول می‌شوند از ظرفیت‌های جامعه‌ی میزبان استفاده نکنند مثل این که اگر آن جامعه آزاد است ایده‌های خود را همانند دوران زندگی تحت سانسور بیان نکنند یا از سازماندهی بپرهیزند یا از رفتن به تجمعات مخالفان پرهیز کنند و به یک معنا در همان شرایط قبل از مهاجرت خود را زندانی کنند. ایده‌های عجیب و غریبی مثل این که با دور شدن از یک جامعه نمی‌توان در مورد آن اظهار نظر کرد (که بیشتر حکومت و دستگاه‌های تبلیغاتی آن مبلغ آن هستند) یا نباید جامعه را با بالابردن انتظارات رادیکال کرد می‌تواند افراد مهاجر را از دخالت در امور ایران بازدارد یا آنها را همچنان تابعان نظام ولایت فقیه اما در خارج کشور نگاه دارد. عدم استفاده از آزادی در جامعه‌ی میزبان برای بلند کردن صدای مخالفان در داخل می‌تواند ناشی از زندگی تحت شرایط تهدید (مثل تهدید اعضای خانواده در ایران) یا تحت شرایط محذوریت به واسطه‌ی ترس از فشار بیشتر بر دوستان یا دیگر فعالان سیاسی یا تلاش برای ماندن در جمع آنها نیز باشد.

۳. به دلیل جا گذاشتن عرق ملی یا وابستگی ملی در ایران و عدم

مهاجران سیاسی به آن دسته از مهاجران گفته می‌شود که به علت کنش سیاسی خود تحت فشار و آزار یک حکومت استبدادی یا دیکتاتوری قرار گرفته و بناچار کشور خود را ترک می‌گویند. دهها و بلکه صدها هزار تن از مهاجرانی ایرانی در چهار دهه‌ی اخیر از این سنخ هستند. مهاجران سیاسی ایرانی نیروهای فعالی بوده‌اند که در محل سکونت و کار خود از قدرت تاثیر گذاری برخوردار بوده و نیروی بدیلی برای فعالان سیاسی طرفدار حکومت به حساب می‌آمده‌اند و به همین دلیل از سوی حکومت تحت تعقیب واقع شده، در معرض شکنجه و زندان و اعدام بوده و مجبور به ترک خانه و خانواده‌ی خود شده‌اند.

## چگونه حکومت از مهاجرت سیاسی سود می‌برد؟

در واقع حکومت در فضای داخلی از مهاجرت این افراد سود می‌برد چون نیروی فعال رقیب صحنه را ترک کرده است. این برنده بودن اما در سطح جهانی سه شرط دارد:

۱. این افراد پس از مهاجرت به جامعه‌ی جدید دست از فعالیت سیاسی بردارند و به زندگی خویش بدون دغدغه‌های سیاسی مشغول شوند؛ خستگی از سیاست بالاخص سیاست زشتی که در ایران در جریان است به راحتی می‌تواند گریبان مهاجران را بگیرد. همچنین



همیشه به نفع جمهوری اسلامی کار می‌کند چون افراد را از ظرفیت‌های سیاسی خود محروم می‌سازد.

همان‌طور که مهاجران سیاسی (خواه پناهنده‌ی سیاسی باشند یا نباشند) از امکانات جامعه‌ی میزبان مثل بهداشت مجانی یا مسکن مجانی در دوره‌هایی استفاده می‌کنند و از این امر هم شرمند نیستند آنها در صورت گذر از وطن پرستی تک‌ساحتی می‌توانند به واسطه‌هایی برای گذاشتن فشار بر روی دولت اقتدارگرا و تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی با امکانات دولت سرزمین دوم خود تبدیل شوند. کسانی که نمی‌توانند از این حیات تک‌ساحتی گذر کنند سال‌ها افتخار می‌کنند که با یک مقام دولتی غربی دیدار نکرده‌اند.

### ریشه‌ها

متأسفانه برخی از شهروندان ایرانی که امروز به شهروندان کشورهای اروپایی و شمال آمریکا تبدیل شده‌اند به جای استفاده از این ظرفیت فوق‌العاده جهت کاهش فشار حکومت بر مردم به واسطه‌ی یدک کشیدن دیدگاه‌های اسلامگرا و مارکسیستی ضد امپریالیستی و ضد غربی از آزادی موجود برای مبارزه با سیاست‌های دولت سرزمین دوم خود استفاده می‌کنند. رسوبات دیدگاه‌های ضد امپریالیستی موهوم و نظریه‌ی توطئه‌مینی بر این که آمریکایی‌ها یا اروپایی‌ها همه‌ی دنیای غیر غربی را کلنگی و ویران می‌خواهند (در حالی که دولت‌های استبدادی جامعه را بدان سمت سوق داده‌اند) در این میان نقش اصلی را بازی می‌کنند. متأسفانه عرق ملی در اینجا در جهت ترجیح استبداد واقعی داخلی بر استعمار یا سلطه‌ی موهوم خارجی عمل می‌کند. در اینجا نیز همان احساس خارجی بودن- در حالی که فرد دیگر خود یکی از شهروندان این «خارج» است- خود را بر فرد تحمیل می‌کند و چشم انداز وی را محدود می‌سازد.

بر اساس این دیدگاه ضد غربی فروش اسلحه توسط روسیه و چین و کره شمالی به سراسر دنیا خطری ندارد (و ایرانیان چپ یا اسلامگرای ضد امپریالیست اعتراضی هم نمی‌کنند) اما اگر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها اسلحه بفروشند صرفاً برای کشتار و جنگ است در حالی که کودکان مدارس هم می‌دانند که اسلحه ابتدائاً کارکرد بازدارندگی دارد؛ اگر آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها با تروریسم اسلامی مبارزه کنند ناشی از اسلام هراسی معرفی می‌شود اما اگر چینی‌ها و روس‌ها چنین کنند صدایی بلند نمی‌شود. در همین موضوعات است که حداقل بخشی از مهاجران سیاسی نشان می‌دهند همراهی و همدلی با جامعه‌ای که بدان‌ها پناه داده ندارند و تعلق خاطر آنها به جای دیگری است.

تا زمانی که حداقل بخشی از ایرانی-آمریکایی‌ها یا ایرانی-اروپایی‌ها با هویت پررنگ آمریکایی و اروپایی و با در نظر داشتن دغدغه‌های آمریکاییان و اروپاییان (نگرانی از تروریسم اسلامی و توسعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی توسط دولت‌ها دیکتاتوری و از جمله جمهوری اسلامی) با استفاده از ابزارهای دولت آمریکا و دول اروپایی با حکومت جمهوری اسلامی مبارزه نکنند نمی‌توان امید داشت مهاجران ایرانی از ظرفیت‌هایی که در اختیارشان است بهره‌ی کافی برای مقابله با رژیم دروغ و تقلب و ریاکاری و سرکوب در ایران برده‌اند.

آمادگی برای پذیرش وابستگی هویتی مضاعف، از همکاری با همفکران خود در کشور میزبان خودداری کنند. اگر مهاجران سیاسی به پیرامون خود در وطن دوم نگاهی بیندازند هزاران همفکر و هم‌دغدغه پیدا خواهند کرد.

خودداری از همکاری می‌تواند ناشی از احساس گناه ناشی از ترک وطن اول، دیدگاه‌های بیگانه‌هراس، یا احساس خطر از اموری عمدتاً موهوم مثل تجزیه‌ی ایران یا حمله‌ی خارجی باشد. به عنوان مثال اگر یک ایرانی-آمریکایی به نمایندگان محل خود در کنگره به عنوان نمایندگان خود نگاه کند طبعاً در مورد مسائل مربوط به ایران می‌تواند با آنها تماس بگیرد و در سیاست خارجی معطوف به ایران موثر واقع شود.

در این نوشته بیشتر به موضوع سوم می‌پردازم.

### دشواری احساس تعلق مضاعف

بسیاری از مهاجران سیاسی حتی پس از اخذ اقامت و شهروندی کشور میزبان هنوز نمی‌توانند احساس تعلق به جامعه‌ی میزبان داشته باشند و برخی تا ابد خود را در این جامعه بیگانه احساس می‌کنند. این احساس بیگانگی تأثیر مستقیمی بر فعالیت سیاسی آنها دارد. آنها نمی‌توانند شهروندی و فرهنگ مضاعف را به خوبی هضم کنند و از این جهت کلاً با دغدغه‌های جامعه‌ی میزبان مثل احساس خطر از اسلامگرایی یا جاه‌طلبی اسلامگرایان یا تروریسم یا تلاش اسلامگرایان برای تأسیس خلافت یا امپراطوری اسلامی بیگانه می‌مانند. اگر افراد بتوانند از این بیگانگی گذر کنند دیگر اتهاماتی مثل «پول گرفتن از بیگانه» یا عامل بیگانه واقع شدن در صورت تماس با مقامات دولتی کشور دوم خود از سوی دیگر مهاجران قابل طرح نمی‌بود. تماس گرفتن یک شهروند ایرانی آمریکایی یا ایرانی بریتانیایی با مقامات دولتی خود یک امر عادی است و نه امری غیر عادی که شایسته‌ی برچسب باشد.

### غم غربت در سرزمین خود

بسیاری از فعالان سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی که زندگی در جامعه‌ی ایران را از دست داده‌اند سال‌ها با غم غربت دست و پنجه نرم می‌کنند چون نمی‌توانند محیط تازه را وطن دوم خود بدانند و با آن به درستی درآمیزند. اگر ایرانیان مخالف در خارج کشور خود را آمریکایی و سوئدی و بریتانیایی و فرانسوی و آلمانی تلقی کنند مثل یک آمریکایی، سوئدی، فرانسوی، آلمانی و بریتانیایی فعال از همه‌ی ظرفیت‌های جامعه‌ی خود برای مبارزه با رژیم سیاسی در ایران بهره برداری می‌کنند.

در این صورت دیگر گرایش سیاسی سیاستمداران حاکم یا ایدئولوژی آنها وجه ثانوی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه اگر یک ایرانی مهاجر در دوران جرج دبلیو بوش خود را علاوه بر ایرانی بودن آمریکایی نیز به حساب می‌آورد حاضر بود که با این دولت هر گونه ارتباطی را برقرار سازد تا به دولت ایران برای کاهش نقض حقوق بشر فشار وارد آورد و دیگر احساسات خود را نسبت به دولت بوش در این میان دخالت نمی‌داد و بوش را نه رئیس جمهور شهروندانی غیر خود بلکه رئیس جمهور خود به حساب می‌آورد. این گونه احساسات ملی یک طرفه

# مهاجرت، هویت و فرهنگ پذیری

اشرف نریمانی  
روان درمانگر مقیم بریتانیا



جنگ ها، خشکسالی ها و کشمکش های سیاسی از عوامل مهم افزایش روند مهاجرت در سطح جهان، طی سه دهه گذشته، شناخته شده است. براساس گزارش سازمان بین المللی مهاجرت، تعداد کل مهاجران بین المللی در طول ۱۰ سال گذشته ۴۰ درصد افزایش یافته و امروزه از حدود ۱۵۰ میلیون به ۲۱۴ میلیون نفر رسیده است.

طبق آمار کمیسیون عالی پناهندگان، در سال ۱۹۷۰ تقریباً دو و نیم میلیون نفر متقاضی پناهندگی به کشورهای مختلف بودند. این رقم در یک دهه بعد به هشت و دو دهم میلیون نفر و در اواخر سال ۱۹۹۰ به ۱۷ میلیون نفر، یعنی حدوداً به دو برابر، رسید.

اما، با شروع مناقشات سیاسی در کشورهای بلوک شرق و ناآرامیهای اجتماعی - سیاسی در دیگر مناطق، تعداد پناهندگان تا سال ۲۰۰۰ به بیش از ۴۲ میلیون نفر افزایش یافت (UNHCR، ۲۰۰۰).

این جا به جایی ها که ممکن است خواسته و یا ناخواسته باشد، اغلب مشکلات و نگرانی های زیادی را برای افراد مهاجر بوجود می آورد.

یکی از این مسایل چالش ها و بحران های هویتی است. این موضوع به خودی خود افراد مهاجر را آسیب پذیرتر کرده و گاهی می تواند سلامت عاطفی، روانی و حتی جسمانی آنها را به مخاطره بیا نندازد.

اگر چه بسیاری از افراد مهاجر به نوعی خود را با این چالش ها و تغییرات تطبیق میدهند، افراد دیگری هستند که ممکن است برای مدت طولانی تری با این کشمکش ها و ناراحتی ها درگیر باقی بمانند.

این مشکل در میان پناهجویانی که فاقد وضعیت قانونی بوده و با محدودیت های بیشتری روبرو می باشند، حادث تر به نظر می رسد.

فرهنگ پذیری را می توان به عنوان پروسه تغییر و انطباق فرهنگی که در نتیجه تعامل افراد از فرهنگ های مختلف به وجود می آید، تعریف کرد. (گیسون، ۲۰۰۱، س. ۱۹)

طی این پروسه، فرد ممکن است با دو نوع چالش روبرو شود: (۱) انطباق با باورها، ارزش ها و انتظارات گروه های جدید، (۲) حفظ و نگهداری باورها و ارزش های فردی و مورثی خویش (فیننی & همکاران، ۲۰۰۱).

از آنجایی که فرهنگ پذیری در تعامل با هویت افراد صورت می گیرد، این روند گاهی منجر به یک سری تناقضات و بحران های هویتی در برخی از مهاجران می شود.

هویت اغلب یک پروسه رشدی طبیعی در نظر گرفته میشود که نهایتاً برای تعریف (چه کسی بودن) یک انسان در دنیا ضروری است. (اریک اریکسون، ۱۹۵۰، ۱۹۶۸).

همه ما مجموعه ای از هویت هایی هستیم که همگی آنها مفهوم «من» یا «خود» را می سازد. خودپنداری، خود شناسی و حرمت به نفس ما اغلب منعکس کننده شناخت و احساس ما نسبت به این هویت ها است.

برخی از روانشناسان «خود» را به عنوان قسمت سازمان دهنده فکر، که سازگاری سالم را از طریق یادگیری، ادراک و ترکیب آنها ممکن می سازد، معرفی می کنند.

طبق این دیدگاه، هویت یک مفهوم پویا است که از تعامل دائمی فرد و محیط شکل می گیرد. بنابراین میتواند هم تابع تغییرات محیطی و هم تغییرات درونی باشد.

در اینجا به موضوع هویت ازدو جنبه مختلف، هویت فردی و هویت اجتماعی، نگاه میشود. هویت فردی به یک سری از ویژگی ها، اهداف، ارزش ها و باورهای شخصی که با هم انسجام درونی دارند و در شرایط

## فرهنگ پذیری، هویت، و سلامت روانی - اجتماعی مهاجرین

پدیده مهاجرت اغلب با فرهنگ پذیری همراه است. در اصطلاح کلی،



حدودی تضمین کننده سلامت روانی یک شخص است (شوارتز، ۲۰۰۶). چگونگی فرهنگ پذیری و ادغام مهاجران در جامعه جدید لین (۱۹۸۲)، معتقد است که افراد مهاجر معمولاً به پنج شیوه با شرایط فرهنگی-اجتماعی جامعه جدید کنار می‌آیند:

(۱) در حاشیه بودن اضطرابی- تلاش مضطربانه برای بر آوردن تقاضاهای هر دو فرهنگ

(۲) کناره گیری- دوری جستن و کم توجهی به هنجارهای هر دو گروه فرهنگی

(۳) سنت گرایی - منزوی شدن و در حسرت و رویای فرهنگ قدیمی زندگی کردن

(۴) فرهنگ پذیری افراطی- نادیده گرفتن فرهنگ اصلی خود و برگزیدن هنجارهای جاری جامعه جدید

(۵) دو- فرهنگ- ادغام بهترین های هر دو فرهنگ برای روشن شدن موضوع، نگاهی به چگونگی چالش های هویتی و فرهنگ پذیری مهاجران با توجه به موقعیت سنی آنها به هنگام مهاجرت، می‌اندازیم. (فریدرز، ۲۰۰۲):

(۱) کودکان (۹-۱ سال): چنین به نظر می‌آید که کودکان از سن ۳-۴ سالگی متوجه تفاوت های فرهنگی، زبانی و برخی از ویژگی های قومی میشوند

از سن ۴-۸ سالگی نسبت به گروه های مختلف کنجکاوای نشان داده و حس و مفهوم گروه فرهنگی به تدریج در آنها شکل می‌گیرد. و به دنبال آن نهایتاً به یک گروه بیش از دیگری تمایل نشان داده و آن را انتخاب می‌کند. در حدود همین سنین است که کودکان نسبت این که چگونه توسط دیگران درک می‌شوند هشیاری پیدا میکنند. (پورتر، ۱۹۷۱).

این گروه که دارای پایین ترین ساختار هویتی هستند به دلیل مرحله رشدی و انعطاف پذیری بالایی که دارند، معمولاً به راحتی میتوانند خود را با جامعه جدید وفق بدهند.

(۲) جوانان و نوجوانان (گروه سنی ۱۰-۲۰): شناسه های فردی و قومی یک فرد تقریباً تا پایان دروه نوجوانی شکل گرفته و هویت او را منسجم می‌کند.

تجارب بعدی زندگی و نقش های اجتماعی و جنسیتی به تدریج این هویت را در آن‌ها مستحکم تر می‌کنند. (لین، ۲۰۰۴).

این گروه که ساختار هویتی آنها، قبل از ورود به جامعه جدید، تا حدودی شکل گرفته و برخی از مهارت های ابتدایی اجتماعی، مانند زبان را کسب کرده‌اند در جامعه جدید افرادی دو - زبانه و دو- فرهنگی به حساب می‌آیند.

با توجه به ویژگی های سنی، به نظر می‌آید این گروه بیش از دیگران سردرگمی های هویتی را تجربه میکنند. با این حال، شرایط رشدی و انعطاف پذیری آنها ممکن است این دشواری های انطباق را تا حدود زیادی کاهش داده و یا خنثی کند.

نوجوانان ممکن است برای پای بندی به هر کدام از فرهنگها از جانب منابع مختلف تحت فشارهایی قرار بگیرند. آنها اغلب توسط خانواده هایشان تشویق می‌شوند که به فرهنگ و سنن اصلی خود وفادار بمانند.

در بعضی مواقع، عدم پذیرش فرهنگ قومی والدین توسط نوجوانان بی احترامی و زیر پا گذاشتن ارزش های خانوادگی به حساب می‌آید که ممکن

مختلف نسبتاً ثابت هستند، گفته می‌شود. (مانند هویت جنسی، ویژگی های جسمانی و شغلی حرفه ای).

هویت اجتماعی مربوط به ویژه گی های گروهی ای است که فرد خود را به آن متعلق می‌داند، مانند: طبقه اجتماعی، گروه فرهنگی و قومی شخص (رومانس، ۲۰۰۰).

هویت فردی و اجتماعی می‌تواند، در طی پروسه فرهنگ پذیری تغییر پیدا کند. اگرچه فرهنگ پذیری تقریباً می‌تواند یک امر اجتناب ناپذیر و استرس زا باشد، اینکه یک فرد چطور ارزش ها و باورهای قبلی خود را دوباره سازی و یا نگاه داری می‌کند یک موضوع ضروری برای سلامت روانی است.

### نقش و عملکرد هویت فرد در پروسه فرهنگ پذیری

عملکرد هویت چیست: طبق نظریه اریکسون (۱۹۵۹، ۱۹۸۰)، نقش هویت این است که به عنوان یک عامل خود تعدیلی ساختار روانی و اجتماعی فرد را منظم می‌کند.

هویت به فرد این امکان را می‌دهد تا: (۱) ساختاری برای فهمیدن اینکه فرد چه کسی است، داشته باشد. (۲) به تعهدات، ارزش ها و اهداف خود معنی و جهت دهد. (۳) موجب خود نظم دهی و حس کنترل شخصی شود. (۴) بین، ارزش ها، باورها و تعهدات خود ثبات، انسجام و هارمونی ایجاد کند. (۵) فرصت ها و امکانات مناسب را شناسایی کرده و دست به انتخاب رفتار متناسب بزند. (آدامز و همکاران، ۱۹۹۶)

با توجه به عملکردهای هویت می‌توان نتیجه گرفت که هویت یک مکانیسمی است که فرد را در مسیر زندگی و تعامل با محیط هدایت و راهنمایی می‌کند.

بنا بر این، میتواند نقش خاصی در انطباق مهاجران با محیط جدید و نحوه فرهنگ پذیری آنها داشته باشد. هنگامی که یک فرد مهاجر در معرض ایده های فرهنگی- اجتماعی محیط جدید قرار می‌گیرد، ممکن است با احساساتی از قبیل شگفتی، متفاوت بودن، بی ثباتی، تردید و یا اشتیاق به کشف و یادگیری، روبرو شود.

این شناخت ها و احساس ها فرد را وادار می‌کند که برای حفظ تعادل و ثبات فردی خویش تغییراتی را در خود و یا اگر میتواند در محیط خود به وجود بیاورد.

حال اگر فرد قادر نباشد راه حال مناسبی در برابر این استرس و فشارها پیدا کند و یا نتواند معنا و مفهوم روشنی برای کنار آمدن با این تغییرات در خود به وجود بیاورد، ممکن است دچار آشفتگی هویتی، از خود بیگانگی و در نتیجه آسیب های روانی و اجتماعی گردد.

وقتی مردم باور کنند که آنها هیچ هویتی ندارند یا هویت آنها آسیب دیده است زندگی برایشان کم معنی و یا بی معنی می‌شود (دبتس و همکاران ۱۹۹۵؛ مور، ۱۹۹۷؛ وناسلم و همکاران، ۱۹۹۸).

از آنجایی که معنای زندگی در متن احساس هویت زنده می‌شود، بنابراین، هویت یک عنصر ضروری در ترفیع سلامتی و رضایتمندی محسوب می‌شود.

فرد با توجه به عملکرد هویتی اش دست به یک سری تغییرات زده، برخی از ارزشها و باورهای خود را نگهداری و برخی را دوباره سازی می‌کند.

مطالعات نشان میدهد که انطباق پذیری به همراه انسجام نسبی هویت، تا

است به تعارضات و مشکلات ارتباطی بین آنها منجر بشود. (سزیکینیک، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰).

در چنین شرایطی یک نوجوان ممکن است یا به طور افراطی هویت فرهنگی خانواده را در مقابل فرهنگ رایج جامعه بپذیرد و یا نسبت به هر دو فرهنگ احساس به تفاوتی کرده و خود را متعلق به هیچکدام نداند.

گاهی این بی تفاوتی و ابهام هویتی، نوجوان را دچار آشفتگی‌های روانی کرده و در نتیجه او را در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی در جامعه جدید آسیب پذیرتر میکند.

حال اگر یک نوجوان احساس کند که جامعه جدید برداشت منفی نسبت به ویژگی‌های فردی و فرهنگی او دارد، این حس ممکن است در وی درونی شده، و گاهی به حس بی‌زاری از فرهنگ قومی خود تبدیل شود. (وگا و همکاران، ۱۹۸۰، ۲۰۰۵).

در بعضی مورد این حس نامطلوب ممکن است به بی تفاوتی منفعلانه و آزدگی‌های روانی منجر شده و یا به شکل واکنش‌های خصمانه مانند پیوستن به گروه‌های تندرو و یا جامعه ستیز باز شود. (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۱).

«هویت» در نوجوانان بیشتر به مفاهیم ذهنی مانند روابط بین فردی، ارزش‌ها و ترجیحات فردی مربوط میشود.

بنابراین، نقش و فشار گروه همسالان را هم نباید در روند شکل‌گیری شاخصه‌های هویتی و فرهنگ پذیری این گروه سنی نادیده گرفت.

به همین دلیل بعضی از نوجوان تمایل دارند که با پیروی از ارزش‌های گروه همسالان، هویت امن‌تر و فرضاً مستحکم‌تری برای خود به وجود بیاورند.

۳) بزرگسالان: در بزرگسالان هویت فرهنگی و تاریخچه زندگی با هم آمیخته می‌شوند. این افراد بسیاری از مفاهیم هویت شخصی و دیگر ویژگی‌های هویت اجتماعی مانند زبان و وابستگی‌های فرهنگی را پیش از ورود به جامعه جدید کسب کرده‌اند.

آنها نگهدارنده و منتقل‌کننده سنت‌ها و ارزش‌های قومی خود به نسل بعدی به حساب می‌آیند.

به معنای دیگر آنها هرگز به طور کامل تابع ارزش‌های فرهنگی جامعه جدید نمی‌شوند ولی می‌دانند که برای بهره‌مند شدن از فرصت‌های موجود باید حداقل انتظارات و استانداردهای اجتماعی فرهنگ جاری را رعایت کرده و خود را با آنها منطبق کنند.

در بزرگسالان «هویت» به اهداف افراد و آنچه که می‌خواهند باشند مربوط می‌شود. مهاجران بزرگسال برای انطباق و ایجاد ثبات روانی نسبی به شیوه‌های مختلفی با جامعه و فرهنگ جدید کنار می‌آیند.

گروهی ممکن است ترجیحاً با مردم هم فرهنگ خود مراد کرده و به این طریق برای خود یک سیستم حمایتی، روانی-اجتماعی، جبرانی به وجود آورند.

گاهی افراد با تمرکز بر روی پیشرفت‌های مالی و اقتصادی سعی میکنند هویت‌های جدید و احساس امنیت بیشتری برای خود فراهم کرده، و از این طریق، این درحاشیه بودن و احساس تنهایی را جبران کنند.

برخی با تکیه بر روی پیشرفت‌های تحصیلی، علمی و مالی فرزندان‌شان با ارزش‌های جامعه جدید کنار آمده و ممکن است چنین استدلال کنند که به

خاطر نسل آینده، ایثار و از خود گذشتگی کرده‌اند. در بعضی موارد، فرد ممکن است به طور افراطی با فرهنگ جامعه جدید

هم هویتی کرده و دست از ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی خود بکشد. برخی از شواهد نشان میدهند که این همانند سازی افراطی گاهی منجر به خشم درونی شده و احتمال دارد فرد را دچار تعارض‌های درونی بکند. در این میان، افراد مسن‌تر مشکلات خاص خود را دارند.

آنها نه تنها سبک زندگی و باورهای قدیمی‌شان به چالش کشیده می‌شود بلکه به این دلیل که فرزندان و نوادگان آنها به سرعت با جامعه جدید تطبیق پیدا کرده و از آنها دورتر میشوند، احساس انزوا و تنهایی بیشتری می‌کنند.

به هر حال پروسه انطباق پذیری و روبرو شدن با چالش‌های هویتی امر انسانی نیست گاهی ممکن است سلامت مهاجرین را هم تهدید کند. حتی کسانی که توانسته‌اند خود را به حد مطلوب با جامعه جدید منطبق کنند، گاهی ممکن است احساس کنند که چیزی را از دست داده‌اند. (راگلر، ۱۹۹۱)

طبق شواهد موجود، اضطراب، افسردگی و استرس‌های ناشی از آسیب‌های روانی قبلی از جمله مشکلات عاطفی بین مهاجران مطرح شده است. (فاکس و همکاران، ۲۰۰۱؛ مادرن، ۲۰۰۴)

اختلالات رفتاری دیگری که به دنبال این مشکلات گزارش می‌شوند عبارتند از خشونت‌های خانگی، روی آوردن به قمار، الکل و مواد مخدر. بحران‌های هویتی گاهی میتواند هم به عنوان عامل و هم معلول این مشکلات در نظر گرفته شود.

دو فرهنگ بودن در چنین جوامعی ممکن است امری استرس‌زا باشد اما، امروزه دو فرهنگ انطباقی مناسب‌ترین راه برای پیشگیری از بحران‌ها و تعارضات هویتی معرفی می‌شود. (شوارتز-درزکو، ۲۰۰۱)

تجارب و مطالعات نشان میدهند، فرهنگ پذیری‌ای که هم به باورها و سنن قبلی فرد و هم به تغییرهای انطباقی جدید ارزش قائل شود باعث استحکام «خود» یا «من» در فرد می‌شود.

و در نتیجه، هویت انطباقی که در برگزیده ویژگی‌های هر دو فرهنگ باشد احتمالاً مناسب‌ترین و سالم‌ترین شیوه فرهنگ پذیری به حساب می‌آید. (پومریگا، ۲۰۰۶)

این نوع سازگاری به فرد کمک می‌کند تا با کنترل احساسات و هیجانات، شرایط و امکانات را به طور منطقی سنجیده و با حفظ حرمت نفس خود بتدریج با تغییرات همگام شود.

در این رابطه، فرد تفاوت‌ها را می‌پذیرد و می‌تواند روی رویی با دو فرهنگ را فرصتی برای انتخاب بهترین‌ها و خود شکوفایی قلمداد کند.

این موضوع به خصوص برای مهاجران نوجوان و جوان (گروه سنی ۱۰-۲۰) از اهمیت خاصی برخوردار است. آماده کردن نوجوانان مهاجر برای پذیرش این هویت دو فرهنگی میتواند استرس‌های مربوط به دوران بلوغ را هم کاهش بدهد.

این امر به نوجوان فرصتی میدهد تا بتواند بین هویت‌های اکتسابی و موروثی خود انسجام نسبی‌ای ایجاد کرده و یک «خود مفهومی» مطلوبی برای خود بوجود بیاورد.

به طور کلی، هویت فردی شفاف و محکم میتواند موجب جلوگیری، کاهش و یا تعدیل استرس‌های ناشی از پروسه فرهنگ پذیری بشود.



# وکلاي مهاجرت و سه دهه تجربه و تخصص



کارت آمریکا راهی این کشور شده‌اند به انجام رسانند. این عزیزان با تجربه و آگاهی خود به بررسی مورد به مورد درخواست‌ها پرداخته و در هر پرونده با توجه به همه شرایط موجود در آن پرونده، قوانین و راهکارهای کار آمدی را پیگیری می‌کنند که منجر به تحقق رویای مهاجرت به آمریکا و پا گذاشتن به دنیای نو شود.

وکلاي مهاجرت را باید ضامن تکثر جمعیتی جامعه ایرانی در ایالات متحده آمریکا دانست و از اینکه امروزه ما بدون مشکل با گروه کثیری از هموطنانمان در این کشور جامعه خود را بنا نهاده‌ایم از آنها سپاسگذار بود.

در این پرونده و مقالاتی که از این پس مطالعه می‌کنید تلاش و سعی ما باز کردن جلد کتاب قطوری است به نام پرونده مهاجرت به ایالات متحده آمریکا که بی شک مذاقه در موضوعاتی که ما به صورت گذرا به آنها اشاره می‌کنیم نیازمند مراجعه علاقمندان به وکلاي مجرب و بهره‌گیری از دانش و تخصص آنهاست.

ایران‌شهر در سلسله مقالات پرونده این شماره خود کوشیده‌است تا با استفاده از منابع قابل اعتماد مانند سایت وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا و نیز منابع مربوط به سفارت مجازی ایالات متحده آمریکا در تهران، همچنین مقالات منتشر شده از اداره مهاجرت گوشه‌ای از این اطلاعات را به شما عزیزان تقدیم کند.

بدیهی است این مجله هیچگونه مشاوره حقوقی در هیچکدام از موارد مطرح شده نمی‌دهد و انتشار این مطالب فقط جهت گسترش آگاهی‌های عمومی در این باره است.

موکدا سفارش می‌کنیم تا در صورتی که پرونده ای برای امور مهاجرتی دارید به وکلاي مور اعتماد خود در این رشته مراجعه نمایید.

ایالات متحده آمریکا به ویژه ایالت کالیفرنیا امروزه برای بسیاری از ایرانی‌ها به خانه دوم تبدیل شده است. در خلال سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ میلادی که نخستین موج بزرگ مهاجرت ایرانیان اعم از اقلیت‌های دینی، کارگزاران نظام پیشین حکومتی، روشنفکران و منتقدین سیستم انقلابی و... مجبور به جلای وطن شدند خیلی‌ها آرام آرام این سوی دنیا گرد هم آمدند تا از نو جامعه‌ای قوی و قابل اعتماد بسازند. بسیاری از این عزیزان در ابتدای ورود به ایالات متحده آمریکا تنها بودند. خیلی‌ها حتی بدون اعضای درجه یک خانواده‌شان، جان خود برداشته بودند و گریخته بودند. خیلی‌های دیگر حالا که کمی جاگیر شده بودند، تازه می‌فهمیدند که به صرف زیستن در آمریکا خوشبختی به سراغشان نمی‌آید، بلکه آنها برای درک خوشبختی نیاز به مشارکت‌های اجتماعی دارند. اینجا بود که همه تلاش داشتند تا کانون‌های فامیلی خود را در این سوی دنیا دوباره از نو بسازند. از خواهر و برادر و مادر و پدر گرفته تا دوست و همکار و... آرام آرام آشنایی بیشتر با جامعه و قوانین آمریکایی دستگیر همه کرد که اینجا در ایالات متحده آمریکا فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی وجود دارد که فقط و فقط با دانستن قوانین و با استفاده درست و به جا از آنها قابلیت این را فراهم می‌کند که زندگی دوباره ایرانیان در این سوی دنیا بار دیگر رنگ شادی به خود بگیرد.

از همین روست که نقش سازنده و مهم وکلاي و مشاورین امور مهاجرتی در پیدایش جامعه نوپای ایرانی و قوام آن بیش از هر قشر دیگری خود نمایی می‌کند.

وکلاي مهاجرت نام آشنا و با سابقه ایرانی در طول بیش از سه دهه گذشته توانسته‌اند هزاران پرونده موفقیت آمیز اخذ اقامت ایالات متحده آمریکا را برای هموطنانی که چه از طریق پناهندگی، مهاجرت‌های شغلی، خانوادگی، سرمایه‌گذاری و یا برنده شدن در لاتاری گرین



# گرین کارت آمریکا

## رویایی که بسیاری به دنبال آن هستند

در صورتیکه زیر دیپلم هستند، بایستی دو سال سابقه کار تخصصی طی ۵ سال اخیر داشته باشند. عنوان شغلی تخصصی شما بایستی منطبق با شرایط اداره کار ایالات متحده باشد. این شغل‌ها در شبکه اطلاعات شغلی آمریکا در Zone های مختلف دسته بندی شده‌اند و تخصص فرد بایستی در Zone ۴-۵ باشد.

### مدارک لازم جهت ثبت نام:

برای ثبت نام در لاتاری بایستی فرم‌های مربوط به شرایط خودتان (مجرد، متاهل، مطلقه و بیوه) را تکمیل کنید. این فرم‌ها حاوی اطلاعات فردی و تحصیلی شما می‌باشد. همچنین به همراه این فرم بایستی یک قطعه عکس نیز ارسال نمایید.

### شرایط تصویر جهت شرکت در لاتاری:

یک قطعه عکس ۵ در ۵ (۶۰۰ در ۶۰۰ پیکسل)، با زمینه سفید که در آن فرد کاملاً رو به دوربین باشد.

در تصویر از هیچگونه کلاه، عینک آفتابی و هر چیز غیر متعارفی که باعث پوشاندن سر و صورت باشد استفاده نشود.

برای تهیه این عکس، بهترین راه مراجعه به عکاسی و تهیه یک عکس جدید می‌باشد. از عکاس بخواهید فایل عکس شما را روی CD یا فلش مموری بزند و به شما بدهد.

### چه افرادی از اعضای خانواده مجاز به شرکت در قرعه کشی هستند؟

افراد مجرد بالای ۱۸ سال می‌توانند به تنهایی در لاتاری شرکت کنند. افراد متاهل می‌توانند با همسر و فرزندان مجرد زیر ۲۱ سالشان در لاتاری شرکت کنند.

افراد متاهل، می‌توانند دو بار در لاتاری شرکت کنند. یک بار یک فرم برای آقا پر شود و اطلاعات خانم در آن گنجانده شود. و یک بار خانم فرم را پر کند و اطلاعات آقا را در فرم خود بگنجانند. این کار قانونیست و می‌تواند شانس افراد متاهل را دو برابر کند.

افراد مجرد بین ۱۸ تا ۲۱ سال می‌توانند هم به صورت انفرادی ثبت نام کنند و هم به همراه والدینشان. بدین ترتیب ۳ بار در لاتاری شرکت کرده‌اند و این شانس برنده شدنشان را بیشتر می‌کند. اگر هر یک از والدین برنده

همانطور که همه می‌دانید گرین کارت ویزای اقامت دائم در آمریکاست. دارنده گرین کارت می‌تواند آزادانه در این کشور زندگی، کار و تحصیل کند. یک فرد ایرانی پس از دریافت گرین کارت می‌تواند تحت شرایط افراد دارای اقامت، بدون هیچ مشکلی به ایران سفر کند و با همان کارت به آمریکا بازگردد. همانطور که پیشتر گفته شد، گرین کارت به مثابه ویزای دائم برای هر فرد میباشد.

دولت آمریکا هر ساله از طریق قرعه کشی به ۵۵۰۰۰ نفر از سرتاسر جهان گرین کارت اعطا می‌کند. (البته اخیراً طرحی در دستور کار کنگره قرار دارد که در صورت تصویب به لاتاری گرین کارت در خلال سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ پایان می‌دهد)

هر ساله لیستی از کشورهایی که اتباعشان مجاز به شرکت در لاتاری هستند از سوی اداره مهاجرت آمریکا اعلام می‌شوند. کشور ایران نیز تا به امسال جزو کشورهای مجاز بوده است. معیار اینکه اتباع چه کشورهایی می‌توانند در لاتاری شرکت کنند و چه کشورهایی نمی‌توانند، بستگی به تعداد مهاجران آن کشور در ایالات متحده دارد. برای مثال اتباع کشورهای چین، کانادا، هندوستان، فیلیپین، برزیل و چند کشور دیگر اجازه شرکت در این قرعه کشی را ندارند، چرا که با توجه به اینکه آمریکا یک کشور مهاجر پذیر است، تعداد بسیار زیادی از اتباع این کشورها هر ساله از طرق دیگر به آمریکا مهاجرت می‌کنند. به واقع این لاتاری فرصتی برای کشورهایی است که هر ساله مهاجر کمتری به این کشور گسیل می‌دارند، تا از این طریق بتوانند موازنه‌ای بین نژاد و جمعیت مهاجران بوجود آورند. به همین دلیل این برنامه Diversity Visa Lottery (قرعه کشی ویزای گونه‌گونی) نام گرفته است.

طبق آمار منتشر شده، در حال حاضر حدود یک میلیون ایرانی ساکن ایالات متحده میباشند که این رقم نسبت به مثلاً کشور چین با حدود چهار میلیون مهاجر خیلی کمتر است.

### شرایط شرکت در لاتاری برای علاقه مندان به مهاجرت به آمریکا:

افرادی که می‌خواهند در این لاتاری شرکت کنند باید حداقل دو شرط زیر را داشته باشند:

سن ۱۸ سال به بالا داشته باشند.

مدرک دیپلم یا بالاتر داشته باشند.



شوند، می‌توانند به همراه آنها مهاجرت کنند.

یک فرد در صورت برنده شدن، فقط می‌تواند همراهان مجاز خود را که در زمان ثبت نام در لاتاری نامشان را در فرم آورده با خود ببرد.

### تاریخ اعلام نتایج لاتاری:

نتایج لاتاری هر ساله در تاریخ ۱ می (۱۳ اردیبهشت) از طریق سایت اداره مهاجرت اعلام می‌شود. تا چند سال اخیر روال بر این بود که نتایج لاتاری به آدرس پستی فرد قبول شده ارسال می‌شد، اما اکنون اینکار تنها از طریق سایت اداره مهاجرت به صورت آنلاین و با ارائه کد رهگیری (Confirmation Number) منحصر به فرد صورت می‌گیرد.

حالا اجازه بدهید سوالات مهمی که در این زمینه به ذهن متبادر می‌شود را پاسخ بگوییم. شایان ذکر است این سوالها و پاسخ به آنها از متداول ترین سوالاتی است که به وسیله وکلای مجرب در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### آیا برای شرکت در قرعه کشی شرایط سنی وجود دارد؟

خیر، افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند به راحتی در قرعه کشی شرکت کنند و افراد زیر ۱۸ سال می‌بایست همراه والدین یا ولی قانونی خود در قرعه کشی شرکت کنند. در این مرحله فقط یک استثناء وجود دارد و آن افرادی که زیر ۱۸ سال سن داشته ولی دیپلم متوسطه خود را گرفته باشند می‌توانند به تنهایی در قرعه کشی شرکت کنند.

### آیا برای شرکت در قرعه کشی مدرک تحصیلی مورد نیاز است؟

بله حداقل ۱۲ سال تحصیل و یا اینکه دارای ۲ سال سابقه کار و یا ۲ سال سابقه دوره کارآموزی مورد نیاز است.

### آیا ایرانیان نیز حق شرکت در قرعه کشی را دارند؟

بله، ایران جزو کشورهایی هست که افراد متولد در آن می‌توانند در قرعه کشی گرین کارت آمریکا شرکت کنند.

### آیا در یک خانواده فقط زن و یا فقط شوهر می‌توانند در قرعه کشی گرین کارت آمریکا شرکت کنند؟

خیر، زن و شوهر می‌توانند هر کدام تقاضای جداگانه برای شرکت در قرعه کشی گرین کارت آمریکا را بنمایند. یعنی یکبار شوهر متقاضی اصلی است و در فرم درخواست همسر و فرزندان زیر ۲۱ سال خود را به عنوان همراه و خانواده درجه یک خود عنوان می‌کند و همین طور زن نیز می‌تواند جداگانه به عنوان متقاضی اصلی درخواست شرکت در قرعه کشی گرین کارت آمریکا را بنماید و شوهر و فرزندان زیر ۲۱ سال خود را در فرم درخواست به عنوان همراه و خانواده درجه یک خود نام ببرد.

### از یک خانواده ایرانی چه کسانی میتوانند در فرم درخواست والدین به عنوان همراه شرکت کنند؟

فقط همسر متقاضی اصلی و فرزندان مجرد زیر ۲۱ سال متقاضی اصلی می‌توانند به عنوان خانواده درجه یک در فرم درخواست نام برده شوند. البته فرزندان مجرد بین ۱۸ تا ۲۱ سال نیز می‌توانند خود جداگانه درخواست بنویسند.

### آیا یک فرد می‌تواند دو بار فرم ثبت نام را ارسال نماید؟

خیر در صورتی که یک شخص دوبار فرم ارسال نماید به طور خودکار از قرعه کشی حذف می‌شود.

آیا اگر فرد متقاضی اصلی برنده گرین کارت آمریکا شد بایستی حتما به همراه خانواده به آمریکا مهاجرت نماید؟  
خیر، این بستگی به خود خانواده دارد و فرد متقاضی اصلی می‌تواند به تنهایی مهاجرت کند و یا اینکه با خانواده مهاجرت کند.  
چگونه یک فرد متوجه می‌شود که در قرعه کشی گرین کارت برنده شده است؟

قبلا مرسوم بود که نامه قبولی قبول شدگان به آدرس آنها ارسال می‌شد. در دوره‌های اخیر با فراگیری استفاده از اینترنت، برندگان از طریق سایت اداره مهاجرت ایالات متحده آمریکا در جریان برنده شده خود قرار می‌گیرند.

### آیا شخصی که در کشوری خارجی بدون گذرنامه و اجازه اقامت زندگی می‌کند اجازه شرکت در قرعه کشی گرین کارت را دارد؟

بله، با هرگونه اقامت و یا حتی بدون اجازه اقامت در هر کشوری که زندگی می‌کنید از جمله اگر به طور غیر قانونی در همین ایالات متحده زندگی می‌کنید و یا برای سفر و یا با ویزای دیگری در این کشور هم هستید، می‌توانید در قرعه کشی شرکت کنید ولی به شرط اینکه بعد از قبولی در هنگام مصاحبه که شش ماه تا یک سال بعد از قبولی انجام می‌شود بتوانید پاسپورت برای گرفتن ویزا به همراه داشته باشید.

### اگر فرد متقاضی اصلی از همسرش جدا شده و یا در شرف جدا شدن از همسرش باشد چگونه باید در قرعه کشی شرکت کند؟

اگر فرد متقاضی اصلی رسماً و قانوناً از همسرش طلاق گرفته باشد اصلاً لزومی ندارد نام همسر قبلی را در فرم ثبت نام بنویسد. اما اگر هنوز رسماً طلاق نگرفته است و در شرف طلاق گرفتن می‌باشد باید نام همسرش را در فرم به عنوان همراه بنویسد و اگر بعد از ثبت نام از همسرش طلاق رسمی و قانونی گرفت دیگر لازم نیست در فرم‌های بعدی که به همراه فرم قبول شدن در قرعه کشی ارسال می‌شود نام همسرش را بنویسد.

### آیا اگر بعد از قبول شدن ازدواجی صورت بگیرد تکلیف همسر فرد متقاضی چه می‌شود؟

اگر ازدواج قبل از ارسال فرم قبولی انجام شده باشد نام همسر را در فرم دوم که برایتان ارسال می‌شود ثبت می‌کنید و هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد و همسر شما نیز ویزای آمریکا را دریافت می‌نماید. اما اگر بعد از ارسال فرم دوم ازدواجی صورت بگیرد شاید سه تا شش سال طول بکشد تا همسر گرین کارت دریافت نماید.

### آیا اگر شخصی از راه‌های دیگر مهاجرتی مثل کار، تحصیل، سرمایه گذاری و... تقاضای ویزای آمریکا کرده باشد نیز می‌تواند در قرعه کشی گرین کارت آمریکا شرکت کند؟

بله، شرکت در قرعه کشی گرین کارت هیچ ارتباطی با درخواست ویزای آمریکا به روش‌های دیگر ندارد.

### اگر فردی در زمان ثبت نام اصل مدرک دیپلم و یا لیسانس را نداشته باشد می‌تواند ثبت نام کند؟

بله، زیرا در زمان ثبت نام ما هیچ گونه مدرک تحصیلی اصلی را درخواست نمی‌کنیم. مدرک اصلی تحصیل را در صورت قبول شدن و در زمان مصاحبه برای گرفتن ویزای گرین کارت آمریکا توسط سفارت آمریکا از شما درخواست خواهد شد.

# گرین کارت برای افراد نابغه و خلاق EB1 Visa



کاری نیستید، ولی شما باید نشان دهید که هدف شما از سفر به آمریکا کار کردن و مفید واقع شدن برای ایالات متحده است.

## چه زمانی میشود برای ویزای امریکا EB1 اقدام کرد؟

بر خلاف دیگر ویزاهای کاری، این نوع ویزای معمولاً به حد نصاب سهمیه خود نمی‌رسد، بنابراین تغییر این ویزا به ویزای EB1 به محض اینکه در خواست این نوع ویزا تأیید شود امکان پذیر است. این نوع ویزا نیازی به سنجش بازار آمریکا برای مهارت خاص ندارد. روند این کار ظرف چند ماه انجام می‌شود.

## مزیت و محدودیت ویزای EB1 چیست؟

از مزایای ویزای EB1 نسبت به ویزای EB1 این است که شما نیازی به داشتن پیشنهاد کاری ندارید. همچنین گرفتن ویزای EB1 سریعتر از دیگر ویزاهای کاریست. اداره مهاجرت برای دادن این ویزا تأمل خاصی نشان می‌دهد. اغلب ویزاهای EB2 و EB3 راه حل بهتری برای گرفتن ویزا کاری هستند.

## یک وکیل چه کمکی می‌تواند هنگام اقدام برای ویزای EB1 کند؟

گرفتن این نوع ویزای بسیار سخت‌تر از آن است که به نظر می‌رسد، در شرایطی که متقاضی یک پاداش بین المللی نبرده باشد، گرفتن این نوع ویزا مشکل تر می‌شود. اداره مهاجرت نیز در اجرا شاخصه‌ها ضعف‌هایی دارد. با گذاشتن قانون اثبات تمام شاخصه‌های لازم برای این ویزا که در سطح

گرین کارت برای افراد نابغه و خلاق چیست و شامل چه کسانی می‌شود؟

این ویزا یک نوع ویزای مهاجرت است برای خارجی‌هایی که از یک توانایی شگفت آور برخوردار هستند. این توانایی می‌تواند در زمینه علوم تجربی، هنر، آموزش و پرورش، بازرگانی و یا ورزشی باشد.

همگونی برای این نوع ویزای بسیار بالا است و بیشتر برای کسانی است که بتوانند ثابت کنند که آنها جزو معدود کسانی هستند که این نوع مهارت را دارند. قوانین مهاجرت معیارهای خاصی برای این نوع ویزا تعریف کرده‌اند که به یک غیر آمریکایی اجازه می‌دهد که ثابت کند که مهارت وی از لحاظ کشوری و بین المللی مورد قبول دیگران واقع می‌شود. بهترین و ساده‌ترین راه برای اثبات این موضوع این است که شما بخاطر داشتن این مهارت خاص، یک مرکز بین المللی از شما تجلیل کرده باشد. داشتن چنین مدرکی که مهارت شما را اثبات کند، به سختی به دست می‌آید و هر کسی نمی‌تواند چنین مدرکی ارائه دهد. راه‌های دیگری وجود دارد که شما بتوانید این مهارت خود را ثابت کنید، مثل داشتن مدارکی پائین تر از آنچه عنوان شد که ثابت کند شما مدرک و یا جایزه ارزنده‌ای در سطح کشوری و یا بین المللی برده‌اید، مقاله‌های منتشر شده در مورد شما و مهارت شما توسط انتشارات معتبر و یا مدارکی که ثابت کند که شما عضو هیأت داوران برای یک پاداش بزرگ بوده‌اید. برای این نوع ویزا نیازی به داشتن پذیرش





می‌تواند با مشورت با یک وکیل مجرب، اطمینان حاصل کند که آیا برای گرفتن این نوع ویزا شانس دارد؟!

## ویزای EB1B، ویزای برای تحقیق و یا تدریس در سطح دانشگاه

ویزای EB1B چیست و شامل چه کسانی میشود؟

این نوع ویزا از خانواده ویزای مهاجرت EB1 است که برای استادها و محققان خارجی است.

شرایط برای دریافت این نوع ویزای به شرح زیر است:

- ۱) ورود به یک دوره آموزشی در یک موسسه برای آموزش در سطح بالا و یا به عنوان یک محقق دایمی در یک مرکز تحقیقات
- ۲) حداقل ۳ سال تجربه تدریس و یا تحقیق در زمینه مورد نظر
- ۳) به عنوان یکی از برجسته‌ترین افراد در زمینه مورد نظر شناخته شده

کشوری و جهانی مورد پسند باشد، ولو آنکه که از قوانین اینطور برداشت می‌شود که باید بطور کلی اعتبار مهارت شما را در سطح ملی و جهانی مورد احترام دیگران باشد. یک وکیل می‌تواند کمک شایانی برای دریافت این نوع ویزا کند. به عنوان مثال یک وکیل می‌تواند اطمینان حاصل کند که اداره مهاجرت به هنگام بررسی پرونده شما غیر معقول نبوده است و تمامی مدارک لازم به اداره مهاجرت تسلیم شده است. برای نمونه، یک متقاضی ممکن است که فکر کند مدرک به اندازه کافی برای اثبات مهارت خاص از طریق نشان دادن مقاله‌های منتشر شده در مورد خود است و برای اثبات این موضوع فقط به ذکر منبع این انتشار اکتفا کند. در واقع فقط ذکر منبع کافی نخواهد بود و از نظر اداره مهاجرت یک مدرک ضعیف به حساب می‌آید. یک وکیل با تجربه که به استاندارد این کار آشنای داشته باشد، خواهد توانست میزان موفقیت در خواست شما را تخمین بزند و همچنین می‌تواند اطمینان حاصل کند که کیفیت مدارک ارائه شده از لحاظ اداره مهاجرت مورد پذیرش است. کسانی که می‌خواهند برای این نوع ویزا اقدام کنند،



## ویزای EB1C

### ویزای مدیریت بین‌المللی

ویزای EB1C چیست و شامل چه کسانی می‌شود؟

این نوع ویزای مهاجرتی برای مدیر اجرایی و یا مدیر عاملی است که می‌خواهد خود را از یک شرکت چند ملیتی منتقل کند. اشخاصی می‌توانند درخواست این نوع ویزا را کنند که:

(۱) به عنوان مدیر عامل و یا مدیر اجرایی استخدام شده باشند.

(۲) در یک شرکت شناخته شده چند ملیتی کار کنند.

(۳) حداقل ۱ سال از ۳ سال گذشته در شرکت مزبور مشغول به کار بوده باشند. یک مدیر اجرایی واجد شرایط شخصی است که مستقیماً یک شرکت را و یا قسمت بزرگی از آن شرکت را اداره کند، قوانین و اهداف شرکت را مشخص کند و قدرت تصمیم‌گیری بالایی داشته باشد و تنها زیر نظر هیأت مدیره باشد.

یک مدیر عامل واجد شرایط شخصی است که حداقل یک بخش از یک شرکت را اداره کند، کارهای کارکنان دیگر را زیر نظر داشته باشد و یا مسول اداره بخش مهمی در شرکت باشد. از این گذشته یک مدیر عامل باید قدرت استخدام کردن و یا اخراج کردن داشته باشد و یا حداقل در سطح ارشد در شرکت کار کند. یک شرکت قابل سازمانی است که به صورت کامل و یا جزوی از آن وابسته به یک شرکت آمریکایی باشد.

شرایط در مورد داشتن تجربه حداقل برای یک سال در ۳ سال گذشته، هنگامی که شخصی توسط ویزای غیر مهاجرت وارد خاک آمریکا شده باشد (معمولاً L-1A)، مدت زمانی ۳ سال، قبل از تاریخ ورود به خاک آمریکا محاسبه می‌شود. اداره مهاجرت نظر مثبتی نسبت به شرکت‌های کوچک ندارد و خیلی به ندرت به نفر را به عنوان مدیر عامل و یا مدیر اجرایی قبول می‌کند.

چه زمانی میشود برای ویزای EB1C اقدام کرد؟

بر خلاف دیگر ویزاهای کاری، این نوع ویزای معمولاً به حد نصاب سهمیه خود نمی‌رسد، بنابراین تغییر نوع ویزا به ویزای EB1 به محض اینکه درخواست این نوع ویزا تأیید شود امکان پذیر است. این نوع ویزا نیازی به سنجش بازار آمریکا برای مهارت خاص ندارد. روند این کار ظرف چند ماه انجام می‌شود.

مزیت و محدودیت ویزای EB1C چیست؟

روند گرفتن این نوع ویزا سریع‌تر از دیگر ویزاهای کاری خواهد بود. وزارت مهاجرت برای دادن این ویزا تأمل خاصی نشان می‌دهد. اغلب ویزاهای EB2 و EB3 راه حل بهتری برای گرفتن ویزا کاری هستند.

یک وکیل چه کمکی میتواند هنگام اقدام برای ویزای EB1C کند؟

به هنگام ارایه درخواست برای این نوع ویزا بهتر است که مدارک شما مرتب شده باشد. یک وکیل حرفه‌ای آشنا با قوانین تشکیلات و سازمان‌های آمریکایی و نقش متقاضی به عنوان یک مدیر عامل و یا مدیر اجرایی، لازمه ارایه یک پرونده قوی و موثر است. نامه نوشته شده باید طوری تنظیم شده باشد که نشان دهد چطور شرکت خواهد توانست از مدیر عامل و یا مدیر اجرایی حمایت کند. فقط به معرفه‌های حقوقی اشاره کردن و به این اکتفا کردن که شخص متقاضی چنین نقشی را در آینده خواهد داشت نمی‌تواند رضایت اداره مهاجرت را جلب کند. یک وکیل می‌تواند به شما کمک کند و پرونده را آنطور که مورد نظر اداره مهاجرت است جمع‌آوری کند.

باشد

(۴) اگر کارفرما یک موسسه خصوصی است، آنها باید ثابت کنند که حداقل ۳ محقق برای آنها کار می‌کنند و مدارکی از موفقیت آنها در زمینه مورد نظر ارائه دهند.

استاندارد EB1B بالاتر از EB1A است. برجسته بودن در زمینه کاری یک استاندارد بین‌المللی است. قوانین مهاجرت ظوایت مشخصی دارند که به یک کارمند خارجی این اجازه را می‌دهد که ثابت کند در سطح بین‌المللی شناخته شده است. متقاضیان این نوع ویزا باید با ارائه حداقل ۲ مدرک ثابت کنند که آنها شایسته این نوع ویزا هستند. این مدارک می‌تواند شامل دریافت کردن یک جایزه بزرگ که نشان دهد دستاورد آنها در زمینه مورد نظر شایان بوده است، انتشار کار شما از طریق یک شرکت معتبر انتشارات و یا اثبات همکاری شما به عنوان محقق در زمینه مورد نظر. شما نیازمند یک کارفرما هستید که برای شما تقاضای اجازه کار کند. شما می‌توانید نشان دهید که ۳ سال تجربه در زمینه‌های آموزش و تحقیق دارید. همچنین تجربه کسب شده به هنگام دریافت مدرک دکترا نیز به حساب می‌آید.

چه زمانی میشود برای ویزای EB1B اقدام کرد؟

بر خلاف دیگر ویزاهای کاری، این نوع ویزای معمولاً به حد نصاب سهمیه خود نمی‌رسد، بنابراین تغییر نوع ویزا به ویزای EB1 به محض اینکه درخواست این نوع ویزا تأیید شود امکان پذیر است. این نوع ویزا نیازی به سنجش بازار آمریکا برای مهارت خاص ندارد. روند این کار ظرف چند ماه انجام می‌شود.

مزیت و محدودیت ویزای EB1B چیست؟

روند گرفتن این نوع ویزا سریع‌تر از دیگر ویزاهای کاری خواهد بود. وزارت مهاجرت برای دادن این ویزا تأمل خاصی نشان می‌دهد. اغلب ویزاهای EB2 و EB3 راه حل بهتری برای گرفتن ویزا کاری هستند.

یک وکیل چه کمکی میتواند هنگام اقدام برای ویزای EB1B کند؟

به هنگام ارایه درخواست برای این نوع ویزا بهتر است که مدارک شما مرتب شده باشد. نامه ضمیمه شده باید طوری نوشته شده باشد که نشان دهد که چرا شخص متقاضی یک استاد برجسته است. حتی اگر متقاضی شانس زیادی برای گرفتن این نوع ویزا داشته باشد، اداره مهاجرت، ممکن است متوجه ارزش کاری متقاضی نشود. یک وکیل مجرب می‌تواند پرونده شما را بشکلی آماده کند که اداره مهاجرت به خوبی متوجه ارزش کاری فرد متقاضی شود. همچنین یک وکیل می‌تواند اطمینان حاصل کند که تمام مدارک لازم گردآوری شده بر مبنای ضوابط تعیین شده است. بعنوان مثال، یک فرد متقاضی ممکن است که فکر کند که برای اثبات عضویت در یک موسسه آموزشی، فقط کارت عضویت در یک مسسه حرفه‌ای کافی باشد. مسول رسیدگی در اداره مهاجرت نیازمند اثبات این موضوع است که تنها افراد برجسته می‌توانند عضو باشند و همچنین استاندارد پذیرش در آن گروه نیز باید مشخص شود. یک وکیل که تجربه در زمینه ارائه مدارک با استاندارد حقوقی داشته باشد می‌تواند میزان موفقیت شما را بسنجد و همچنین به شما کمک کند تا تمام مدارک لازم، مثل معرفی‌نامه، مورد قبول واقع شوند. یک وکیل می‌تواند تخمین بزند که متقاضی ویزای EB1B شایستگی ارائه در خواست را دارد و همچنین تعیین کند که در چه چهارچوب آموزشی شما را معرفی کند.





# گرین کارت آمریکا برای مبلغین مذهبی EB-4 Visa



## چه زمانی میشود برای ویزای EB4 اقدام کرد؟

بر خلاف دیگر ویزاهای کاری آمریکا، این نوع ویزای معمولاً به حد نصاب سهمیه خود نمی‌رسد، بنابراین تغییر نوع ویزا به ویزای EB1 به محض اینکه در خواست این نوع ویزا تأیید شود امکان پذیر است. این نوع ویزا نیازی به سنجش بازار آمریکا برای مهارت خاص ندارد. روند این کار ظرف چند ماه انجام می‌شود.

## مزیت و محدودیت ویزای EB4 چیست؟

یکی از مزایای این نوع ویزا این است که نیاز به داشتن پذیرش کاری نیست. روند کاری این نوع ویزا بسیار سریع خواهد بود. این نوع ویزا بیشتر برای کشیشان است. بنا براین تمام کارکنان مذهبی نمی‌تواند برای آن درخواست کنند.

## یک وکیل چه کمکی میتواند هنگام اقدام برای ویزای EB4 کند؟

گرفتن این ویزا مشکلات و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. حتی هنگامی که در خواست شما تمام مدارک لازم را شامل شود، این مدارک باید بصورت منطقی و منظم ارائه شوند که توجه افسر اداره مهاجرت را جلب کند. مخصوصاً در شرایطی که ممکن است کار مورد نظر در زمینه تخصصی بودن شکی در آن وجود داشته باشد و فرد متقاضی مدرک معمول را ندارد، داشتن یک وکیل مجرب در امور مهاجرت بسیار ضروری است که یک پرونده قوی و متقائد کننده ارائه دهد. پرداختن به جزئیات بسیار مهم و ضروریست. داشتن آگاهی کامل با قوانین اداره مهاجرت و اینکه آنها به دنبال چه چیز هستند می‌تواند کمک شایانی به متقاضیان این نوع ویزا کند.

## EB-4 Visa چیست و شامل چه کسانی میشود؟

ویزای آمریکا EB4 یک نوع ویزا مهاجرت است که برای کارکنان خارجی است که می‌خواهد برای کار کردن مذهبی به آمریکا مهاجرت کنند. متقاضیان باید ثابت کنند که:

- 1) آنها عضو یک باور مذهبی حداقل در ۲ سال گذشته بوده‌اند.
- 2) که آنها در یک سازمان رسمی و شناخته شده کار کنند.
- 3) به عنوان یک کشیش مذهبی حرفه‌ای، یا آنهایی که در مذهب دیگری کار می‌کنند.

گروه‌های مذهبی به اجتماعی گفته می‌شود که به صورت تشکیلاتی اداره شود، نوع باور آنها شناخته شده باشد، اصول مشخصی را دنبال کنند و مراسم مذهبی برگزار کنند. برای اثبات عضویت فرد در گروه مذهبی خاص، ایشان باید در جلوی دیگر اعضا سوگند یاد کند. سازمان واجد شرایط یک سازمان مذهبی خواهد بود که به صورت وقف سازماندهی شده باشد. چنین سازمانهایی از دادن مالیات معاف خواهند بود. بیشترین کسانی که برای این نوع ویزا درخواست می‌کنند کشیشان هستند. یک مذهبی حرفه‌ای شخصی است که در زمینه مذهبی به صورت حرفه‌ای مشغول به کار باشد. داشتن حداقل مدرک کارشناسی الزامی است. تجربه کاری می‌تواند کمبودهای آموزشی را جبران کند.

دیگر کارکنان مذهبی به اشخاصی گفته می‌شود که کارهای سنتی مذهبی انجام می‌دهند، یا برای تعلیم دهنده مذهبی، مبلغین و مترجمین مذهبی. این کارکنان مذهبی می‌تواند استخدام یک سازمان وقف مذهبی باشند.

# ویزای نوع E برای مهاجرت به آمریکا



طور کلی ویزای فوق به مدت ۲ سال اعتبار دارد و هر ۲ سال یکبار شخص می‌بایستی جهت افزایش اعتبار آن اقدام نماید.

## شرایط اخذ ویزای E1

متقاضی می‌بایستی شهروند کشوری باشد که ایالات متحده با آن پیمان بازرگانی دارد.

قوانین مربوط به بازرگانی که شخص تحت آن وارد آمریکا می‌شود می‌بایستی از سوی کشور وی مورد تایید باشد.

تجارت بین‌المللی که شخص به دنبال راه اندازی آن است می‌بایستی از لحاظ سودآوری و توسعه، بسیار محکم و پایدار باشد.

تجارت ذکر شده به طور عمده می‌بایستی بین ایالات متحده و کشور متقاضی صورت پذیرد. به این معنی که حداقل بیش از ۵۰ درصد این تجارت بین این دو کشور صورت گیرد. تجارت به معنی مبادله کالا، خدمات و تکنولوژی است.

متقاضی می‌بایستی در هیئت مدیره نقش داشته و یا مهارت‌های بالارده‌ای در امر مدیریت و کنترل پروژه تجارت داشته باشد. افرادی که از مهارت‌های لازم برخوردار نباشند واجد شرایط اقدام از طریق این برنامه نیستند.

## ویزای E2 (طبق معاهده سرمایه گذاری)

این نوع ویزای برای اشخاصی است که قصد دارند تا مدیریت توسعه یک تجارت را که افراد از سراسر دنیا در آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند و یا اینکه در حال حاضر افراد در حال سرمایه‌گذاری در آن هستند (به طور کلی سرمایه‌ای بسیار زیاد و اساسی صرف آن شده است) را در دست گیرند. برای تشخیص این امر که آیا سرمایه‌گذاری در این بخش محکم و پایدار است دپارتمان ایالتی یک آزمون نسبی از آن به عمل خواهد آورد. به طور کلی باید گفت که هر چه مخارج راه اندازی این تجارت پایین تر باشد،

ویزای نوع E که خود به دو دسته معاهده بازرگانی E1 و معاهده سرمایه گذاری E2 تقسیم می‌گردد، برای شهروندان کشورهای است که آمریکا با آنها پیمان تجارت و بازرگانی دارد.

هدف از ارائه این نوع ویزا ایجاد فرصت برای اشخاصی است که می‌خواهند به آمریکا مهاجرت کرده و تجارتي اساسی را در این کشور راه اندازی نمایند که این تجارت شامل ارائه خدمات و سرویس‌های تکنولوژی در وهله اول میان آمریکا و کشور محل تولد شخص مورد نظر می‌باشد. همچنین سرمایه‌گذاری تجاری از این روش در کشور آمریکا با توجه به مواد مصوبه قانون مهاجرت و ملیت، به منزله توسعه و مدیریت تجارتي که افراد از سراسر دنیا در آن سرمایه‌گذاری نموده‌اند و یا در حال سرمایه گذاری و شراکت در آن هستند نیز می‌باشد.

لازم به ذکر است که همسر و فرزندان زیر ۲۱ سال شخص اقدام کننده (متقاضی اصلی) که مجرد هستند، بدون توجه به ملیت اصلیشان نیز می‌توانند از ویزای نوع E جهت اینکه به همراه شخص وارد کشور آمریکا شوند بهره‌مند گردند. همسر شخص متقاضی می‌تواند برای استخدام شغلی و کارایی در آمریکا اقدام نماید. اما فرزندان شخص نمی‌توانند در آمریکا مشغول به کار گردند و تنها می‌توانند از امکانات تحصیلی آمریکا بهره‌مند گردند.

## ویزای E1 (طبق معاهده بازرگانی)

این نوع ویزا برای افرادی است که قصد دارند وارد آمریکا شده و در این کشور تجارت محکم و اساسی را پایه‌گذاری نمایند. لازم به ذکر است که تجارت فوق می‌بایستی بین‌المللی بوده و به طور عمده میان کشور آمریکا و کشوری که شخص ملیت آن را دارد صورت گیرد. متقاضی در صورت اقدام از این طریق می‌بایستی متعهد شود که در صورت از بین رفتن و یا باطل شدن معاهده بازرگانی آمریکا با کشور وی، آمریکا را ترک نماید. به

# اعلام نام برندگان قرعه کشی گرین کارت ۲۰۱۴

نتایج قرعه کشی امسال کارت سبز ورود به آمریکا از سوی وزارت امور خارجه اعلام شده است. این قرعه کشی برای ارائه کارت سبز در سال ۲۰۱۴ (سال آینده میلادی) انجام شده است؛ به این معنا که برندگان این قرعه کشی سال ۲۰۱۴ می‌توانند وارد این کشور شوند.

کسانی که در این قرعه کشی سالانه ثبت نام کرده‌اند، با مراجعه به صفحه ویژه اعلام نام برندگان در تارنمای وزارت امور خارجه آمریکا و وارد کردن شماره‌ای که هنگام ثبت نام به آنان داده شده همراه با سال تولد، می‌توانند دریابند که در میان برندگان هستند یا نه.

قرعه کشی سالانه برای اعطای کارت سبز ورود به آمریکا از سال ۱۹۹۵ آغاز شد و هدف آن ایجاد تنوع بیشتر در میان متقاضیان مهاجرت به آمریکا بود.

طی سال‌های اخیر شمار متقاضیان شرکت در این قرعه کشی افزایش چشمگیری یافته و بر میزان محبوبیت بین‌المللی آن افزوده شده است. عده زیادی از قانونگذاران جمهوری خواه آمریکایی با این برنامه وزارت خارجه مخالفند و آن را پرهزینه می‌دانند و می‌گویند که دادن این تعداد کارت سبز به شماری از شهروندان کشورهای دیگر از میان میلیون‌ها متقاضی گرین کارت آمریکا، برای این کشور ارزش و توجیه اقتصادی ندارد.

در دور نخست قرعه‌کشی امسال برای کسب گرین کارت آمریکا، حدود ۱۰۰ هزار متقاضی به قید قرعه انتخاب می‌شوند و از میان این عده، نیمی از آنها واجد شرایط دریافت گرین کارت شناخته خواهند شد، و در نهایت حداکثر ۵۰ هزار شهروند غیر آمریکایی صاحب کارت سبز ورود به آمریکا خواهند شد.

در قرعه کشی کارت سبز امسال آمریکا، ۷ میلیون و ۹۰۰ هزار متقاضی شرکت کرده‌اند. در سال ۲۰۱۲، آفریقاییان بیش از شهروندان قاره‌های دیگر جهان در قرعه کشی کارت سبز برنده شدند و بیش از ۱۸ هزار تن از آنها کارت سبز گرفتند.

روال قرعه کشی برای کارت سبز آن است که کشورهایی که طی ۵ سال اخیر بیش از ۵۰ هزار مهاجر به آمریکا فرستاده‌اند، از قرعه کشی حذف می‌شوند.

کره شمالی، بریتانیا (به استثنای ایرلند شمالی)، بنگلادش، برزیل، کانادا، چین، پاکستان و مکزیک در صدر فهرست این کشورها هستند.

برای دریافت کارت سبز، برندگان قرعه کشی باید مدارک لازم مبنی بر داشتن دست کم دیپلم دبیرستان یا دو سال تجربه کاری را ارائه دهند. دولت آمریکا پیش از اعطای کارت سبز به برندگان قرعه کشی، از نداشتن سابقه کیفری آنها نیز اطمینان حاصل می‌کند.



تناسب بیشتری با پایدار بودن آن وجود دارد. بنابراین برای مثال اگر کل سرمایه برای راه اندازی یک تجارت ۱۰۰,۰۰۰ دلار آمریکا باشد، شخص باید کل آن را تامین نماید.

مبلغ سرمایه‌گذاری متقاضی می‌بایستی در شرایط ریسکی قرار گیرد. بدین معنا که سرمایه شخص در صورتی که تجارت وی از دست برود، می‌بایستی به صورت کامل و یا قسمتی از آن از بین رود.

## شرایط اخذ ویزای E2

- شخص چه به صورت حقیقی و یا حقوقی می‌بایستی شهروند کشوری باشد که آمریکا با آن پیمان بازرگانی و تجارت دارد.

- سرمایه گذاری باید پایدار و محکم باشد و به اندازه‌ای باشد که موفقیت تجارت را تضمین نماید. درصد سرمایه‌گذاری در یک تجارت کوچک باید بیشتر از سرمایه‌گذاری در یک تجارت بزرگ و حجیم باشد.

- سرمایه گذاری باید در جهت راه اندازی یک تجارت فعال صورت گیرد. سرمایه‌گذاری در تجارتي که فعالیت مناسبی ندارد جایز نیست. خواباندن مبالغ مالی در بانک و یا سایر صندوق‌های مالی جزو سرمایه گذاری به حساب نمی‌آید.

- سرمایه گذاری نباید در حاشیه کار صورت گیرد. بدین معنا که باید سودآوری بسیار فراتری از تنها درآمد لازم یک خانواده داشته باشد یا اینکه نقشی اساسی در توسعه اقتصاد آمریکا از خود ایفا کند.

- سرمایه گذار می‌بایستی کنترل لازم را بر میزان سرمایه خود داشته باشد و لازم به ذکر است که سرمایه وی از لحاظ شرایط تجاری باید تحت شرایط ریسک پذیر واقع شود.

- متقاضی جهت مدیریت توسعه یک تجارت می‌بایستی وارد ایالات متحده شود. اگر شخص خود متقاضی اصلی سرمایه‌گذاری نباشد می‌بایستی در هیئت مدیره و یا واحد سرپرستی و نظارت و یا به عنوان یک فرد دارای مهارت‌های بسیار بالارده شرکت نماید. افرادی که مهارت‌های لازم را ندارند واجد شرایط اخذ ویزا نمی‌باشند.



# پناهندگی راهی سخت برای رسیدن به زندگی آرام و امن



بدیهی است که پروسه مهاجرت چه از طریق ویزاهای کاری، تحصیلی، ازدواج و... و چه از طریق اعطای پناهندگی سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... شامل مراحل کاملاً حرفه‌ایست که بنا به وضعیت هر فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد و اطلاق قوانین گوناگون در این زمینه لزوم به‌رمندی از وکلای با تجربه را فزونی می‌بخشد. طبیعی با چنین دیدی پرسش و پاسخ‌های زیر را نمی‌توان جواب کلیه پرونده‌های پناهندگی دانست بلکه کوشیده شده است تا از منابع معتبر سوالات متداول و جواب‌های عمومی به آنها استخراج شده و تقدیم‌تان گردد.

## مصاحبه پناهندگی چگونه است؟

هنوز بسیاری از متقاضیان پناهندگی، درک درستی از قوانین پناهندگی و جنبه‌های حقوقی آن ندارند، در حالی که کارمندان دولتی در ادارات مربوط به امور پناهندگی با جزئیات در مورد هر کدام از پرونده‌ها بطور مشخص پرسش‌هایی را مطرح می‌کنند و پاسخ مشخص می‌خواهند، در واقع آنها کاری به این موضوع ندارند که در جوامعی مثل ایران سرکوب و اختناق حاکم است، آنها قاضی هستند و قضاوت و داوری خود را بر دلایل شخصی شخص پناهجو متکی می‌کنند. بنابراین مستقل از اینکه هر میزان ناامنی در ایران وجود داشته باشد یا نه، شخص پناهجو باید اثبات کند که تحت پیگرد قانونی یا خطر شکنجه و مرگ بوده است و

در طول سه دهه گذشته ایرانیان بسیاری به دلایل سیاسی، اجتماعی، مذهبی و امنیتی مجبور به ترک وطن شده‌اند و در نهایت در کشورهای مهاجر پذیر دنیا (بیشتر در کشورهای غربی) سکنی گزیده‌اند. جمعیت کثیری از این ایرانیان خود را به آمریکا رسانده و یا با هدف آمدن به این کشور اقدام به انجام مراحل پناهندگی نزد سازمان ملل متحد نموده‌اند.

اگرچه زندگی در غربت، آن هم به عنوان یک پناهنده سختی‌ها و دشواری‌های بسیاری دارد، اما دشواری و سختی زیستن در فضای اختناق اجتماعی، خفقان سیاسی و استبداد دینی حاکم در امروز ایران شرایط سخت پناهندگی را برای بسیاری از دگر اندیشان و آزادیخواهان قابل تحمل نموده‌است.

اگرچه بیش از سه دهه از آغاز مهاجرت بزرگ ایرانیان گذشته‌است، اما این روند همچنان ادامه دارد و در شرایط امروز حاکم بر ایران علی‌الخصوص از پس از انتخابات جنجال برانگیز چهار سال قبل (۱۳۸۸ خورشیدی) شدت نیز یافته است. به گونه‌ای که مطابق آمارهای غیر رسمی بیش از دو و نیم میلیون ایرانی مجبور به جلائی وطن شده و در سایر نقاط دنیا پناهنده شده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های زیر تلاش دارد تا به کسانی که قصد دارند از پروسه پناهندگی برای اقامت در کشوری ماننده ایالات متحده آمریکا استفاده کنند، اطلاعاتی کاربردی ارایه کند.





افراد مجبور هستند خود را به کشورهای دیگر از جمله ترکیه برسانند و تغییر دین دهند، تا اینجا مشکل خاصی نیست، اما برای گرفتن پناهندگی فرد باید به کشورش بازگردد و مدتی را در همان جا زندگی کند و بعد از پیدا کردن مشکل خطر جانی (یا حداقل کاملاً و انمود کند که جانش به خطر افتاده) از کشورش فرار کرده و خود را به اولین کشور امن رسانده و اعلام پناهندگی کند، البته این نکته را گوشزد کنم که کارمندان مصاحبه کننده بسیار حرفه‌ای بوده و خیلی دقیق‌تر از یک بازجوی اداره آگاهی شما را بازجویی می‌کنند، که البته این یک امر طبیعی و منطقی می‌باشد

**آیا داشتن کیس مذهبی به تنهایی باعث گرفتن پناهندگی می‌شود؟**  
خیر، زیرا شرط اصلی داشتن خطر جانی برای پناهجو می‌باشد یا به عبارت ساده‌تر کسی یک پناهنده به شمار می‌آید که در کشور خود با خطر شکنجه یا کشته شدن به دلیل اعتقادات مذهبی یا سیاسی مواجه باشد و برای نجات جان اقدام به ترک کشور خود نموده‌است و نه به خاطر مشکلات اجتماعی، فرهنگی یا اقتصادی به این نکته توجه بفرمایید که در هنگام مصاحبه باید اثبات کنید که جانتان در خطر بوده و برای همین کشور خود را ترک کرده و درخواست پناهندگی داده‌اید، این مطلب شرط لازم برای پرونده‌های مذهبی می‌باشد.

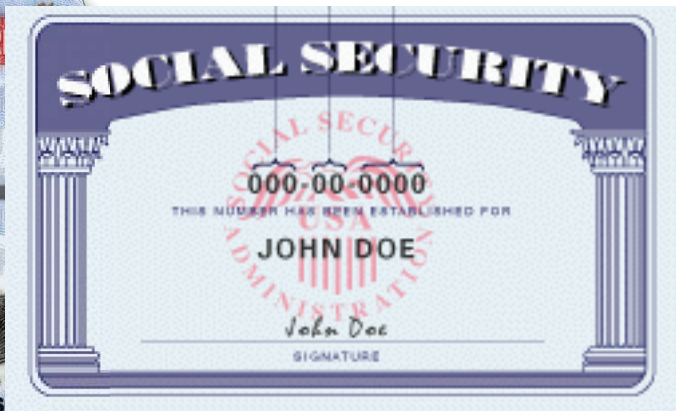
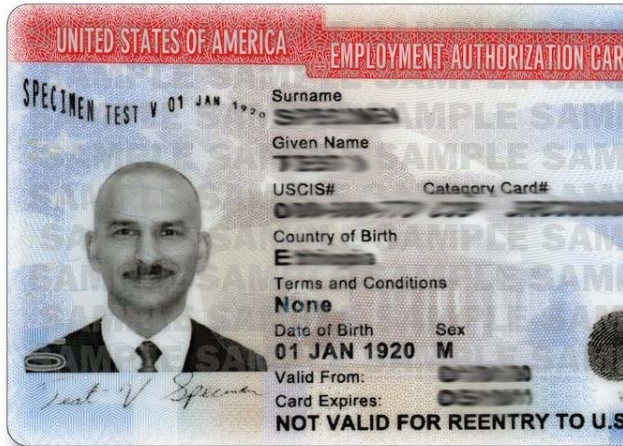
چه پرونده‌ای بهتر پاسخ می‌گیرد؟

اساساً اینکه کدام پرونده بهتر است و کدام یک نیست جواب مسئله نیست، مهم برای حقوق دانان دولتی در امور پناهندگان این است که دلایل پناهجو چیست و چگونه بیان می‌شود. عضویت در گروه‌های سیاسی، مذهبی، جنسی و گرایش‌های جنسی و نظایر آنها همه و همه شاخص‌های پذیرش پناهندگی هستند، ولی باید توجه داشته باشید که افراد دولتی برای بررسی هر کدام از پرونده‌ها به اشکال مختلف تحقیق می‌کنند و پناهجو باید با اطلاعات کافی و جزئیات کامل دلایل پناهندگی خود را توضیح دهد. مسئولین امور مهاجرت و مصاحبه‌کنندگان در تمام کشورها و در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در حوزه کاری خود دارای تحصیلات حقوقی و روانشناسی و هم دارای تجارب بسیار زیادی هستند، بنابراین پناهجو قبل از تسلیم تقاضای خود لازم است که تحقیق به عمل آورد تا در جزئیات بیشتر با معیارهای پذیرش پناهندگی و جنبه‌های مهم قانونی و حقوقی آن آشنا شود، به علاوه در بیشتر اوقات کارمندان دولتی مراکز پناهندگی از قوانین و نحوه داوری و قضاوت و صدور احکام شرعی و غیرشرعی و سیستم محاکمات کشور پناهجویان بسیار بیشتر از خود آنها آشنایی دارند.

**چطور می‌توان تغییر دین داد و پس از آن چگونه می‌توان اعلام پناهندگی کرد؟**

به دلیل اینکه تغییر دین دادن در ایران کاری بسیار پرخطر می‌باشد





ادامه از صفحه قبل

به طوری که یک خانواده یک مصاحبه و یک تصمیم گیری داشته باشد.

### آیا از زمان درخواست پناهندگی اجازه کار داریم؟

در تعدادی از کشورهای پناهنده پذیر مثل آمریکا (کشوری که در آن هستیم) بله ولی در اکثر کشورها به طور قانونی خیر، مگر در شرایط خاصی و با تشخیص سازمان رسیدگی کننده به پرونده پناهندگی.

در آمریکا بعد از ۱۵۰ روز که از تحویل پرونده درخواست پناهندگی شما به اداره مهاجرت گذشت شما این حق را دارید که در صورت عدم رسیدگی به پرونده‌تان تا آن زمان درخواست اجازه کار نموده، فرم مربوطه آن را تکمیل و ارسال دارید. طبیعی است که پس از انجام مراحل قانونی برای پناهنده درخواست دهنده اجازه کار قانونی صادر می‌شود. اما در صورت عدم اقدام از طرف پناهنده، دولت به طور اتوماتیک برای وی اجازه کار نخواهد فرستاد.

### آیا امکان تحصیل فرزندان از شروع درخواست پناهندگی وجود دارد؟

بله، قطعاً و به طور رایگان

### آیا از شروع درخواست پناهندگی از خدمات پزشکی برخوردار هستیم؟

در آمریکا در این زمینه موسساتی فعال هستند که به شما یاری می‌رسانند تا بتوانید از خدمات درمانی ویژه پناهندگان استفاده کنید. اما در موارد اورژانسی و در بعضی موارد خاص امکان استفاده از خدمات درمانی وجود دارد.

### آیا پس از پناهندگی، می‌توان به کشور خودمان برگردیم، کشوری که ادعا کردیم در آن مورد آزار و در خطر هستیم؟

بله، اما با این حال اگر پناهندگی شما پذیرفته شده‌است در این صورت ممکن است کمک‌های مالی به شما قطع شود و به دلیل اینکه مشخص می‌شود که شما به طور داوطلبانه پاسپورت کشور خود را دریافت نموده‌اید و به کشور خود مسافرت کرده‌اید به دلیل تغییر در شرایط دیگر واجد شرایط پناهندگی نخواهید بود و ممکن

برسیدن چنین پرسش‌هایی به این شکل، پاسخ بسیار طولانی‌تری از ما می‌طلبد، چون در یک کلام گفتن اینکه پرونده سیاسی بهتر است یا پرونده اجتماعی، پرونده مذهبی بهتر است یا همجنس گرایی، پاسخ به تمام این‌ها مثبت است اما کافی نیست، به دلیل اینکه تمام آنها از شاخص‌های پذیرش پناهندگی بر اساس مفاد کنوانسیون ژنو هستند ولی اگر به این اکتفا کنیم پاسخ درستی به پرسش نداده‌ایم. مگر اینکه معنی عملی هر کدام از پرونده‌های فوق را در یک صفحه توضیح دهیم تا حداقل برای خودمان روشن باشد که شخص پناهجو را متوجه اهمیت هر کدام از پرونده‌ها در جزئیات کرده‌ایم.

### درخواست پناهندگی مجدد، معنی، مفهوم، شرایط و مهلت آن؟

درخواست مجدد پناهندگی، بازگشایی دادرسی و پرونده بسته شده پناهندگی می‌باشد، آن هم به دلیل حقایق یا مدارک اثباتی جدیدی که در جریان اولیه پناهندگی موجود نبوده‌اند، در مورد آنها اطلاعاتی در دست نبوده و یا قابل دسترسی نبوده‌اند. قانون مهاجرت، تا کنون مقررات لازم جهت مجاز بودن درخواست مجدد پناهندگی را تغییر نداده‌است، اما در برخی از موارد در مورد این موضوع می‌توان فکر کرد که آیا پذیرش تعقیب ویژه جنسی و غیردولتی بعنوان دلیل پناهندگی به عنوان حقایق جدید به رسمیت شناخته می‌شوند یا نه، (چرا که قانون از این لحاظ فرقی‌هایی با قبل کرده‌است). مهلت برای ارائه درخواست مجدد پناهندگی حداکثر سه ماه پس از کسب اطلاع از دلیلی که برای بازگشایی پرونده و جریان پناهندگی ارائه می‌گردد، می‌باشد.

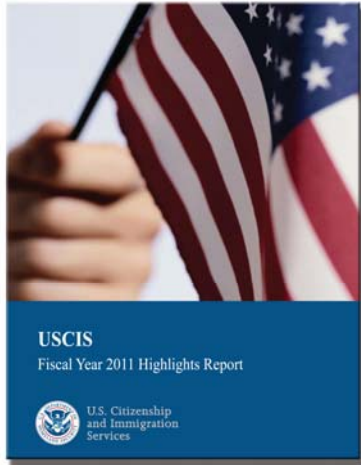
### آیا دلایل پس از فرار از کشور و یا فعالیت‌های خارج از کشوری به عنوان دلیل پناهندگی برسمیت شناخته می‌شوند؟

فعالیت‌های خارج از کشوری اساساً تنها در جریان دادرسی و پرونده پناهندگی مجدد به عنوان دلیل پناهندگی منتفی شده‌است. اما این فعالیت‌ها در چهارچوب بررسی وجود موانع بازگرداندن پناهجو به کشورش در نظر گرفته خواهد شد.

### آیا امکان حمایت و قبولی خانواده به عنوان پناهنده تنها با مصاحبه و پرونده یک نفر از اعضا خانواده امکان پذیر است؟

بله، در اکثر موارد دولت به اصل وحدت خانواده‌ها احترام می‌گذارد،





به چه اطلاعاتی نیاز دارم تا تقاضای پناهندگی ام موفقیت آمیز شود؟ لازم است تا یک اظهاریه مفصل درباره اینکه چرا نگران هستید که ممکن است به طور شخصی تحت اذیت و آزار قرار بگیرید، عرضه کنید. همینطور باید جزئیات هر گونه اذیت و آزاری که در گذشته متحمل شده‌اید را بیان کنید. اگر در گذشته تحت اذیت و آزار نبودید باید توضیح بدهید که چرا اکنون معتقدید که در آینده ممکن است تحت اذیت و آزار قرار بگیرید. باید در موقعیتی باشید که با استناد به اطلاعات مستند از طرف سازمان‌های مدافع حقوق بشر و یا مطبوعات و یا منابع دیگر بتوانید نشان بدهید که آن نوع اذیت و آزاری را که توصیف می‌کنید در حقیقت در کشورتان رخ می‌دهد. اگر شما وکیل دارید او می‌تواند به چنین اطلاعاتی دسترسی داشته باشد. اداره مهاجرت به اطلاعات مربوط به اینکه در همه کشورهای جهان چه اتفاقاتی رخ می‌دهد دسترسی دارد. از اینرو به اعتبار خودش تصمیم می‌گیرد که آیا خطر جدی می‌تواند متوجه کسی باشد یا نه. با این وجود این به تقاضای شما کمک می‌کند اگر که بتوانید به همراه با تقاضای تان شواهدی را هم عرضه کنید که نشان بدهند که خطر تحت اذیت و آزار قرار گرفتن یک خطر واقعی است و مردان و زنان همجنسگرایی که قبلا در موقعیت شما قرار داشته‌اند مورد آزار قرار گرفته‌اند.

**چه افکاری برای موفقیت در پرونده پناهندگی معمولاً اشتباه است؟**

همیشه به حرف دوستان خوش نیت‌تان گوش نکنید مواظب دوستانی باشید که به شما پیشنهاد می‌کنند بخشی از داستان‌تان را بیافید؛ این اغلب به مشکل منجر خواهد شد و یا با این کار شما (و دوستان تان) ممکن است مرتکب یک جرم جنایی شده باشید و راهنمایی‌های اشتباه گاه منجر به موارد غیرقابل جبران می‌شود. فکر نکنید که هر کس از شما پول خواست کلاهبردار است این همیشه صدق نمی‌کند. وکلاء و مشاورین خوبی هم هستند که از «امداد حقوقی» کار قبول نمی‌کنند. از اینرو عادی است که آنها بابت کارشان حق الزحمه بگیرند. اما بی تردید پا گذاشتن در مراحل اخذ پناهندگی بدون حمایت و تجربه وکلاء می‌تواند عواقب بسیار گران قیمت تری را برای پناهجویان به ارمغان آورد.

است وضعیت پناهندگی شما فسخ شود و تشخیص داده شود که شما پناهنده بودید ولی در واقع دیگر نیستید. بنابراین در صورت نیاز به مسافرت به کشوری که مورد آزار و در خطر بودید، قبل از سفر خود، حتماً با یک وکیل مجرب مشورت کنید، تا از راهنمایی‌های حقوقی لازم بهره مند گردید.

**آیا از شروع درخواست پناهندگی، از حمایت مالی، سرپناه، پوشاک و خوراک برخوردارید؟**

خیر بلکه پس از پذیرفته شدن به عنوان پناهنده خدمات و مزایایی در اختیار پناهنده قرار می‌گیرد، مگر در صورت تشخیص سازمان مربوطه که شما در اولین فرصتی که می‌توانستید تقاضای پناهندگی نکرده‌اید و یا بر این باور باشند که پولی دارید یا از جایی پولی دریافت می‌کنید، که البته در این صورت می‌توانید شکایت و تقاضای پژوهش کنید.

**چه کسانی مشمول حق پناهندگی نمی‌شوند؟**

افراد معینی مشمول حق پناهندگی نمی‌شوند، این افراد شامل کسانی می‌شوند که مرتکب اعمال جنایی جدی شده‌اند و یا مسئول نقض حقوق بشر هستند. همینطور در کنوانسیون «شروط فسخ کننده» ای وجود دارد که می‌گویند یک فرد می‌تواند موقعیت پناهندگی‌اش را به عنوان مثال به این علل از دست بدهد: در زمانی که تقاضای او در حال بررسی است شرایط در کشورش بطور محسوسی بهبود یافته است؛ یا او بعد از اینکه پناهنده شده به کشورش برگشته است. اگر چنین چیزی رخ دهد شما دیگر پناهنده نخواهید بود ولی این لزوماً به این معنا نیست که کشور را باید ترک کنید.

**بازگشت داوطلبانه چیست؟**

این موضوع بیشتر به پروسه مهاجر پذیری در اروپا اختصاص دارد. اگر در کشورهای اروپایی پناهنده شده‌اید و اگر وضعیت در کشورتان رو به بهبودی گذاشته‌است ممکن است بتوانید برای بازگشت به کشورتان کمک مالی دریافت کنید. برخی از افراد برای اسکان مجدد در کشورشان وجه نقد هم دریافت می‌کنند. تنظیمات مختلفی در این باره وجود دارد که بسته به این دارد که از کدام کشور آمده‌اید و در کجا تقاضای کمک کرده‌اید. شما باید از مشاور حقوقی در این باره اطلاعات بیشتری بگیرید.

# اسکان پناهنده در ایالات متحده

منبع: اداره جمعیت، پناهندگان و مهاجرت



UNHCR تعیین می‌کند که آیا فرد واجد شرایط پناهندگی است یا خیر و اگر چنین است در جهت پایدارترین راه حل ممکن برای هر پناهنده فعالیت می‌کند: بازگشت امن به وطن، جا افتادن محلی، یا اسکان در کشور سوم.

طبق آخرین آمار کمیساریا، حدود ۱۰/۵ میلیون پناهنده در جهان وجود دارد. اکثریت گسترده‌ای از این پناهندگان در کشوری که بدان گریخته‌اند حمایت می‌شوند تا زمانی که بتوانند به طور داوطلبانه و در امنیت به کشورشان باز گردند. به تعداد بسیار کمی از پناهندگان اجازه می‌دهند در کشوری که بدان گریخته‌اند شهروند شوند و تعداد باز هم کمتری - در اصل کسانی که بالاترین میزان خطر برای آنان وجود دارد - در کشور سوم اسکان داده می‌شوند. در حالی که کمیساریا گزارش می‌کند که کمتر از یک درصد همه پناهندگان در نهایت در کشورهای سوم اسکان می‌یابند، آمریکا بیش از نیمی از این پناهندگان را پذیرا می‌شود که بیش از مجموع اسکان در کشورهای دیگر است.

ایالات متحده به تاریخچه پذیرفتن مهاجران و پناهندگان خود افتخار می‌کند. طرح اسکان پناهنده ایالات متحده بازتابی از والاترین ارزشها و تمایلات آمریکا به رحم و شفقت، بخشندگی و رهبری است. از سال ۱۹۷۵، آمریکایی‌ها حدود ۳ میلیون پناهنده از سراسر جهان را پذیرفته‌اند. پناهندگان شیوه زندگی و جوامع نوینی در شهرها و شهرک-های ۵۰ ایالت پدید آورده‌اند.

## اسکان: راه حلی برای تعدادی اندک

پناهنده کسی است که از کشورش گریخته و نمی‌تواند بازگردد زیرا هراسی جدی از آزار و تعقیب به دلیل مذهب، نژاد، ملیت، دیدگاه سیاسی یا عضویت در گروه اجتماعی خاصی دارد. نخستین گام برای اغلب پناهندگان ثبت نام در کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) در کشوری است که بدان گریخته‌اند. این کمیساریا اختیار آن را دارد که از پناهندگان حمایت بین‌المللی به عمل آورد.





## پرونده

## طرح پذیرش پناهنده آمریکا: درخواست و به جریان افتادن

از:

\* اداره جمعیت، پناهندگان و مهاجرت (PRM) وزارت امور خارجه آمریکا.  
 \* خدمات مهاجرت و شهروندی آمریکا (USCIS) متعلق به وزارت امنیت داخلی.  
 \* دفتر اسکان پناهندگان (ORR) وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا.  
 \* ده سازمان غیردولتی محلی در مجموع با بیش از ۳۵۰ دفتر مربوطه در سراسر آمریکا.  
 \* هزاران شهروند مستقل که داوطلبانه وقت و مهارت‌های خود را برای کمک به اسکان پناهندگان در آمریکا صرف می‌کنند.  
 زمان بررسی در مجموع بسته به محل درخواست کننده و شرایط دیگر متفاوت است، اما متوسط زمان برای ارجاع اولیه UNHCR برای ورود به عنوان پناهنده به آمریکا معمولاً بین ۸ ماه تا یک سال است.

هنگامی که کمیساریا - یا به ندرت، یکی از سفارت‌های آمریکا یا سازمانی غیر دولتی که آموزشی خاص دیده درخواست پناهنده - ای را برای اسکان به آمریکا می‌فرستد، ابتدا نهاد بررسی خارجی (OPE) پرونده را دریافت و بررسی میکند. اداره جمعیت، پناهندگان و مهاجرت (PRM) وزارت امور خارجه آمریکا با سازمانهای غیر دولتی و بین‌المللی همکاری می‌کند تا هشت نهاد اویپای منطقه‌ای را در سراسر جهان اداره کند. با هدایت PRM، این نهادها درخواست‌های قابل قبول پناهندگی برای اسکان در آمریکا را بررسی می‌کنند. برخی از پناهندگان می‌توانند بدون ارجاع از کمیساریا یا نهاد دیگری فرایند درخواست را با OPE آغاز کنند. این افراد شامل بستگان نزدیک پناهندگانی می‌شوند که از قبل در آمریکا اسکان داده شده‌اند و پناهندگانی که به گروه‌های ویژه‌ای تعلق دارند که در قانون مدون بیان شده یا وزارت امور خارجه آنها را واجد شرایط برای دسترسی مستقیم به این طرح تشخیص داده است.

## برنامه‌ریزی برای ورود پناهندگان به آمریکا

وزارت امور خارجه با ده نمایندگی محلی اسکان که دارای دانش و منابع اثبات شده برای اسکان پناهندگان هستند همکاری می‌کند. هر هفته نمایندگان این ده نمایندگی نزدیک و اشنگتن تشکیل جلسه می‌دهند تا اطلاعات مربوط به زندگی و دیگر اسناد پرونده را که OPE فرستاده - است بررسی و تعیین کنند هر پناهنده کجای آمریکا اسکان داده شود. طی

United States  
Citizenship and Immigration  
Services



این نهادها برای کنترل امنیتی درباره زندگی و موضوع‌های دیگری از درخواست کننده اطلاعات دریافت می‌کنند. کنترل امنیتی تضمین می‌کند که تروریست‌ها و یا جنایتکاران از طریق طرح پناهندگی وارد آمریکا نشوند. مسئولان خدمات مهاجرت و شهروندی آمریکا (USCIS) تمام اطلاعاتی را که OPE گرد آورده بررسی می‌کنند و پیش از تصمیم‌گیری در مورد پذیرش هر پناهنده متقاضی برای اسکان در آمریکا مصاحبه‌ای رو در رو با وی صورت می‌دهند.

این نشست نمایندگی‌های اسکان نیازهای ویژه هر پناهنده تازه وارد را با منابع ویژه موجود مطابقت می‌دهند. اگر پناهنده‌ای بستگانی در آمریکا داشته باشد احتمال دارد او را با آنها یا نزدیک آنها اسکان دهند. در غیراین صورت نمایندگی اسکان که «مسئولیت مالی» پرونده را پذیرفته در مورد بهترین مکان مناسب میان منابع جامعه و نیازهای پناهنده تصمیم می‌گیرد.

اطلاعات مربوط به مکان و نام نمایندگی حامی به OPE اولیه اطلاع داده می‌شود که پس از آن با سازمان بین‌المللی مهاجرت (IOM) همکاری می‌کند تا پناهنده را به خانه جدیدش انتقال دهند. هزینه نقل و انتقال پناهنده به عنوان وام ارائه می‌شود که پناهندگان باید بازپرداخت آن را پس از این که در آمریکا مستقر شدند آغاز کنند.

## به محض ورود به آمریکا

همانطور که گفته شد وزارت امور خارجه با ده نمایندگی محلی اسکان برای اسکان پناهندگان قرارداد مشارکت دارد. با وجود این که برخی از نمایندگی‌ها وابستگی‌های مذهبی دارند، اجازه ندارند

هنگامی که مسئول USCIS پناهنده‌ای را برای پذیرش تأیید می‌کند، گام بعدی تشخیص معاینات پزشکی است تا نیازهای پزشکی مشخص شده و اطمینان حاصل شود کسی با بیماری مسری، همچون سل، وارد آمریکا نشود. در نهایت OPE از نمایندگی اسکان مستقر در آمریکا که در حمایت پناهندگان تازه وارد تخصص دارد درخواست «بیمه حمایتی» می‌کند. به همه پناهندگان پیش از عزیمت به آمریکا دوره آموزشی آشنایی با فرهنگ آمریکا ارائه می‌شود. پناهندگانی که تأیید USCIS را برای اسکان در آمریکا دریافت می‌کنند وارد طرح پذیرش پناهندگان (USRAP) می‌شوند. این برنامه، طرح مشترکی بین بخش عمومی - خصوصی است که از تعدادی از شرکت کنندگان تشکیل شده‌است. حمایت میلیون‌ها آمریکایی در موفقیت این طرح ضروری است. گرچه کنگره این طرح را سرپرستی کرد، این جوامع محلی هستند که از طریق پذیرش پناهندگان سراسر جهان و کمک به آنان موفقیت طرح اسکان را تضمین کرده‌اند. طرح اشتراکی پذیرش پناهندگان آمریکا (USRAP) تشکیل شده



## تعداد قبولی ایرانیان در لاتاری

از سال ۲۰۰۰ تا اکنون هزاران ایرانی در لاتاری گرین کارت ایالات متحده آمریکا برنده شده‌اند و برای ادامه زندگی به این کشور مهاجرت کرده‌اند. توجه به این نکته که در ایران استقبال از مهاجرت به آمریکا به دلایل گوناگون بسیار بالاست و به دلیل عدم ارتباط دیپلماتیک بین دولت‌های دو کشور مردم ایران ضمن نداشتن شناخت کافی از سبک زندگی در آمریکا، اشتیاق فراوانی برای زندگی و دیدار از آمریکا دارند، شاید مطالعه و مقایسه میزان برندگان لاتاری گرین کارت برایتان جالب باشد.

### برندگان سال‌های گذشته لاتاری گرین کارت آمریکا:

سال ۲۰۰۰ (DV-۲۰۰۰)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۴۸۹ فرم
سال ۲۰۰۱ (DV-۲۰۰۱)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۷۴۰ فرم
سال ۲۰۰۲ (DV-۲۰۰۲)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۱,۷۰۳ فرم
سال ۲۰۰۳ (DV-۲۰۰۳)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۷۶۸ فرم
سال ۲۰۰۴ (DV-۲۰۰۴)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۱,۴۳۱ فرم
سال ۲۰۰۵ (DV-۲۰۰۵)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۸۲۰ فرم
سال ۲۰۰۶ (DV-۲۰۰۶)	تعداد برندگان از کشور ایران: ۹۳۴ فرم
سال ۲۰۰۷ (DV-۲۰۰۷)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۱۵۰,۶۹۹ فرم
سال ۲۰۰۸ (DV-۲۰۰۸)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۱۲۹,۲۲۶ فرم
سال ۲۰۰۹ (DV-۲۰۰۹)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۱۳۹,۳۹۵ فرم
سال ۲۰۱۰ (DV-۲۰۱۰)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۲۴۵,۷۳۳ فرم
سال ۲۰۱۱ (DV-۲۰۱۱)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۲۲۳,۴۲۶ فرم
سال ۲۰۱۲ (DV-۲۰۱۲)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۲۸۹,۵۸۶ فرم
سال ۲۰۱۳ (DV-۲۰۱۳)	تعداد فرم‌های ثبت شده از ایران: ۴,۴۵۳ فرم

برنامه لاتاری گرین کارت سال ۲۰۱۳ به تازگی تمام شده‌است و در زمان انتشار این مجله با توجه به آنکه ورودی برندگان این دوره از لاتاری به خاک آمریکا به سال ۲۰۱۴ میلادی ماکول می‌شود لیست نهایی برندگان ایرانی تبار لاتاری گرین کارت ایالات متحده آمریکا در دست نبوده‌است.

پناهنده را به دین تازه‌ای دعوت کنند. قرارداد مشارکت استاندارد میان وزارت امور خارجه و هر کدام از نمایندگی‌های محلی اسکان، کالاهای و خدماتی را که نمایندگی باید در اختیار هر پناهنده قرار دهد، مشخص می‌کند. در مجموع، ده نمایندگی محلی دارای حدود ۳۵۰ وابسته در سراسر آمریکا هستند. شعبه اصلی هر نمایندگی برای نظارت بر منابعی که هر جامعه وابسته می‌تواند تأمین کند، با وابسته‌ها در تماس است. برخی از این منابع عبارتند از:

مترجمانی که به زبانهای مختلف سخن می‌گویند، اندازه و ویژگی‌های مسکن موجود، در دسترس بودن مدارس با خدمات ویژه، مراقبت پزشکی، کلاس‌های انگلیسی، مشاوره و غیره.

همانطور که قرارداد مشارکت ایجاب می‌کند، کسی از وابسته حامی اسکان و یا عضوی از خانواده یا دوست، همه پناهندگان را پس از ورود به آمریکا در فرودگاه ملاقات می‌کند. آنها را به آپارتمان‌شان می‌برد که دارای اثاثیه، وسایل، لباس مناسب فصل و مقداری غذا مطابق با فرهنگ پناهنده است. اندکی پس از ورود به پناهندگان کمک می‌کنند تا زندگی خود را در آمریکا شروع کنند. این کمک شامل درخواست کارت تأمین اجتماعی، ثبت‌نام بچه‌ها در مدرسه، آموختن شیوه دسترسی به - بهره‌گیری از - امکانات خرید، ترتیب دادن قرار ملاقات‌های پزشکی و ارتباط با خدمات زبان آموزی یا اجتماعی مورد نیاز است.

طرح پذیرش و جایابی وزارت امور خارجه به اسکان پناهندگان در آمریکا کمک می‌کند. این طرح برای تنها یک بار مبلغ ۱۸۰۰ دلار برای هر پناهنده در اختیار نمایندگی‌های اسکان قرار می‌دهد تا هزینه‌های پناهنده را برای چند هفته پرداخت کنند. بیشتر این پول صرف پرداخت اجاره بها، اثاثیه، غذا و لباس و نیز پرداخت حقوق کارکنان نمایندگی، مکان دفتر و دیگر هزینه‌های مرتبط با اسکان می‌شود که داوطلبان آنها را تأمین یا اهدا نکرده‌اند.

گرچه طرح پذیرش و جایابی وزارت امور خارجه منحصر به هفته‌های نخست پس از ورود است، دفتر اسکان پناهنده وزارت بهداشت و خدمات انسانی با سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای تأمین پول نقد و کمک پزشکی و نیز خدمات اجتماعی و زبان‌آموزی برای مدتی طولانی‌تر هماهنگ می‌کند.

پناهندگان کارت اجازه کار دریافت می‌کنند و تشویق می‌شوند هرچه زودتر استخدام شوند. براساس سال‌ها تجربه طرح اسکان پناهنده، آمریکا دریافته است که افراد اگر به محض ورود شروع به کار کنند سریعتر زبان انگلیسی را یاد می‌گیرند و آسان‌تر شروع به کار می‌کنند. اغلب پناهندگان با شغل‌های غیر تخصصی شروع می‌کنند حتی اگر تحصیلات و مهارت‌های بالایی داشته باشند. به مرور زمان، بسیاری اگر نه اغلب پناهندگان از لحاظ پیشه پیشرفت می‌کنند و در آمریکا به رضایت و موفقیت دست می‌یابند.

پس از گذشت یکسال انتظار می‌رود پناهندگان درخواست اقامت دائم کنند (که عموماً به عنوان گرین کارت شناخته می‌شود) و پس از پنج سال در آمریکا پناهنده واجد شرایط درخواست برای شهروندی آمریکا است.



# زندگی بهتر... با شنوائی بهتر

کلینک شنوائی: دکتر شهرزاد کوهن

مرکز توان بخشی شنوائی و درک بهتر

با کلینیک مخصوص اطفال



Hearing Solutions

• درمان اختلالات در تشخیص صوتی و درک مغزی

• شنوائی درمانی

• رفع مشکلات تعادلی و سرگیجه

• پیرگوشی و پیشنهاد سمعک

• درمان صداهای ناهنجار و زنگ زدن گوش

- Auditory Processing Evaluation
- Hearing Evaluation
- Hearing Aids
- Tinnitus Evaluation
- Vertigo
- Auditory Therapy
- Pediatric Aural and Speech Therapy

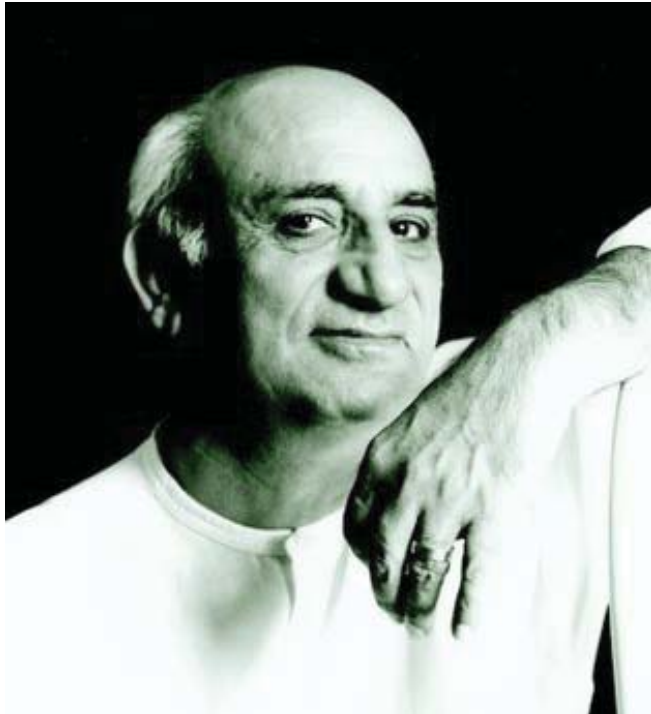
**(818)723-7778**

[auditoryprocessingcenters.com](http://auditoryprocessingcenters.com)

5900 Sepulveda Blvd. Suite 335. Sherman Oaks, CA 91411

# تمبرهایی که هنوز هم بوی نفت می‌دهند

راوی: پرویز کاردان



حد فاصل ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۰ که نخستین کابینه دکتر محمد مصدق از مجلس شورای ملی رای اعتماد می‌گیرد تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که کابینه دوم او از قدرت عزل می‌شود، یکی از مهم‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است.

دوره‌ای که در آن می‌شود غرور ملی احیا شده به واسطه ملی شدن صنعت نفت و نوعی رونق سیاسی را در رکود حاکم بر فضای پیش و پس آن دوره به خوبی دید و متوجه بود که جامعه آن روزگار ایران به واسطه یک رهبر ملی و مردمی در آستانه رخدادهای آینده سازی قرار گرفت. بی شک تاریخ‌نگاران بسیاری از موضوع جنبش ملی شدن صنعت نفت و نقش دکتر مصدق در این جنبش یاد کرده‌اند و منتقدان بسیاری در شصت و اندی سال گذشته به تفصیل درباره شخصیت دکتر مصدق، روابط او با پادشاه وقت، نقش او در پیروزی جنبش ملی شدن صنعت نفت، رابطه اش با روحانیون، جایگاه مصدق در بطن جامعه، تاثیر متقابل او و ارتشیان بریکدیگر و توطئه های خارجی بر علیه دولت وقت ایران سخن گفته‌اند.

اما آنچه به گواه تاریخ تمبر ایران از آن دوران به یادگار مانده است نمادی است از نوعی غرور ملی که پیروزی ایران بر انگلستان در موضوع ملی شدن صنعت نفت آن را به کام ملت ایران شیرین کرده بود.

نخستین تمبر نفتی ایران به افتخار اکتشاف و استخراج نفت در حوالی شهر قم در یکم اسفند ۱۳۳۱ با نقش چاه نفت اکتشافی قم روانه بازار مرسلات پستی ایران می‌شود و به فاصله چند روز بعد از آن در ۲۹ اسفند همان سال به مناسبت دومین سالگرد تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت سری ۵ تایی تمبر یادبود ملی شدن صنعت نفت منتشر می‌گردد. که روی آنها پنج نقش از صنایع نفت ایران اعم از پالایشگاه، خطوط انتقال نفت، سیلوی ذخیره نفت و ... ترسیم می‌شود. این تمبرها که با تیراژ نسبتاً بالایی منتشر می‌شود در حقیقت نمادی از غرور ملی احیا شده مردم ایران بود که احساس می‌کردند دست انگلستان را از کشور خود کوتاه کرده‌اند.

همین احساس خوشایند است که در بهار سال بعد از آن هم دولت مصدق را و می‌دارد تا نقش چاه نفت قم را بار دیگر روی تمبر قرار دهد و این بار

همزمان با انتخاب دکتر مصدق به نخست وزیر در اردیبهشت ۱۳۳۰، ایران سرمرست از به انجام رسیدن یکی از مهمترین جنبش‌های سیاسی اجتماعی معاصر خود (جنبش ملی شدن صنعت نفت) که با تصویب قانون مربوط به آن در جلسه ۲۹ اسفند ۱۳۳۹ مجلس شورای ملی و با رهبری دکتر مصدق (رهبر جبهه ملی و نماینده وقت مجلس شورای ملی) دوره‌ای جدید در حیات سیاسی ایران آغاز می‌شود که خیلی زود در گستره وسیعی از اتفاقات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و به تبع آن بر تاریخ معاصر ایران تاثیر می‌گذارد.

صنعت نشر تمبر ایران هم از این رهگذر بی نصیب نمی‌ماند و به زودی نفتی که تا پیش از این در انحصار کمپانی بریتیش پترولیوم بود راهی نقش تمبر ایرانی می‌شود. اگرچه این نفت، هنوز راه درازی تا رسیدن خانه و اقتصاد خانواده‌های ایرانی پیش رو دارد.



## یک تمبر - یک داستان قیام یا کودتا



۲۸ مرداد یکی از تاریخ ساز ترین روزهای تاریخ معاصر ایران است. روزی که سال ها از آن به عنوان قیام ملی یاد شده است و سال ها هست که وقایع آن روز تاریخ ساز با لقب کودتا را با خود به ارمان می کشد. امروز تاریخ معاصر و رخدادهای منجر به ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بی شک دست گیر هر فرد منصفی می کند که این رویداد را باید قیام ملی بنامد و یا کودتا و بی شک وظیفه این ستون کوتاه باز شناسی و قضاوت درباره این رویداد تاریخی نیست. بلکه با اشاره به آن سعی داریم تا فصلی از تاریخ ایران را به روایت تمبر ها مرور کنیم.

پس از واقعه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تا سقوط نظام پادشاهی در زمستان ۱۳۵۷ به مدت بیش از دو دهه رویداد ۲۸ مرداد، یم قیام ملی توصیف می شد که منجر به بازگشت پادشاه به ایران و استمرار نظام سلطنت شد. به همین مناسبت سری تمبرهایی به همین مناسبت منتشر شد که تصویر آن ها را در بالای همین ستون مشاهده می کنید. این تمبرها منقش به طرح هایی ملی با نقش پرچم سه رنگ ایران و در دو مورد تاج پادشاهی بود که نشان می داد مردم برای حفظ پادشاهشان قیام کرده اند. این تمبرها با عنوان تمبرهای مناسبت قیام ملی ۲۸ مرداد در کاتالوگ های رسمی تمبر در دنیا ثبت شد.

اما پس از وقوع انقلاب ایران رویکرد تاریخ پژوهان به واقعه ۲۸ مرداد تغییر کرد و آن واقعه را توطئه ای خارجی بر علیه دولت مردمی دکتر مصدق دانستند که با حمایت سازمان های جاسوسی و نظامی خارجی به وقوع پیوست. از همین رو با تغییر رویکرد و نیز عوض شدن نگاه حاکم به واقعه ۲۸ مرداد و اینکه این رخداد یک کودتا بر علیه دولت دکتر مصدق دانسته شد، تصمیم بر این شد تا اسم رسمی این سری تمبر در کاتالوگ های تمبر شناسی جهان تغییر کند و به تمبر چاپ شده به مناسبت کودتای ۲۸ مرداد نامگذاری شود. به این ترتیب برای نخستین بار در تاریخ صنعت نشر تمبر ایران یک تمبر با دو اسم مختلف در منابع رسمی تمبر شناسی جهان ثبت شد.

اگرچه از واقعه ۲۸ مرداد سال ها گذشته است اما هنوز بسیاری از گره های تاریخ معاصر به این رویداد بازمی گردد که نشان از اهمیت آن در روند رویداد های تاریخ معاصر ایران است.



تمبر هوایی نفت قم را در حالی که هوایمایی در کنار دکل استخراج نفت در حال پرواز است و در پس زمینه تمبر هم گنبد و باروی آرامگاه خواهر امام رضا در قم با رنگ کمرنگ تر ترسیم شده است، منتشر شود. بد نیست همین جا اشاره کنم که این تمبر امروزه جزو گرانترین تمبرهای کلکسیونری ایران است که قیمت بلاک کامل مهر نخورده آن میلیون ها تومان برآورد می شود.

یکی از نکاتی که بارها به عنوان سوال درباره تمبرهای این دوره مطرح بوده این است که آیا در این دوران تمبری با عکس خود دکتر مصدق چاپ شده است؟ در پاسخ به این سوال باید تصریح کنم که هرگز در دوران خود دکتر مصدق چنین اتفاقی نیافتاد و تمبرهای دوران او فقط با حال و هوای نفت و صنایع نفتی منتشر شدند.

اما یک نکته مهم دیگر رویکرد پادشاه وقت ایران به ایالات متحده آمریکا در سال های پایانی اولین دهه از سلطنت اوست. با اینکه در دوران رضا شاه و سال های نخستین زمامداری محمدرضا شاه اصولاً تمبر های ایرانی بیشتر در کشورهای اروپایی نظیر هلند و یا چاپخانه های داخلی منتشر می شد، اما برای نخستین بار درست هفت سال پس از بر تخت نشستن پادشاه فقید ایران انتشار دو مجموعه تمبر به یادبود مساعی ایران در راه پیروزی جنگ جهانی دوم (۱۳۲۸) و سال بعد از آن نیز مجموعه تمبر یادبود سی و یکمین سالگرد تولد شاه (۱۳۲۹) به امریکایی ها سپرده می شود. حرکتی که نشان می داد شاه ایران علاقمند به گسترش ارتباط با ایالات متحده آمریکا است و به درستی ابرقدرت آینده جهان را شناخته است و تلاش دارد تا با درک شرایط، هژمونی قدرت ایران را در منطقه و جهان توازن بخشد.



یک سبد حکایت

# چند حکایت



محمود افهمی



## شایعه

حدود ۷۰۰ سال پیش، در اصفهان مسجدی می‌ساختند. روز قبل از افتتاح مسجد، کارگرا و معماران جمع شده بودند و آخرین خرده کاری‌ها را انجام می‌دادند. پیرزنی از آنجا می‌گذشت. وقتی مسجد را دید به یکی از کارگران گفت: فکر کنم یکی از مناره‌ها کمی کج است! کارگرا خندیدند. اما معمار که این حرف را شنید، سریع گفت: چوب بیاورید! کارگر بیاورید! چوب را به مناره تکیه بدهید و فشار بدهید... وقتی کارگرا شروع به فشار دادن کردند معمار مدام از پیرزن می‌پرسید: مادر، درست شد؟! مدتی طول کشید تا پیرزن گفت: بله! درست شد!!! تشکر کرد و دعایی کرد و رفت.

در این موقع کارگرا حکمت این کار بیهوده (فشار دادن مناره) را پرسیدند؟! معمار گفت: اگر این پیرزن، راجع به کج بودن این مناره با دیگران صحبت می‌کرد و شایعه پا می‌گرفت، این مناره تا ابد کج می‌ماند و دیگر نمی‌توانستیم اثرات منفی این شایعه را پاک کنیم... این است که من گفتم در همین ابتدا جلوی آن را بگیرم.

## اثر وضعی

مرد سقایی در شهر بخارا سی سال به خانه‌ی زرگری آب می‌برد و هیچ رفتار بدی از او دیده نشد. یک روز که سقا به منزل زرگر آب برد و چشم او به دست زن زرگر افتاد به وسوسه افتاد و دست او را بوسید. ظهر زرگر وارد منزل شد. عیالش گفت: امروز تو در دکان چه کار بدی کردی؟ گفت: هیچ. زن اصرار کرد و مرد زرگر گفت: زنی برای خرید دست بند به دکانم آمد و من خوشم آمد و به وسوسه، بازوی او را گرفتم و او را بوسیدم. زن گفت: الله اکبر! مرد گفت: چرا تکبیر گفتی؟ زن جریان سقا و بوسیدن او را نقل کرد و گفت: اثر وضعی عمل تو باعث شد سقایی که سی سال با چشم پاک به خانه‌ی ما رفت و آمد داشت، این کار را بکند.

## احتیاط شگفت آور

زمانی یک گوسفند غارتی، با گوسفندان کوفه مخلوط شد. یکی از عابدان کوفه پرسید: گوسفند چند سال عمر می‌کند؟ هفت سال؛ از این رو تا هفت سال از خوردن گوسفند اجتناب ورزید.

## عیب پوشی جوانمردانه

یکی خواست همسر خویش را طلاق دهد. به وی گفتند: او چه عیب دارد؟ گفت: آیا کسی عیب همسر خود را باز گوید؟ پس از آن که زن را طلاق داد به وی گفتند: همسرت چه عیب داشت؟ گفت: آیا کسی عیب زن مردم را باز گوید؟

**Mahmoud Afhami**  
مجموعه‌ای از ریشه‌های ضرب الفبل‌های فارسی  
و نکه‌های عامانه

یک سبد حکایت

1 855.HEKAYAT  
WWW.YEK SABADHEKAYAT.COM

# پیر زن و کوزه رگب خوردن ، رگب زدن



یک پیرزن دو کوزه آب داشت که آنها را به دو سر چوبی که روی دوشش می گذاشت، آویخته بود و از این کوزه ها برای آوردن آب از جویبار استفاده می کرد. یکی از این کوزه ها ترک داشت، در حالی که کوزه دیگر بی عیب و سالم بود و همه آب را در خود نگه می داشت. هر بار که زن پس از پرکردن کوزه ها، راه دراز جویبار تا خانه را می پیمود، آب از کوزه ای که ترک داشت چکه می کرد و زمانی که زن به خانه می رسید، کوزه نیمه پر بود.

دو سال تمام، هر روز زن این کار را انجام می داد و همیشه کوزه ای که ترک داشت، نیمی از آبش را در راه از دست می داد. البته کوزه سالم و بدون ترک خیلی به خودش می بالید. ولی بیچاره کوزه ترک دار از خودش و عیبی که داشت خجالت می کشید.

پس از دو سال روزی کوزه ترک دار در کنار جویبار به زن گفت: من از خویشتن شرمسارم. زیرا این شکافی که در پهلو من است، سبب نشت آب می شود و زمانی که تو به خانه می رسی، من نیمه پر هستم.

پیر زن لبخندی زد و به کوزه ترک دار گفت:

آیا تو به گل هائی که در این سوی راه، یعنی سوئی که تو هستی، توجه کرده ای؟ می بینی که در سوی دیگر راه گلی نروئیده است؟ من همیشه از کاستی و نقص تو آگاه بودم و برای همین در کنار راه تخم گل کاشتم تا هر روز که از جویبار به خانه بر می گردم تو آنها را آب بدهی.

دو سال تمام، من از گل هائی که اینجا روئیده اند چیده ام و خانه ام را با آنها آراسته ام. اگر تو این ترک را نداشتی، هرگز این گل ها و زیبایی آنها به خانه من راه نمی یافت.

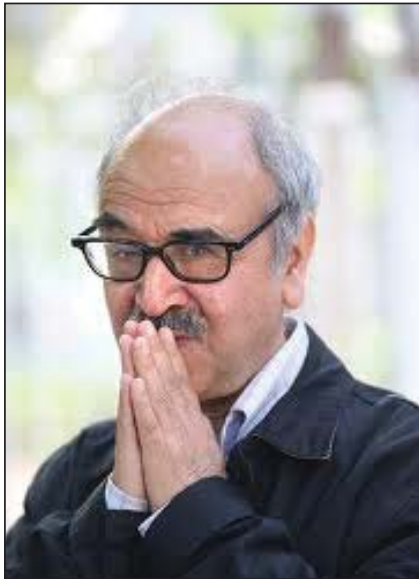
هر یک از ما عیب ها و کاستی های خود را داریم ولی همین کاستی ها و عیب هاست که زندگی ما را دلپذیر و شیرین می سازد. مهم اینکه چشمان مان را برای زیباتر دیدن زندگی مان باز کنیم.

این دو اصطلاح از فنون کشتی سنتی گرفته شده است. بگذارید همین جا اشاره کنم که وقتی عرض می کنم کشتی سنتی منظور خاصی از آن دارم. یعنی همان کشتی ای که از دوره باستان در ایران رایج بوده و برد و باختش بر اساس زمین زدن حریف مشخص می شده است. نه این کشتی امروزی که در آن برنده و بازنده بر اساس امتیاز مشخص می شوند و ضوابط وزن و داروی خاص دارد. «کشتی» در واقع همان شال سفید رنگی بوده است که وقتی نوجوان زردشتی به سن تکلیف می رسید به دور کمرش می بستند و کشتی گیری یعنی دو نفر این شال را به مشت گرفته و سعی کنند که حریف را شکست دهند. نتیجه این مسابقه هم در مناطق مختلف فرق می کرد. در جایی وقتی زانوی حریف به زمین می خورد کشتی تمام بود و اصطلاحاً «حریف را به زانو در آورده بود». در برخی مناطق هم باید پشت حریف را به زمین می زد که اصطلاحاً گفته می شد «پشت حریف را به خاک ساییده یا به خاک رسانده است». بازگردیم به مدخل خودمان... رگب زدن از فنون این نوع کشتی بود. نوعی پشت پا زدن که تعادل حریف را بهم زده و محکم او را به زمین می گویند. فنی کارآمد و بسیار مجرب که اگر فرصت اجرا می یافت حتماً باعث شکست حریف می شد. از این رو در زبان عامه هرگاه فردی فریبی کارگر بزند یا ترفندی بکار برد که حتماً مقصودش حاصل شود می گویند رگب زده و فرد مبتلابه این ترفند یا حيله را می گویند رگب خورده است. مثلاً می گویند: «نباید اعتماد می کردم. بد رگبی خوردم از فلانی!»



بازخوانی فراز و نشیب ادبیات معاصر به روایت کتاب «با چراغ و آئینه» - قسمت ششم:

نوشته: دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی



# ابوالقاسم لاهوتی وطن پرست بی وطن در کشور شوراها

استادانه‌ی شما را گرفتم اما نتوانستم آن را زینت بخش این مجموعه کنم: کتاب چاپ شده بود. خودتان گواه بیگناهی بنده هستید.

اگر چه این اثر از مقدمه‌ی عالی شما خالی است، ولیکن دل گوینده‌ی آن از ارادت و منت‌داری نسبت به شما پر است. به این سمت این هدیه‌ی صمیمانه را از او قبول فرمایید.

مسکو، ژوئیه‌ی ۱۹۴۶، لاهوتی

اگر کسی به احوالات شوروی آن سال‌ها (۱۹۴۶) اندک اشرافی داشته باشد می‌تواند از این عبارات لاهوتی بسیاری چیزها را درک کند. می‌توان حدس زد که شادروان سعید نفیسی در مقدمه‌ای که بر دیوان لاهوتی نوشته بوده، روی جنبه‌های میهن‌پرستی و ایران‌دوستی لاهوتی و حالت نوستالژی‌ای او تکیه کرده باشد، و این در مورد سعید نفیسی از بدیهیات رفتار او بود. نفیسی عاشق ایران بود و در تمام جهان به دنبال بهانه‌هایی می‌گشت تا این عشق خود را به ایران، به نوعی، آشکار کند. مقدمه‌ی نفیسی، ظاهراً، با سلیقه‌ی کارگزاران نشر دیوان لاهوتی در مسکو سازگار نبوده است و آن را حذف کرده‌اند.

حال شاعر بدین‌گونه، به زبان بی‌زبانی، عذر این حذف را از نویسنده‌ی مقدمه، می‌خواهد. لاهوتی، مستقیم و غیرمستقیم حالت نوستالژی‌ها، یا الحنین ولی الأوطان خود را، در گوشه و کنار شعرها و نامه‌هایی که به خویشان خود در ایران

برمی‌خیزد. من در میان دوستان مارکسیست خود نمونه‌هایی از این گونه آدم‌ها را دیده‌ام و شگفتا که همه‌شان در فهم دیگر مسائل مارکسیسم هم بسیار سطحی و قالبی بودند و تمام مسائل تاریخ بشر را مثل جدول ضرب فیثاغورث، با پس و پیش کردن کلماتی از نوع «ایدالیسم» و «رنالیسم» و «طبقه» و چند اصطلاح دیگر، نزد خود حل شده می‌انگاشتند. ظاهراً لاهوتی نیز چنین تصویری از مسائل لاهوت داشته است یا بهتر است بگوییم ترجیح می‌داده است که این گونه نگاه به هستی را در شعر خویش انعکاس دهد، حال اگر در عمق وجود او پرسش‌های عمیق‌تری در حوزه‌ی لاهوت مطرح بوده است روی آنها سرپوش می‌گذاشته؛ زیرا در عهد فرمانروایی رفیق استالین مجالی برای تأمل در دیگر جوانب، وجود نداشته است.

با این همه تصور می‌کنم که دغدغه‌هایی، در حوزه‌ی مسائل لاهوت تا آخر عمر او باقی مانده بوده است، همچنان که حس میهن دوستی بیش از حد او را، اقامت در سرزمین شوراها و سرودن «سرود انترناسیونال»، از میان نبرده است.

در کتابخانه‌ی دانشگاه پرینسون، در آمریکا، نسخه‌ای از دیوان لاهوتی چاپ مسکو وجود دارد که لاهوتی آن را برای استاد سعید نفیسی امضاء کرده است و این نسخه بعدها در جمع کتب شادروان سعید نفیسی به آن کتابخانه فروخته شده است. در پشت جلد این نسخه از دیوان لاهوتی، به خط شاعر این عبارت را می‌خوانیم:

ایران، تهران

دانشمند بزرگوار سعید نفیسی عزیز،

یکی از سخت‌ترین دقیقه‌های حیات من آن دمی بود که مقدمه‌ی نفیس، فاضلانه و

شعر لاهوتی نیز چون زندگی او، همیشه، آواره بوده است و در آوارگی. جز در فرصت‌های بسیار کوتاهی از قبیل لحظه‌ی سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و یا آن چند روز اول سقوط محمدرضا شاه در سال ۱۳۵۷، شعر لاهوتی هرگز مجالی برای ظهور و بروز در میان مردم میهنش نیافته است. به همین دلیل، سهم لاهوتی و پایگاه او در شعر معاصر ایران همواره مورد غفلت و تغافل بوده است.

زندگی روحی لاهوتی از افراطی‌ترین شکل اعتقاد به «لاهورت»، یعنی عقاید غلات اهل حق، و نوع نگاه عرفانی ایشان - که از پیچیده‌ترین اشکال رویت عرفانی جهان است - آغاز می‌شود و بر طبق اسناد موجود به الحاد و atheism مطلق می‌انجامد و بیشترین بخش خلاقیت شعری او، در حوزه‌ی انکار لاهوت ادامه و گسترش می‌یابد. همین بی‌پروایی در عرضه‌ی اندیشه‌های برخاسته از الحاد است که سبب شده است دیوان او، هرگز به راحتی، در میهنش، در دسترس دوستداران شعر او قرار نگیرد. اگر تنها دشمنی «با سرمایه» بود، باز می‌شد راه‌هایی برای نشر محدود شعرهای او اندیشید ولی با کوشش بی‌پروایی که او در نفی لاهوت از خود نشان می‌دهد، باید پذیرفت که جایی برای نشر آثار او در میهنش به این زودی‌ها وجود نخواهد داشت.

انکار لاهوت، در اندیشه و هنر لاهوتی، بیش از آنکه مبنای فلسفی داشته باشد مبنای عاطفی یا احساسی داشته است، یعنی مثل اغلب عوام مارکسیست‌ها برای او مسلم بوده است که اگر «خدا» را از منظومه‌ی هستی حذف کنیم، خود به خود تمام مصائب بشر، تمام بیماری‌ها و بیچارگی‌ها و آثار جهل و فقر و بیکاری، از میان





می‌نوشته است به گونه‌هایی، مرئی و نامرئی، آشکار می‌کرده است. تردیدی ندارم که به همه تظاهر به atheism که در بعضی از شعرهای او دیده می‌شود، دغدغه‌هایی از نوعی نوستالژی‌ای دیگر هم گریبان‌گیر او بوده است. با داشتن چنان لحظه‌های عرفانی در جوانی، در پیری و غربت، هجوم این چنین اندیشه‌هایی چندان هم به دور از قلمرو امکان نیست.

با این همه بنده به هیچ روی خود را وکیل «الاهیات» نمی‌دانم تا بخواهم «به نفع» خدا وارد بحثی شوم و احقاق حق برای «او» بکنم. این رشته تداعی‌ها، به مناسبت دیگری از ذهن عبور کرد و بر کاغذ نشست که می‌اندیشیدم، انکار لاهوت چه مقدار در غریب ماندن شعر لاهوتی، در میهنش، موثر افتاده است و همین سبب شده است لاهوتی، با آن همه شعرهای لطیف و تا حدودی نوآوری‌های مهم، سهمش نپرداخته باقی بماند. تا کی؟ در ایران، گذشته از مذهب، «خدا» در خرد ایرانی، پایگاه فلسفی پهناوری دارد ولی در خرد قوم روس چنین نیست. اگر سفرنامه‌های مسلمانان قرن چهارم را که مهمترین سند تاریخی قوم صقلاب و روس است دیده باشید. متوجه می‌شوید که این قوم با نشاط سرزنده و میهن‌پرست و نستوه، تا چه حد در مسأله‌ی الاهیات، ساده و primitive می‌اندیشیده است و حتی مضحک. در چنان محیط فرهنگی‌ای زیستن، آن هم به روزگار رفیق استالین، شاعر ما را به ودایی کشانده است که همه دغدغه‌های عرفانی و فلسفی خود را به یک سوی نهد و فراموش کند که مخاطبان اصلی او چه کسانی هستند و خدا در ذهن و ضمیر انسان چه پایگاه فلسفی‌ای دارد. به همین دلیل هر جا که خشم و نفرت خویش را از ستم سرمایه‌داری عرضه کرده است بر «مردی خدا» هم لگدی زده است، غافل از اینکه...

سهم لاهوتی در شعر معاصر ایران نپرداخته مانده است و من هم در این مجال کوتاه، «موجودی لازم» برای پرداختن آن سهم را ندارم ولی می‌گویند: ما لایدرک کله لایترک کله. همه‌ی کسانی که در فرصت‌های کوتاه تاریخی مجال نیافته‌اند تا نسبت به لاهوتی‌ادای دینی کنند، بیشتر به محتوای شعر او و ارزش‌هایی که در احقاق حقوق رنجبران و مدیح آزادی و نکوهش ستم طبقاتی، داشته است توجه کرده‌اند و به آنچه اصل قضیه و جان و جمال شعری است، هرگز

نپرداخته‌اند.

من در فرصت کوتاه می‌خواهم به چند نکته‌ی «صوری» و «غیرمحتوایی» و عملاً «غیر مارکسیستی» در شعر او بپردازم و از تجربه‌های صرفاً هنری و شعری او یاد کنم. لاهوتی در سال ۱۳۰۵ هـ.ق/۱۲۶۴ هـ.س/۱۸۸۵ میلادی متولد شده است و بر طبق اسناد موجود در سن هفده هجده سالگی شاعری ورزیده و توانا بوده است، به حدی که استعداد برجسته‌ی او را در شعر، ادیبان رسمی و تثبیت شده‌ی عصر، با صراحت ستوده‌اند.

با این که در آغاز، شاعری، حرفه‌ی دوم او بوده و شغل شاغلش «نظامی‌گری» و در پوشش نظامی‌گری، فعالیت‌های حاد سیاسی و انقلابی و شورش و کودتا. طبعاً برای چنین کسی مانیفست ادبی صادر کردن و دم از انقلاب ادبی زدن، امری است محال و ناپذیرفتنی؛ با این همه نگاهی به تاریخ سرودن شعرهای او، نشان می‌دهد که وی همان‌گونه که در عرصه‌ی سیاست و اجتماع، اهل شورشگری و انقلاب بوده است در ساحت شعر و شاعری هم آراء انقلابی داشته است و دست به تجربه‌های انقلابی زده است.

اول از قالب‌های شعری آغاز کنیم و بعد به ظرافت‌ها و ظرفیت‌های دیگر بپردازیم. شعر «وفای به عهد» را لاهوتی در ۱۹۰۹ سروده است، یعنی در اوایل قرن بیستم. اول یک بار شعر را بخوانیم و بعد درباره‌ی ساخت و صورت آن قدری تأمل کنیم:

اردوی ستم خسته و عاجز شد و برگشت  
برگشت، نه با میل خود، از حمله‌ی احرار  
ره باز شد و گندم و آذوقه به خروار  
هی وارد تبریز شد، از هر در و هر دشت  
از خوردن اسب و علف و برگ درختان  
فارغ چو شد آن ملت با حزم و اراده  
آزاده زنی، بر سر یک قبر ستاده،  
با دیده‌ای از اشک پر و دامنی از نام  
لختی، سرپا، دوخته بر قبر همی چشم  
بی جنبش و بی حرف، چو یک هیکل پولاد  
بنهاد پس، از دامن خود، آن زن آزاد  
نان را به سر قبر چو شیری شده در خشم:  
در سنگر خود شد چو به خون جسم تو غلطان  
تا ظن نبری آن که وفادار نبودم  
فرزند! به جان تو، بسی سعی نمودم  
روح تو گواه است که بویی بُد از نان

مجروح و گرسنه، ز جهان دیده بستی  
من عهد نمودم که اگر نان به کف آرم  
اول به سر قبر عزیز تو بیارم  
برخیز که نان بخشمت و جان بسپارم  
تشویق مکن، فتح نمودیم پسر جان  
اینک به تو هم مژده‌ی آزادی و هم نان  
وان شیر حلال است که بخوردیم ز پستان  
مزد تو که جان دادی و پیمان نشکستی  
(تهران، دسامبر ۱۹۰۹م/۱۲۸۸ ش)

قدیمی‌ترین شعرهایی که در این گونه قوالب داریم، عبارتند از یکی دو شعر ایرج که تاریخ سرودن آنها معلوم نیست. (قدر مسلم می‌توان گفت که قبل از ۱۳۰۴ هـ.ش، سال درگذشت ایرج، سروده شده است) یا شعرهایی از بهار که تاریخ سرودن آنها اوایل این قرن شمسی است و اگر به نخستین تجربه‌ی شعر فارسی، بیرون از قوالب سنتی شعر نظر داشته باشیم که همان شعر «یادار ز شمع مرده یاد آر» دهخداست و در ۱۲۸۸ سروده شده است، دقیقاً با این شعر، در یک سال سروده شده است.

شعر دهخدا یکی از لطیف‌ترین و حسی‌ترین و عاطفی‌ترین شعرهای سیاسی این قرن است و در صدق عاطفی و تأثیر آن کوچکترین تردیدی نیست، اما به لحاظ سعی در شکستن قوالب سنتی و به ویژه انتخاب زبان محاوره و دیالوگ طبیعی، شاید، بتوان شعر «وفای به عهد» لاهوتی را بر آن ترجیح داد. درست است که شعر لاهوتی در برابر شعر دهخدا قدری سست می‌نماید، اما به همان اندازه هم از سنت زبان شعر کهن دوری و خروج دارد.

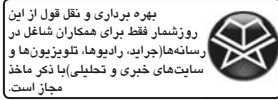
لاهوتی، با همه گرایش‌هایی که تا آخر عمر به قالب غزل فارسی داشت، دنباله‌ی تجربه‌های تجدد خواهانه‌ی خود را، در عرصه‌ی ساخت و صورت شعر فارسی، رها نکرد و گاه از آن طرف بام تجدد هم افتاد و شعرهای هجایی سرود که کمتر می‌توان از آنها لذت موسیقایی برد. این گونه تجربه‌های لاهوتی ظاهراً به تأثیر استعراق بیش از حدش در شعر روسی بوده است. در شعرهایی از این دست با تاریخ ۱۹۲۵ که در دوشنبه سروده است:

من فرزند یک دهقانی بودم  
در قشلاق‌های تاجیکستان  
یک زمین داشتیم، آن را می‌کاشتیم  
نان می‌خوردیم از محصول آن

# روز شمار فرهنگ، هنر و سیاست ایران

## ۱۰ تیر تا ۹ مرداد

### July 2013



بهره برداری و نقل قول از این روز شمار فقط برای همکاران شاغل در رسانه‌ها (جراید، رادیوها، تلویزیون‌ها و سایت‌های خبری و تحلیلی) با ذکر مآخذ مجاز است.

#### ۱۰ تیر (۱ جولای)

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)  
شالوده نیروی هوایی ایران با ایجاد نخستین واحد هواپیمایی نظامی ریخته شد.  
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
تغییر نام شیر و خورشید سرخ به هلال احمر توسط آخوند روح‌الله خمینی و جمهوری اسلامی

#### ۱۱ تیر (۲ جولای)

۱۳۰۲ خورشیدی (۱۹۲۳ میلادی)  
زادروز عباس کاتوزیان، نقاش معاصر ایرانی  
۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)  
درگذشت کیخسرو شاهرخ، نماینده جامعه زرتشتیان در مجلس

۱۳۲۶ خورشیدی (۱۹۴۷ میلادی)  
زادروز میهن بهرامی، قصه‌نویس، در تهران  
۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)  
درگذشت محمدعلی زاویه، نقاش و نگارگر ایرانی

محمدعلی اسماعیل زاویه پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی در سال ۱۳۰۸ به هنرستان صنایع مستظرفه رفت (بعدها این هنرستان، کمال‌الملک خوانده می‌شد) و رشته مینیاتور و تذهیب را برای آموزش برگزید. پس از چندی در سال ۱۳۱۹ در رشته مینیاتور با درجه‌ی ممتاز فارغ‌التحصیل شد.  
وی در همین رشته در مدت شصت سال کار بیش از دو هزار عکس، نقاشی و تذهیب ساخته است. استاد زاویه چگونگی و ساخت رنگ‌های طبیعی کارهای خود را مرهون دو استاد خود هادی تجویدی در مینیاتور و علی درودی در تذهیب می‌داند.

وی در بین سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۶ ریاست موزه هنرهای ملی را بر عهده گرفت و در همین دوران به منظور برگزاری نمایشگاه‌های متعدد به خارج از کشور سفر کرد و در این فرصت از اکثر موزه‌های بزرگ جهان دیدار به عمل آورد و موفق به اخذ مدال طلا در رشته مینیاتور از نمایشگاه بین‌المللی بروکسل و نشان هنر از وزارت فرهنگ و هنر و دیپلم «گران‌دیبری» شد. وی در سال ۱۳۳۹ بازنشسته گردید و در کارگاه شخصی خود به انجام کارهای هنری پرداخت. از آثار برجسته‌ی او می‌توان «خسرو و شیرین»، «نمایی از قصر سلیمان»، «هفت گنبد بهرام»، «چوگان‌بازی هنرمندان در دربار شاه‌عباس» را نام برد. آثار این نقاش در موزه‌ی هنرهای ملی حفظ می‌شود.

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)  
درگذشت جمشید شبیانی، خواننده معروف و از پیشکسوتان موسیقی جاز در ایران، در بیمارستان تارزانا در لوس آنجلس کالیفرنیا. وی متولد ۱۳۰۳ بود.

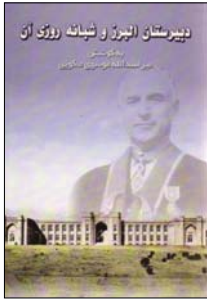
#### ۱۲ تیر (۳ جولای)

۱۳۰۳ خورشیدی (۱۹۲۴ میلادی)  
میرزاده عشقی، شاعر و روزنامه‌نگار آزادی‌خواه، به قتل رسید  
میرزاده عشقی نام اصلیش «سید محمدرضا کردستانی» و فرزند «حاج سیدابوالقاسم کردستانی» بود و در تاریخ دوازدهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۲ هجری قمری مطابق ۲۰ آذرماه ۱۲۷۳ خورشیدی و سال ۱۸۹۴ میلادی زاده شد.

سال‌های کودکی را در مکتب محلی و از سن هفت سالگی به بعد در آموزشگاه‌های «الفت» و «آلیانس» به تحصیل فارسی و فرانسه اشتغال داشته، پیش از آنکه گواهی‌نامه از این مدرسه دریافت کند در تجارتخانه یک بازرگان فرانسوی به شغل مترجمی پرداخته و به زبان فرانسه مسلط شد.  
دوره تحصیلی وی تا سن هفده سالگی بیشتر طول نکشید، در آغاز سن ۱۵ سالگی



بعد از این بر وطن و بوم و برش باید رید!  
بچنین مجلس و بر کز و فرش باید رید!  
کلیات اشعار میرزاده عشقی از انتشارات شرکت کتاب منتشر شده است.  
۱۳۳۰ خورشیدی (۱۹۵۱ میلادی)  
زادروز بیژن بیجاری، قصه‌نویس، در اصفهان  
۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
سرتکونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی در خلیج فارس  
۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)  
درگذشت سهراب شهیدثالث، فیلمساز برجسته.



کتاب «بیرستان البرز و شبانه روزی آن» از انتشارات بیستون و کتاب «خاطرات محمد علی مجتهدی» از انتشارات ایران بوکز در شرکت کتاب موجود است.

**۱۷ تیر (۸ جولای)**

۱۳۲۶ خورشیدی (۱۹۴۷ میلادی)  
 بازداشت حسن صدر (مدیر قیام ایران)، سیدمهدی میراشرفی (مدیر آتش)، عباس خلیلی (مدیر اقدام) و توقیف روزنامه‌هایشان  
 ۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)  
 زادروز فرشته ساری، شاعر، قصه‌نویس، و مترجم  
 ۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)  
 زادروز اردوان کامکار، آهنگساز و نوازنده‌ی سنتور  
 ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی)

تشکیل جناح سوم به رهبری دکتر هوشنگ نهاوندی در حزب رستاخیز.  
 ۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)

درگذشت احمد نجفی زنجانی معروف به معصومی، هنرمند و خوشنویس معاصر.  
 خطاطی کتیبه دانشگاه تهران یکی از آثار اوست.

۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)

درگذشت فریدون نصری، مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران (تولد ۱۴ آبان ۱۳۰۹ خورشیدی)

**۱۸ تیر (۹ جولای)**

۱۳۵۴ خورشیدی (۱۹۷۵)

تقسیم حزب رستاخیز به دو «جناح ترقی‌خواه» (به رهبری جمشیدآموزگار) و «لیبرال‌سازنده» (به رهبری هوشنگ انصاری)

۱۳۷۸ خورشیدی (۱۹۹۹ میلادی)

بروز نخستین جنبش دانشجویی بعد از انقلاب، که به وسیله حاکمان جمهوری اسلامی به صورتی خونین سرکوب شد، اما خاموش نشد.

۱۳۸۴ خورشیدی (۲۰۰۵ میلادی)

درگذشت کریم امامی، ویراستار و روزنامه‌نگار ایرانی.  
 او در سال ۱۳۰۹ در شهر شیراز متولد شد. مدتی در روزنامه انگلیسی‌زبان کیهان اینترنت‌نشال کار می‌کرد.  
 پس از آن مدتی در بخش ویرایش موسسه انتشارات فرانکلین تهران فعالیت کرد.

همسر او گلی امامی و عضو شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی بود.

آثار ترجمه کریم امامی مانند پیشگامان نقاشی معاصر ایران-نسل اول، عاشق همیشه تنهاست (دفتری از ترجمه انگلیسی و اصل فارسی شعرهای برگزیده سهراب سپهری)، گتسی بزرگ، گرگی در کمین، محمود فرشچیان جلد یک و جلد دوم در شرکت کتاب موجود است.

۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)

درگذشت مهدی آذرپزیدی نویسنده کودکان و نوجوانان

آثار او با عنوان «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» در شرکت کتاب موجود است

**۱۹ تیر (۱۰ جولای)**

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)

انتشار نخستین شماره روزنامه اطلاعات به مدیریت سردبیری عباس مسعودی با تیراژ ۵۰۰ نسخه در دو صفحه به بهای چهارشاهی

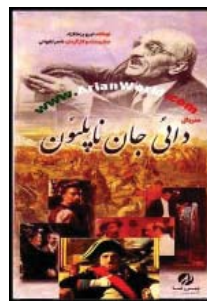
۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)

زادروز احمد پژمان، آهنگساز، سازنده موسیقی متن فیلم‌های «سازده احتجاج» و «سایه‌های بلند باد»

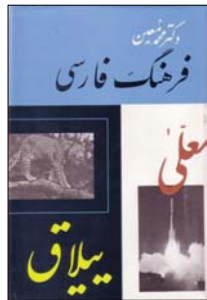
۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی)

درگذشت سیدحسن بهجتی گنابادی، شاعر و ادیب  
 زادروز ناصر تقوایی، قصه‌نویس و فیلمساز

شاهکار ناصر تقوایی سریال دایی جان ناپلئون به صورت دی‌وی‌دی در شرکت کتاب موجود است



ادامه در صفحه بعد



**۳ تیر (۴ جولای)**

۱۳۵۰ خورشیدی (۱۹۷۱ میلادی)

درگذشت استاد دکتر محمد معین، دانشمند، نویسنده، پژوهشگر و رئیس سازمان لغتنامه دهخدا و پدیدآورنده فرهنگ معین

دست آوردهای دکتر محمد معین در شرکت کتاب موجود هستند

۱۳۷۷ خورشیدی (۱۹۹۸ میلادی)

درگذشت صادق چوبک، نویسنده، در برکلی کالیفرنیا

شرکت کتاب ناشر کتاب‌های زنده یاد صادق چوبک است.

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت جواد تقدسی، کم‌دید معروف در سن ۸۴ سالگی در تهران.

**۱۴ تیر (۵ جولای)**

۱۲۹۵ خورشیدی (۱۹۱۶ میلادی)

زادروز صادق چوبک، نویسنده در بوشهر.  
 وی به همراه صادق هدایت از پیشگامان داستان‌نویسی مدرن ایران است. از آثار مشهور وی مجموعه داستان انتری که لوطی‌اش مرده بود و رمان‌های سنگ صبور و تنگسیر نام برد.

کلیه ۶ جلد آثار صادق چوبک در زمان حیات نویسنده و با مجوزایشان توسط شرکت کتاب تجدید چاپ شدند.

۱۲۳۰ خورشیدی (۱۸۵۱)

زادروز میرزا حسن تبریزی معروف به رشیدیه در تبریز از پیشگامان نهضت فرهنگی ایران و بنیانگذار مدرسه (دبستان) به سبک نوین در ایران (درگذشت ۲۷ آذر ۱۳۲۳ در قم)

۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)

درگذشت مهرانگیز منوچهریان، بانوی حقوقدان ایرانی

۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)

درگذشت منوچهر جمالی، نویسنده و متفکر ایرانی در سن ۸۴ سالگی در شهر ملاکای اسپاینا

**۱۵ تیر (۶ جولای)**

۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی)

درگذشت میرزاملکم خان ناظم‌الدوله- وزیر مختار ایران در ایتالیا و مدیر روزنامه قانون

۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)

زادروز صادق همایونی، محقق، شاعر، قصه‌نویس

۱۳۴۲ خورشیدی (۱۹۶۳ میلادی)

دستگیری طیب حاج‌رضایی- رییس میدان‌های میوه و تره‌بار تهران به اتهام مشارکت در وقایع ۱۵ خرداد

۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)

درگذشت مجید محسنی، کارگردان، نویسنده و بازیگر ایرانی.

**۱۶ تیر (۷ جولای)**

۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)

درگذشت ادوارد براون -ایران‌شناس و استاد دانشگاه کمبریج، نویسنده کتاب «تاریخ ادبیات ایران»

۱۳۲۱ خورشیدی (۱۹۴۲ میلادی)

زادروز گلی امامی، مترجم

آثار ترجمه گلی امامی مانند به کسی مربوط نیست، پروست چگونه می‌تواند زندگی شما را دگرگون کند، زندگی کوتاه است (نامه‌ای به قدیس آگوستین)، گردابی چنین هایل در شرکت کتاب موجود است

۱۳۷۶ خورشیدی (۱۹۹۷ میلادی)

درگذشت دکتر محمدعلی مجتهدی ریاضیدان و بنیانگذار دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف).



۱۳۴۴ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی)  
تصویب نخستین آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم در ایران  
۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی)  
درگذشت سیداحمدخان ملک‌ساسانی - ادیب و مورخ  
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
درگذشت محمدتقی مصطفوی - پژوهشگر و باستان‌شناس  
۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)  
درگذشت حبیبی مهدوی بنیانگذار دوره دکترای فلسفه در دانشگاه تهران.  
از آثار وی: جامعه‌شناسی یا علم الاجتماع، ترجمه شناخت روش علمی و فلسفه علمی (تولد ۱۲۸۷ خورشیدی)

**۲۴ تیر (۱۵ جولای)**

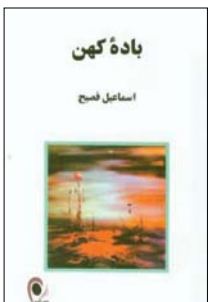
۱۲۵۳ خورشیدی (۱۸۷۴ میلادی)  
انتشار نخستین روزنامه ایران به نام «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح شیرازی  
(از این روزنامه تنها یک نسخه در موزه بریتانیا موجود است)  
۱۳۶۵ خورشیدی (۱۹۸۶ میلادی)  
درگذشت دکتر مهدی حمیدی شیرازی - شاعر، نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه تهران (تولد ۱۲۹۳ خورشیدی در شیراز)  
آثار دکتر مهدی حمیدی شیرازی در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت علی‌رضا شاپور شهبازی، نویسنده، استاد دانشگاه، ایران‌شناس و باستان‌شناس دوران هخامنشی در سن ۶۵ سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان معده در ایالت اورگان آمریکا



وی مؤسس بنیاد پژوهشی هخامنشی در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) بود و تا سال ۱۹۷۸ این بنیاد را اداره کرد. پیکر او در کنار آرامگاه حافظ در شیراز به خاک سپرده شد.  
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)  
درگذشت عبدی یمنی، آهنگساز، تنظیم‌کننده و نوازنده نامدار و برجسته ایرانی در پی سانحه سقوط هواپیمای مسافربری مسیر تهران-ایروان. (زادروز ۱۳۳۲)

**۲۵ تیر (۱۶ جولای)**

۱۳۴۶ خورشیدی (۱۹۶۷ میلادی)  
زادروز مهرداد آسمانی، خواننده، آهنگساز و تنظیم‌کننده ایرانی مقیم لوس‌آنجلس  
۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)  
درگذشت سودابه اسکویی، بازیگر و کارگردان تئاتر (تولد ۱۴ مهر ۱۳۲۹ خورشیدی)  
۱۳۸۸ خورشیدی (۲۰۰۹ میلادی)  
درگذشت اسماعیل فصیح، رمان‌نویس و مترجم ایرانی عصر روز پنجشنبه ۲۵ تیرماه به دلیل مشکلات عروقی و مغزی در بیمارستان شرکت نفت تهران. وی متولد دوم اسفند ۱۳۱۳ در تهران بود.  
آثار این نویسنده در شرکت کتاب موجودند



**۲۶ تیر (۱۷ جولای)**

۱۲۶۹ خورشیدی (۱۸۹۰ میلادی)  
زادروز استاد ذبیح بهروز - نویسنده، شاعر و پژوهشگر یکی از سرآمدان ادبیات الحادی در دوران معاصر، ذبیح بهروز است که طی ۸۲ سال زندگی پر بارش بسا کارهای ارزنده انجام داد. او از ترس آزار و ترور فکری و جسمی اربابان شریعت از نام‌هایی چون «حکیم علی بن دیلاق» و «محمدبن فضل السنبلی» استفاده می‌کرد. متأسفانه بیشتر آثار این دانشمند هنوز منتشر نشده است.  
۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)  
خلع محمدعلی شاه و جلوس سلطان احمد شاه قاجار پیرم خان (ارمنی) به ریاست نظمی منصوب شد.

۱۳۸۲ خورشیدی (۲۰۰۳ میلادی)  
قتل زهرا کاظمی - خبرنگار ایرانی مقیم کانادا بر اثر شکنجه و ایراد ضربه به سر وی، در زندان جمهوری اسلامی

**۲۰ تیر (۱۱ جولای)**

۱۳۱۴ خورشیدی (۱۹۳۵ میلادی)  
بازگشت رضاشاه از سفر ترکیه  
۱۳۲۵ خورشیدی (۱۹۴۶ میلادی)  
درگذشت حبیب سماعی - موسیقیدان و نوازنده  
۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲ میلادی)  
درگذشت عبدالرحمن فرامرزی، نویسنده و مدیر روزنامه کیهان عبدالرحمن فرامرزی (زاده ۱۲۹۰ خورشیدی در فرامرزان فارس، روزنامه‌نگار و سیاستمدار ایران. او در چند دوره نماینده مجلس و مدتی سردبیر روزنامه کیهان بود.  
کتاب خاطرات عبدالرحمان فرامرزی در دو جلد در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۱ میلادی)  
درگذشت جهانگیر قائم مقامی - پژوهشگر  
۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)  
درگذشت دکتر محمود مهران - ادیب و مؤسس مرکز حفظ آثار ملی  
۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)  
درگذشت سورن از چهره‌های دهه ۱۳۳۰ موسیقی ایران است که به موزیک جاز معروف شد.  
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)  
درگذشت عنایت‌الله رضا، نویسنده و پژوهشگر ایرانی در سن ۹۰ سالگی. او در پهنه سیاست و در عرصه پژوهش‌های «ایران‌شناسی» از چهره‌های نام‌آور بود.

**۲۱ تیر (۱۲ جولای)**

۱۳۳۵ خورشیدی (۱۹۵۶ میلادی)  
نصرت‌الله معینیان به ریاست انتشارات و رادیو منصوب شد  
۱۳۴۳ خورشیدی (۱۹۶۴ میلادی)  
درگذشت سناتور حسین علا در سن ۸۲ سالگی  
در کابینه مستوفی‌الممالک و صنم‌السلطنه وزیر تجارت و فوائد عامه بود. در دوره پنجم به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد و همراه با مدرس، تقی‌زاده و مصدق با خلع قاجاریه مخالفت کرد. در دوره رضاشاه چندبار وزیر شد. در جریان وقایع آذربایجان و شکایت ایران از شوروی به شورای امنیت به عنوان سفیر ایران در آمریکا فعالیت زیادی کرد. پس از بازگشت به ایران وزیر خارجه و بعد از کشته شدن رزم‌آرا، نخست‌وزیر شد. در دوران نخست‌وزیری دکتر مصدق وزیردربار بود.  
۱۳۴۸ خورشیدی (۱۹۶۹ میلادی)  
درگذشت خلیل ملکی - از رجال سیاسی و رهبر «نیروی سوم» و از چهره‌های سیاسی ایران در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی  
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
کشف «کودتای نوژه» توسط وزارت اطلاعات رژیم اسلامی.  
۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
درگذشت فرخ لقا هوشمند بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون بر اثر سکته قلبی در سن ۸۱ سالگی در بیمارستانی در تهران. وی متولد ۱۳۰۷ در رشت بود. وی در سریال صمد نقش مادر صمد را داشت.

**۲۲ تیر (۱۳ جولای)**

۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)  
درگذشت حمید سمندریان، کارگردان نامدار تئاتر (پدر تئاتر ایران) در سن ۸۱ سالگی بر اثر بیماری سرطان کبد.

**۲۳ تیر (۱۴ جولای)**

۱۲۸۹ خورشیدی (۱۹۱۰ میلادی)  
درگذشت سید عبدالله بهبهانی مجتهد شیعه از رهبران انقلاب مشروطه در پی ترور او توسط افراد ناشناس  
۱۳۱۳ خورشیدی (۱۹۳۴ میلادی)  
زادروز محمود محمودی خوانساری، خواننده

۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)

درگذشت محمدحسن سیفی قزوینی معروف به عمادالکتاب، خوشنویس بزرگ ایران در تهران (تولد ۱۲۴۸ خورشیدی)  
 ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی)  
 زادروز اسدالله حجازی، نوازنده تار و مؤلف در حوزه موسیقی  
 ۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)  
 استعفای دکتر علی امینی از نخست‌وزیری.  
 ۱۳۶۸ خورشیدی (۱۹۸۹ میلادی)  
 درگذشت داود منشی‌زاده - ادیب و استاد دانشگاه افسالا (سوئد)

**۲۷ تیر (۱۸ جولای)**

۱۲۲۸ خورشیدی (۱۸۴۹ میلادی)

قتل سید علی محمد باب توسط حکومت قاجار با فتوای روحانیون شیعه  
 ۱۲۷۵ خورشیدی (۱۸۹۶ میلادی)  
 قتل میرزا آقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی توسط محمدعلی میرزا ولیعهد قاجار با امریت روحانیون شیعه  
 ۱۳۰۵ خورشیدی (۱۹۲۶ میلادی)  
 خودکشی محمودولی خان تنکابنی (سپهسالار)، از رجال سیاسی دوران قاجار و از فاتحان اصلی تهران در دوره مشروطیت  
 ۱۳۴۹ خورشیدی (۱۹۷۰ میلادی)  
 امیرعباس هویدا دوهزارمین روز نخست‌وزیری خود را جشن گرفت  
 ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
 درگذشت مهندس حسین کردبچه - روزنامه‌نگار و مترجم پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی  
 ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)  
 درگذشت اسدالله حجازی، نوازنده تار  
 ۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی)  
 درگذشت حسینعلی ملاح، موسیقیدان، پژوهشگر و نوازنده ویولون. (تولد ۱۳۰۰ خورشیدی)

۱۳۸۶ خورشیدی (۲۰۰۷ میلادی)

درگذشت کارو دردیان، شاعر، نویسنده و مترجم و برادر مرحوم ویگن خواننده معروف در آمریکا، در سن ۷۹ سالگی.

**۲۸ تیر (۱۹ جولای)**

۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی)

زادروز سیمین بهبهانی، شاعر  
 شرکت کتاب ناشر تمامی آثار سیمین بهبهانی در خارج از ایران است.  
 ۱۳۴۱ خورشیدی (۱۹۶۲ میلادی)  
 امیراسدالله علم از طرف شاه حکم نخست‌وزیری گرفت  
 ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
 درگذشت استاد جلال‌الدین همایی، ادیب، شاعر و استاد ادبیات دانشگاه تهران و دارالفنون و عضو فرهنگستان ایران. (تولد ۱۳ دی ۱۲۷۸ خورشیدی).  
 ۱۳۶۷ خورشیدی (۱۹۸۸ میلادی)  
 قطع ارتباط زندان‌های جمهوری اسلامی با دنیای خارج، و شروع کشتارهای دسته‌جمعی زندانیان سیاسی، که تا سه ماه هر روزه ادامه داشت.  
 ۱۳۸۰ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی)  
 درگذشت منصور والامقام، بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر ایران (تولد ۱۳۱۵ خورشیدی)  
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)  
 درگذشت خسرو شکیبایی، بازیگر سرشناس تاتر، سینما و تلویزیون در سن ۶۴ سالگی بر اثر سکته قلبی در بیمارستان پارسیان تهران.

**۲۹ تیر (۲۰ جولای)**

۱۲۸۷ خورشیدی (۱۹۰۸ میلادی)

سفر سیدحسن تقی‌زاده - (مدیر روزنامه حبل‌المتین) و میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، به اروپا  
 ۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)  
 زادروز استاد جلیل شهناز - موسیقیدان و نوازنده

۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)

درگذشت رضا محجوبی - موسیقیدان و نوازنده (تولد ۱۲۷۷ خورشیدی)  
 ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۱ میلادی)

درگذشت ایرج جهانشاهی قاجار، مترجم، معلم، نویسنده، مترجم و یکی از نامداران ویراستاری ادبیات کودک و نوجوان بود. جهانشاهی بنیانگذار و مدیر مسوول مجله‌های کمک آموزش پیک بود که در سال ۱۳۵۳ جایزه جهانی گسترش فرهنگی را به خود اختصاص دادند. او نخستین کتاب فارسی اول دبستان را به همکاری عباس سیاحی نوشت که تا چند سال پیش تدریس می‌شد. به علاوه، در زمینه آموزش بزرگسالان و انتشار کتاب‌های ویژه نوسوادان، خدمات شایانی به آموزش و پرورش ایران کرد. (متولد سال ۱۳۰۵ خورشیدی)

**۳۰ تیر (۲۱ جولای)**

۱۳۳۱ خورشیدی (۱۹۵۲ میلادی)

قیام معروف به ۳۰ تیر به رهبری آیت‌الله کاشانی  
 ۱۳۷۳ خورشیدی (۱۹۹۴ میلادی)

درگذشت مهندس مهدی بازرگان سیاستمدار و نخست وزیر دولت موقت پس از پیروزی انقلاب در اتریش  
 مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳) نخست وزیر دولت موقت بعد از انقلاب اسلامی. وی در کنار محمود طالقانی و یدالله سحابی، یکی از سه بنیانگذار نهضت آزادی ایران و همچنین از موسسین انجمن اسلامی دانشجویان در دانشکده فنی دانشگاه تهران بود.



با پیروزی انقلاب، خمینی حکم نخست‌وزیری دولت موقت را به نام او صادر کرد. او به مدت ۹ ماه (۲۷۵ روز) سمت نخست‌وزیری موقت را بر عهده داشت. پس از اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان در ۱۳ آبان وی و دولت او به طور کامل استعفا کردند. بازرگان در سال ۱۲۸۶ و در میان دوران مشروطه، در خانواده‌ای مذهبی در آذربایجان متولد شد. پدرش، حاج عباسقلی تبریزی، پس از چندی در تهران مقیم شد و به عنوان یکی از تاجران سرشناس بازار تهران مطرح گردید.  
 کتاب انقلاب ایران در دو حرکت، نوشته مهدی بازرگان و سایر آثار او و یا درباره او در شرکت کتاب موجود است

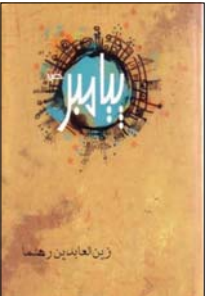
**۳۱ تیر (۲۲ جولای)**

۱۳۱۲ خورشیدی (۱۹۳۳ میلادی)

درگذشت ملک‌المورخین - مورخ و مؤلف قسمتی از نسخ‌التواریخ و نوه محمدتقی‌خان لسان‌الملک، ناشر روزنامه‌های آینه غیبت‌نما، وطن و آزاد در دوران مشروطیت.

۱۳۳۴ خورشیدی (۱۹۵۵ میلادی)

درگذشت احمدقوام‌(قوام‌السلطنه) - سیاستمدار (قوام‌السلطنه در دوران مشروطیت مجموعاً ۵ بار نخست‌وزیر بود)  
 ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)  
 درگذشت زین‌العابدین رهنما - نویسنده و مترجم  
 آثار این نویسنده در شرکت کتاب موجودند  
 ۱۳۷۱ خورشیدی (۱۹۹۲ میلادی)  
 درگذشت نظام فاطمی، ادیب، ترانه‌سرا و فیلمساز (تولد ۱۰ آذر ۱۳۰۲ خورشیدی)  
 ۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)  
 درگذشت ابوطالب طالبی، کشتی‌گیر ایرانی و دارنده مدال برنز رقابت‌های کشتی آزاد بازی‌های المپیک تابستانی ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی



**۱ مرداد (۲۳ جولای)**

۱۳۱۰ خورشیدی (۱۹۳۱ میلادی)

چاپ نشریه «دختران ایران»، توسط زندخت شیرازی  
 ۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
 درگذشت ملکه صبا، (ملکه حکمت شاعر - پرومند)، از خوانندگان انجمن موسیقی ملی (تولد ۱۲۹۶ خورشیدی)  
 ۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
 درگذشت استاد محمد پورثانی طنز نویس و فکاهی نویس نشریات توفیق، فکاهیون، کاریکاتور، ترقی، اطلاعات هفتگی و... در تهران



۲ مرداد (۲۴ جولای)

۱۳۸۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)  
انتشار نخستین شماره روزنامه «ایران نو» ارگان حزب دموکرات  
۱۳۳۳ خورشیدی (۱۹۵۴ میلادی)  
زادروز منیرو روانی‌پور، نویسنده



کتابهای منیرو روانی پور در شرکت کتاب موجود هستند  
۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲ میلادی)  
زادروز شقایق فراهانی، بازیگر و هنرپیشه  
۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)  
زادروز یگانه آهنگرانی، بازیگر و هنرپیشه  
۱۳۶۹ خورشیدی (۱۹۹۰ میلادی)  
درگذشت مرتضی نی‌داوود، آهنگساز، نوازنده تار،  
و کاشف هنرمندانی چون قمرالملوک وزیری، ملوک  
ضرابی و غلامحسین بنان  
۱۳۷۹ خورشیدی (۲۰۰۰ میلادی)

درگذشت احمد شاملو، شاعر معاصر ایران، در فردیس کرج  
احمد شاملو (زاده ۲۱ آذر، ۱۳۰۴ در تهران؛ ۱۲ دسامبر  
۱۹۲۵، در خانه شماره ۱۳۴ خیابان صفی‌علیشاه) شاعر،  
نویسنده، فرهنگ‌نویس، ادیب و مترجم ایرانی است.  
آرامگاه او در امامزاده طاهر کرج واقع است. تخلص او  
در شعر الف. بامداد بود.



شهرت اصلی شاملو به خاطر شعرهای اوست که شامل  
اشعار نو و برخی قالب‌های کهن نظیر قصیده و نیز  
ترانه‌های عامیانه است. شاملو تحت تأثیر نیما یوشیج،  
به شعر نو (که بعدها شعرنیمایی هم نامیده شد) روی  
آورد، اما برای اولین بار در شعر «تا شکوفه سرخ یک  
پیراهن» که در سال ۱۳۲۹ با نام «شعرسفید غفران»  
منتشر شد وزن را رها کرد و به صورت پیشرو سبک  
جدیدی را در شعر معاصر فارسی گسترش داد. از این سبک به شعرسپید یا شعر  
منثور یا شعر شاملویی یاد کرده‌اند.

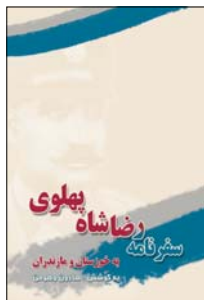
شرکت کتاب ویژه نامه ایران‌شهر در رثای احمد شاملو در سال ۲۰۰۱ منتشر کرده  
است و هم چنین آثار او در شرکت کتاب موجود هستند

۳ مرداد (۲۵ جولای)

۱۳۰۰ خورشیدی (۱۹۲۱ میلادی)  
کلنل محمد تقی پسیان کلیه امور خراسان را زیر سلطه گرفت.  
۱۳۶۱ خورشیدی (۱۹۸۲ میلادی)  
درگذشت دکتر حمید عنایت، مترجم و استاد علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل  
دانشگاه تهران.

۴ مرداد (۲۶ جولای)

۱۲۸۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)  
احمد شاه قاجار در اندرون دربار به تخت سلطنت نشست  
۱۳۱۵ خورشیدی (۱۹۳۶ میلادی)  
زادروز منوچهر نیستانی، شاعر در کرمان  
۱۳۲۳ خورشیدی (۱۹۴۴ میلادی)  
درگذشت رضاشاه پهلوی در ژوهانسبورگ (آفریقای جنوبی).



رضاشاه در سال ۱۲۵۶ خورشیدی در آلاشت مازندران  
زاده شد.  
رضاشاه کودکی یتیم بود دوران خردسالی را در فقر  
گذراند. از نوجوانی به نظام پیوست و مدارج ترقی  
را طی نمود. در روز سوم اسفند سال ۱۲۹۹، کودتایی  
را ترتیب داد. در نتیجه این کودتا، نیروهای قزاق به  
فرماندهی رضا خان تهران را اشغال نمودند. رضا  
خان ابتدا در مقام وزیر جنگ، بسیاری از ناآرامی‌ها و  
راهزنی‌ها را از بین برد. در سوم آبان ۱۳۰۲ رضاخان با  
فرمان احمدشاه قاجار به نخست وزیری منصوب شد و  
ابتدا تلاشی در جهت جمهوری خواهی نمود. ولی در سال

۱۳۰۴ به پادشاهی رسید.

شرکت کتاب سفرنامه‌ی رضا شاه پهلوی به خوزستان و مازندران با ویراستاری  
هارون وهومن را در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر کرده است

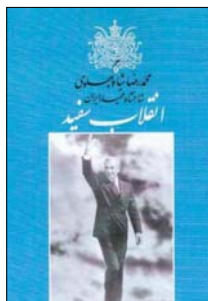
۱۳۴۷ خورشیدی (۱۹۶۸ میلادی)  
زادروز یاسمین اعتماد امینی همسر شاهزاده رضا پهلوی، دارای مدرک لیسانس  
علوم سیاسی و دکترای وکالت از دانشگاه جرج واشینگتن در آمریکا و دارای ۳  
دختر به نام‌های نور، ایمان و فرح و همچنین بنیانگذار و اداره‌کننده بنیاد خیریه‌ای  
به نام «فرزندان ایران» است که به کودکان بیمار ایرانی کمک و یاری می‌رساند.  
۱۳۸۳ خورشیدی (۲۰۰۴ میلادی)  
درگذشت حسین پناهی شاعر

۵ مرداد (۲۷ جولای)

۱۲۸۶ خورشیدی (۱۹۰۷ میلادی)  
شیخ فضل‌الله نوری و سید احمد طباطبایی علیه مشروطه به تمام علمای روحانی  
در همه شهرها تلگراف کردند و خواستار برهم زدن مجلس شورای ملی شدند.  
۱۳۵۶ خورشیدی (۱۹۷۷ میلادی)

زادروز مهدی مهدوی‌کیا بازیکن تیم فوتبال پرسپولیس و تیم ملی ایران بوده است،  
او در سال ۲۰۰۳ از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به عنوان بازیکن برتر فوتبال  
آسیا شناخته شد.

۱۳۵۹ خورشیدی (۱۹۸۰ میلادی)  
درگذشت محمدرضا شاه پهلوی



محمدرضا شاه در چهارم آبان ماه ۱۲۹۸ خورشیدی در  
تهران به دنیا آمد و در قاهره پایتخت مصر به علت ابتلا  
به بیماری سرطان درگذشت.

وی تحصیلات مقدماتی را در تهران و تحصیلات  
متوسطه را در سوئیس به اتمام رساند و در بازگشت  
به ایران با درجه ستوان دوم از دانشکده افسری  
فارغ‌التحصیل شد.

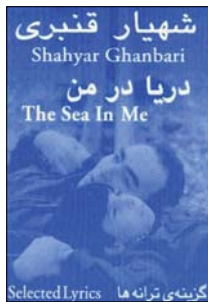
محمد رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ پس از کناره گیری  
رضاشاه از سلطنت و خروج او از ایران به سلطنت  
رسید.

حوادث مهم دوران سلطنت او: آذربایجان به آغوش  
میهن بازگشت (۱۳۲۵)، دو بار مورد سوء قصد قرار گرفت (۱۳۲۷ و ۱۳۴۴)،  
کودتای ۲۸ مرداد (۱۳۳۲)، انقلاب سفید (بهمن ۱۳۴۱)، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰  
ساله شاهنشاهی (۱۳۵۰)، تغییر تقویم هجری خورشیدی به تقویم شاهنشاهی  
(۱۳۵۵=۲۵۳۵)

کتاب‌های ماموریت برای وطن، انقلاب سفید، بسوی تمدن بزرگ و پاسخ به تاریخ،  
محمدرضا شاه پهلوی در شرکت کتاب موجود هستند

۶ مرداد (۲۸ جولای)

۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)  
زادروز شهیار قنبری، شاعر، ترانه‌سرا، آهنگساز،  
نمایشنامه‌نویس، مجری تلویزیونی و رادیویی،  
فیلمساز، آوازخوان، روزنامه‌نگار، برنامه‌ساز رادیو و  
تلویزیون



آثار شهیار قنبری در شرکت کتاب موجود هستند  
۱۳۴۰ خورشیدی (۱۹۶۱ میلادی)  
درگذشت صدیقه دولت‌آبادی، روزنامه‌نگار، نویسنده و  
فمینیست

۱۳۷۴ خورشیدی (۱۹۹۵ میلادی)  
درگذشت اکبر محسنی، نوازنده تار، عود و ویولون،  
آهنگساز، و سازنده «اللهی ناز»  
۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

درگذشت بهمن محمص پیشکسوت نقاشی و مجسمه سازی ایران در رم ایتالیا و  
در سن ۷۹ سالگی. بهمن محمص، هنرمند پیشکسوت هنرهای تجسمی، از نخبگان  
هنری معاصر ایران بود. بهمن محمص متولد ۹ اسفند ۱۳۱۰ در شهر رشت بود.  
وی از هنرمندانی است که در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران در کشور زندگی  
می‌کرد. محمص در ۱۳۳۳ به اروپا سفر کرده و در ایتالیا ساکن شد و در آکادمی  
هنر «رم» مدتی نزد «فروچو فراتزی» به آموختن هنر مشغول شد. حاصل این دوره

# Persian Radio

## پرشین رادیو

www.epersianradio.com  
info@epersianradio.com

### Hotbird New!

Frequency 11200 Horizontal  
SymbolRate 27500  
FEC Automatic

### Eutelsat W3A

Frequency 10721 Horizontal  
Symbol Rate 22000  
FEC 1/2

### Telstar 5

Frequency 11966 Horizontal  
Symbol Rate 22000  
FEC Automatic



Studio: (818) 981 - 1200

Office: (818) 817 - 7700

Address: 15720 Ventura Blvd., #228, Encino, CA 91436

از زندگی محمص چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در داخل و خارج ایتالیا و شرکت در نمایشگاه‌هایی چون بینال (دوسالانه) ونیز، سائو پائولو و پاریس بود.

### ۷ مرداد (۲۹ جولای)

۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی)  
زادروز مسعود کیمیایی، کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی  
۱۳۹۱ خورشیدی (۲۰۱۲ میلادی)  
درگذشت ایرن زازیانس، بازیگر سینمای ایران بر اثر سرطان در سن ۸۵ سالگی در تهران. ایرن در حدود ۳۰ فیلم سینمایی بازی کرد که از بین آنها می‌توان به خداحافظ رفیق، محلل، بلوچ و مو سرخه اشاره کرد.

### ۸ مرداد (۳۰ جولای)

۱۳۲۹ خورشیدی (۱۹۵۰ میلادی)  
زادروز رضا جولایی، نویسنده، در تهران  
۱۳۵۸ خورشیدی (۱۹۷۹ میلادی)  
زادروز محسن جاووشی، خواننده، آهنگساز، ترانه سرا، نوازنده و تنظیم کننده  
۱۳۸۰ خورشیدی (۲۰۰۱ میلادی)  
درگذشت امیرحسین آریانپور، نویسنده، فرهنگ‌نویس، مترجم. (زاده ۸ اسفند ۱۳۰۳)

۱۳۸۵ خورشیدی (۲۰۰۶ میلادی)

درگذشت مشکوک اکبر محمدی دانشجویی که در جریان جنبش دانشجویی سال ۱۳۷۸ دستگیر شد، و بعد از ۸ روز اعتصاب غذا در زندان اوین درگذشت.

شرکت کتاب، کتاب اندیشه و تازیانه (خاطرات اکبر محمدی از زندان) را به سفارش تلفنی خود او که با بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب گفتگو کرد و با همکاری خانم نسرین محمدی (خواهر آن روانشاد) و با همکاری مراد معلم در سال ۲۰۰۶ در سالگرد درگذشت او منتشر کرد.

خانم نسرین محمدی این کتاب را به زبان انگلیسی در اوائل سال ۲۰۱۳ منتشر کرد که در شرکت کتاب موجود است  
۱۳۸۷ خورشیدی (۲۰۰۸ میلادی)

درگذشت نامی پتگر، نقاش معروف ایرانی و فرزند علی اصغر پتگر، نقاش و استاد نقاشی بر اثر سکته قلبی در آتلته شخصی خود. وی متولد سال ۱۳۲۴ در شهر نوشهر بود.

۱۳۹۰ خورشیدی (۲۰۱۱ میلادی)

درگذشت مهدی سیدحسینی، وی روزنامه نگار مجله جوانان و روزنامه اطلاعات بود و چند سالی نیز با مجله جوانان لوس آنجلس همکاری می‌کرد. وی به دنبال یک بیماری طولانی در بیمارستانی در شهر لوس آنجلس کالیفرنیا درگذشت.

### ۹ مرداد (۳۱ جولای)

۱۲۸۸ خورشیدی (۱۹۰۹ میلادی)

شیخ فضل‌الله نوری، به جرم مخالفت و کارشکنی در انقلاب مشروطیت، در میدان «توپخانه» تهران اعدام شد

۱۳۸۱ خورشیدی (۲۰۰۲ میلادی)

درگذشت مصطفی رحیمی، حقوقدان، پژوهشگر و مترجم

۱۳۸۹ خورشیدی (۲۰۱۰ میلادی)

درگذشت محمد نوری خواننده پیشکسوت به دلیل بیماری و وخامت وضعیت جسمانی در بیمارستانی در تهران. این خواننده پیشکسوت متولد ۱۳۰۸ و فارغ‌التحصیل از هنرستان تئاتر، زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران و مبنای تئاتر از دانشکده علوم اجتماعی بود. او بیش از ۳۰۰ قطعه آوازی اجرا کرده است و با ترانه‌ی «گل مریم چشمتو واکن منو نگاه کن»، «شکوفه در شکوفه»، «چراغی در افق»، «در ماه ماندگار» و «وطن» ... به خوبی او را میشناسیم و تنها خواننده ایرانی است که کار ترجمه و داستان نویسی هم داشته است و به گفته خودش در نگین، سخن، تکاپو، آدینه، دنیای سخن، سپید و سیاه ترجمه و حرفه‌ای داشته است که مطرح کرده است و ترجمه‌های در سالهای دور داشته است.

آثار شادروان محمد نوری در شرکت کتاب موجود هستند



# رویای رنسانس در فوتبال سیاسی

گردآوری و بازنویسی: نادر ترکیان



ورزش و فوتبال و ... برسد و گرنه کاری از دست کسی بر نمی آید همانطور که در مقوله جدایی دین از سیاست که به سرانجامی نرسید و هنوز هم دین با سیاست یکیست و آنچه که ضربه خورده دیانت مردم است. با این روند ورزش به همان راهی میرود که دین رفت.

شاید خیلی قابل اثبات نباشد اگر بخواهیم نوع نگرش مریدان به فوتبال در هر جامعه‌ای را متأثر از اندیشه‌های سیاسی کلانی بدانیم که بر آن جوامع حکم فرماید. اما مقایسه‌ای بین نوع نظام‌های حکومتی جوامع و نوع فوتبالی که تیم‌ها در آن جوامع ارائه می‌کنند این فرض را تقویت می‌کند.

به عنوان مثال کشورهای حوزه امریکای جنوبی و به طور واضح برزیل و آرژانتین که زمانی از مظاهر اندیشه‌های چپ و تفکرات اعتراضی بودند و فوتبال هجومی و فوتبالیست‌های سرکش آنها زبانزد بودند، در سالهای اخیر با گرایش سیاسی دولت‌هایشان به سمت تعامل محافظه کارانه با لیبرالیسم، شاهد غروب افکار مارادونایی در عرصه فوتبال هستند و امروز دیگر برزیل تنها با مهاجمان و هافبک‌های طراح خود شناخته نمی‌شود و دیرزمانی است که دیگر از برزیل هم یک بازی تهاجمی در یاد نداریم و در عوض مدافعانی همچون کافو و لوسیسو ستاره‌های تیمی هستند که همیشه به مهاجمانش شهره بود.

امروز می‌توان محافظه کاری لیبرال را در فوتبال اروپا به تماشا نشست همان‌گونه که پویایی یک اقتصاد لیبرال را نیز می‌توان در تار و پود فوتبال اروپا به چشم دید. در این میان رشد فوتبال در جوامع شرقی نیز به نحو محسوسی متأثر از گرایش سیاسی دولت‌های این جوامع بوده است؛ چنانکه کره جنوبی و ژاپن در دو دهه اخیر به تناسب رشد مولفه‌های لیبرالیسم در بدنه سیاسی و اجتماعی جامعه خود شاهد رشد چشمگیر سطح فوتبال و نزدیک شدن نگرش فوتبالی خود به سطح جوامع پیشرفته و مدرن در زمینه فوتبال بوده‌اند. در حالیکه جوامعی مانند چین با وجود رشد اقتصادی خوب



من یکی از میلیون‌ها طرفدار فوتبال در سراسر دنیا هستم که از تماشای مسابقات فوتبال و به ویژه مسابقات ملی که تیم ملی کشورم در آن حضور دارد لذت می‌برم و این مسابقات را دنبال می‌کنم.

بسیاری از کسانی که فوتبال رو تماشا می‌کنند و اکثریت مخاطبان رسانه‌ای فوتبال شناخت و تجربه ویژه‌ای از این ورزش ندارند. کودک و نوجوان، میانسال و بزرگسال، زن و مرد همه مخاطبان این ورزش را تشکیل می‌دهند که خود ضرورت جایگاه اجتماعی این ورزش را انکار ناپذیر می‌نمایند و نقش مهم آن در مجموعه تعاملات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پررنگ تر از قبل نشان می‌دهد.

از زمان قرون وسطی و پس از آن انقلاب رنسانس ثابت کرد که باید دین از سیاست جدا باشد. اکنون باید یک انقلاب دیگر ثابت کند که فوتبال باید از سیاست جدا باشد. البته فقط برای کشور ما باید ثابت شود چون تمام دنیا فهمیده‌اند که دین از سیاست جداست و ورزش را هم از سیاست جدا کرده‌اند. تنها در کشور ماست که هنوز نفهمیده‌اند و به طور صحیح تر نمی‌خواهند بفهمند. کسانی که شعار جدایی دین از سیاست دادند با استدلال ثابت کردند که سیاست یعنی دغل بازی و فریب. فضای پاک و معنوی دین هیچ سنخیتی با این مقوله ندارد. حال ما باید ثابت کنیم که ورزش یک فضای پاک و مقدس است و نباید با سیاست به آلودگی کشیده شود. نمی‌دانم فهمیدن این مسائل چقدر مشکل است که سیاستمداران ما هنوز در قرون وسطی به سر می‌برند و نتوانسته‌اند و یا بطور صحیح نخواسته‌اند بفهمند. بارها شاهد بوده‌ایم که از سوی سردمداران ورزش دنیا تهدید به تحریم شده‌ایم ولی باز با یک سری فریبکاری حتی دنیا را هم به قول معروف پیچانده‌ایم و باز هم تکرار مکررات. بعد از برکناری دادکان حتی تا مرز تحریم هم رفتیم ولی کسی سر در نیاورد که چگونه سر فیفا را شیره مالیدند و باز هم به کار خود ادامه می‌دهند. با این تفصیل خدا به فریاد





نیازمند یک بررسی تاریخی چند ساله هستیم که در حوصله این یادداشت نمی‌گنجد اما آنچه مسلم است اینکه نوع رفت و آمدها در فوتبال ما شباهت بسیاری به رفت و آمدها در دولت داشته است.

وقتی عماد افروغ نماینده اصولگرای مجلس هفتم می‌گوید در دوران اخیر هر که متملق تر بود مقرب تر شد، می‌توان تبلور این نگاه و اندیشه را در خانه نشینی امثال مرحوم ناصر حجازی و بسیاری از کارشناسان فنی و داوری در سالهای اخیر دید.

از سوی دیگر در چنین فضایی، کسانی که در دهه اخلاق و ارزش‌مداری فوتبال، به بی‌اخلاقی و بی‌نظمی شهره بودند و پرونده‌های محرومیت آنها در کنفدراسیون فوتبال آسیا از جرایم خیلی از فوتبالیست‌های امروزی بیشتر است، مدعی‌العموم فوتبال می‌شوند و به لطف یک صبحانه، همه ناکامی‌های فنی‌شان نادیده گرفته می‌شود و در روزگار عسرت اسطوره‌های محبوب این فوتبال، هر روز تیم ملی یا باشگاهی را به نامشان سند می‌زند تا بی‌محابا هر که را خواستند تخریب کنند.

این گونه است که امثال مهدی پاشازاده و محمد خاکپور، که هم به لحاظ تجربی و فنی و هم به لحاظ آکادمیک و دانش‌نظری، مهره‌های قابل اتکا و اندوخته‌های فوتبال ما به حساب می‌آیند، خانه‌نشینی در غربت را به فعالیت در چنین فوتبالی ترجیح می‌دهند و تیم‌های ملی و باشگاهی ما یا در دست افرادی معذور، که براساس رابطه به جایگاهی رسیده‌اند، دست به دست می‌شود و یا در اختیار معذور مریبان با سابقه‌ای است که البته از دانش روز به میزان کافی برخوردار نیستند.

حالا سی سال است که ما نمی‌دانیم فوتبال ملی ما یک فوتبال تدافعی است یا تهاجمی و البته سیاست خارجی ما نیز در این سی سال چنین وضعیتی داشته و با رفتن یک دولت و آمدن دولت بعدی به کلی تغییر کرده است.

امروز همان گونه که عملکرد دولتمردان ما برآمده از هیچ یک از تئوری‌های سیاسی و اقتصادی شناخته شده دنیا نیست، فوتبال ما هم مبتنی هیچ یک از مکاتب تعریف شده فوتبال نیست.

فوتبال امروز ما آئینه تمام‌نمای نا‌هنجاری‌های فرهنگی جامعه ماست. از روابط حاکم بر فوتبال تا نوع آرایش بازیکنانی که فکر می‌کنند ستاره‌اند، همه برگرفته از مناسبات اداری و اخلاقی حاکم بر جامعه امروز ماست.

غروب فوتبال وطنی را می‌توان در ساق‌های علی کریمی، فرهاد مجیدی، جواد نکونام و چند تک ستاره باقی مانده از نسل طلایی فوتبال ایران دید، و پایان عصر بازیکن سازی را با خانه نشینی علی دوستی و سپردن تیم ملی جوانان به دست «تازه از راه رسیدگان» به تماشا نشست. رنسانسی که اگر دیر حادث شود می‌تواند چندین نسل فوتبال ما را به کما ببرد.

اگر چنین اتفاقی در فوتبال ما رخ دهد ما می‌توانیم دوباره از وجود علی دوستی که در بانک ملی مهدوی‌کیاها را به ما هدیه کرد، رضا احدی که بازیکنان تیم جوانان استقلالش مانند خسرو حیدری و آندو تیموریان و مجتبی جباری هنوز می‌درخشند و آدموند بزرگ که حالا در تکاپوی احیای آرات دوست داشتنی است، بهره‌مند شویم.

این مبارک‌ترین اتفاقی است که برای وقوعش در فوتبال کشور، شاید نیازمند تغییر نگاه کلان در عرصه سیاست باشیم.

و در مواقعی بالاتر از کشورهای غربی نتوانسته‌اند در عرصه فوتبال حتی در سطح قاره خود حرفی برای گفتن داشته باشند.

در مورد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز می‌توان فوتبال این کشورها را آئینه تمام‌نمای نوع وابستگی این کشورها به غرب و نحوه «هزینه‌کرد» دلارهای نفتی برای خوشایند شیوخ آنها دانست.

در این بین اوضاع و احوال حاکم بر فوتبال کشورمان نیز در سی و سه سال گذشته، جدا از مشی سیاسی زمامداران کشور در این سه دهه نبوده است. اگر دهه اول بعد از انقلاب را دهه گرایشهای چپ‌گرایانه اقتصادی و همچنین دهه حاکمیت ارزشهای انقلابی بر جامعه بدانیم که به لحاظ تقارن با جنگ این خصوصیات تقویت می‌شد، شاهد بودیم که فوتبال ما نیز در آن دوره فوتبالی کم‌هزینه و مبتنی بر ارزشهای سنتی مستطیل سبز و حرمت و تعصب‌های ناشی از این ارزشها بود.

این در حالی است که در دهه دوم انقلاب، با آغاز زمامداری تکنوکرات‌ها و رشد اقتصاد شبه خصوصی، آرام آرام شاهد تغییر نگرش در عرصه فوتبال بودیم. وقتی به جای سرمایه‌داری مبتنی بر تولید شاهد رشد سرمایه‌داری مبتنی بر واسطه‌گری در عرصه کلان کشور بودیم، آغاز نوعی از فوتبال را به تماشا نشستیم که در ادامه راه رشد خود، باشگاه‌های سازنده‌ای همچون آرات، بانک ملی، شمشوک نوشهر و خیلی تیم‌های ریشه‌دار دیگر را به قربانگاه واسطه‌گری فوتبالی برد و در این میان تیم‌های بزرگ و پرطرفدار پایتخت نیز که زمانی خود جذب‌کننده و پرورش دهنده استعداد‌های جوان بودند تبدیل به مصرف‌کننده ستاره‌های ساخته شده در تیم‌های دیگر شدند.

در این وضعیت تیم‌هایی که بیشتر به بودجه‌های دولتی متصل بودند از امکان بقا برخوردار می‌شدند و از این رو بود که کارخانه‌های خودروساز دولتی و کارخانجات فولاد و ذوب آهن توانستند چند سالی در عرصه فوتبال کشور جولان دهند و استقلال و پرسپولیس هم برای ادامه بقا در این بازار هزینه‌های گزافی به سازمان تربیت بدنی تحمیل نمودند.

در این دوره به علت ورود کم سابقه نهادهای نظامی به پروژه‌های اقتصادی، این نهادها نیز متکفل برخی از تیم‌های حاضر در لیگ فوتبال کشور شدند و اوضاع از آنچه بود آشفته تر شد.

پس از آن با تغییر دولت و به تبع آن تغییر در نگرش کلان سیاسی کشور، دوره‌ای فرا رسید که علاوه بر تداوم وضعیت قبلی، مفاهیم اولیه مدرنیسم از قبیل برنامه‌ریزی و کار زیربنایی نیز مضموم انگاشته شد و شعارمحوری و استفاده ابزاری از ارزش‌های دینی به همان اندازه که در بدنه سیاسی کشور رشد کرد، در فوتبال نیز مجال عرض اندام پیدا کرد و مدیرانی که بدون سابقه و تجربه زمام فوتبال را به عهده گرفتند مجبور شدند تا برای استتار ضعف‌هایشان، پشت نام‌ها سنگر بگیرند.

امیر قلعه‌نویی، خاویر کلمنته، علی دایی، افشین قطبی و خیلی‌های دیگر، یا نیامده رفتند یا آمدند و رفتند اما در اوضاع و احوال فوتبال تغییری ایجاد نشد؛ چون قرار بود فوتبال ابزار باشد و برای چنین هدفی باید مدیران تابع مافوق باشند و نه الزاماً دارای توانایی و کارایی مدیریتی. این گونه است که دو باشگاه بزرگ پایتخت به مدت دو سال بدون مدیر و توسط سرپرست موقت اداره شدند.

اگر بخواهیم چگونگی بازگشت افرادی همچون رضا رجبی به فوتبال و البته چگونگی ورود افرادی نظیر کاشانی را به این عرصه ریشه‌یابی کنیم،





طنز نوشته ای از: حمیدرضا رحیمی

www.hazl.com

## محک

# فدوی نامه

## ویرایش

فدوی با آنکه گیس و دست و پای اضافه ندارد که دست برادران کثرت‌الله امثالهم بدهد، معذالک گاه و البته در اجرای تکلیف شرعی، ناگزیر می‌شود که برخی فرمایشات مسئولین محترم و البته مطلع نظام، اعلی‌الله مقامهم اجمعین را علیرغم میل باطن، شدیداً ویرایش کند؛ از آن جمله است:

### اقتصاد ایران باید به تعمیرگاه برود!

محسن رضایی - فارس به نقل از بهار نیوز- تیترو

باری از آنجا که فدوی فرمایش حکیمانه‌ی بالا را شدیداً غیر کارشناسانه تلقی می‌نماید، فلذا در جهت اصلاح آن "ارز" می‌کند که عبارت شما مبالغی نقص فنی دارد برادر رضایی! زیرا بفرموده‌ی حضرت امام(ل) اقتصاد مال خره؛ و بر این پایه، اقتصاد ایران باید به طویله برود، نه تعمیرگاه!!  
زیاده در اقتصاد ایران سابق "ارزی" نیست!...

\*نخیر خواهر/ برادر خواننده؛ سواد فدوی هنوز نم نکشیده بلکه بقول آن بزرگوار "تا بی سر و پا باشد اوضاع فلک زمین‌سان" بر آن شده است که تا تعیین تکلیف "ارز" بویژه برای دانشجویان برون‌مرزی، اعتصاب ارز خشک کرده و هرگونه "عرض" را "ارز" بنویسد!

فرمایشات مهمل‌گونه‌ی برادر، کلب آستان علی(ع)، غلام علی(ع) حداد عادل! که آبیازی است بر آمده از دیگ ولایت، که این روزها در راستای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری (ریاست آبدارخانه‌ی ولایت - م) فعالیت می‌کند، به شدت ۹/۸ درجه‌ی "ریش" تر، همچنان ادامه دارد! وی که از ستایشگران بی‌چون و چرای مقام معظم رهبری ضاعف‌الله اشراقه است\*، گاه بی احتیاطی کرده و در جمع دانشجویان حاضر و با ایراد مهملات داهیان‌ه‌ی خود، خشم آنان را برمی‌انگیزد. تیره و تارهای پیامبرگونه‌ی آن بزرگوار را نمی‌شود در هیئت پاسخ به پرسش‌های دانشجویان، حتا در قالب تجاهل‌العارف هم، قابل طبقه‌بندی کرد و بی سبب نیست که در این راستا، کارش با دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، به زد و خورد می‌کشد... خوانندگان محترم ضد انقلاب، می‌توانند با مرور پاره‌ای از افاضات وی، که فدوی آنرا از ایسنا نقل می‌کند، اعصاب و طاقت خود را نیز محک بزنند! تا از آنجا به حال دانشجویان در آن جلسه‌ی کذائی نیز برسند:

- من نمی‌دانم آزادی بعد از بیان یعنی چه!

- آزادی مطبوعات در حال حاضر وجود دارد!

- مردم کشور سوریه نیز همگی حامی بشار اسد هستند! و بشار اسد تنها به این دلیل محاکمه می‌شود که در مقابل آمریکا و اسرائیل قرار گرفته و بدانید اگر ما آنها را حمایت نکنیم، موشک‌ها بر سر شما ریخته می‌شود!

- در ایران حکومتی که دینی نباشد، نمی‌تواند اعتماد مردم را جلب کند! و حکومت سکولار به هیچ وجه برای ایران نسخه مناسبی نیست!



شرح عکس:

برو قاصم الجبارین را شکر کن که در طبقه‌ی سوم خوابگاه نیستی که با فریاد یا حسین(ع) پرتات کنم پائین! طبقه‌ی همکف که صرف نمی‌کند، برادر دانشجو!



## آسیب شناسی

خودمانیم، این آلزایمر آخوندی هم چیز بدی ست؛ و بدتر آنکه برخلاف سایر انواع اش، آخوند و مکلا\* و پیر و جوان هم ندارد و در هر شرایطی ممکن است پاچه‌ی بیمار را بگیرد!

نمونه‌ی تازه، برادر مشائی است. نامبرده با آنکه نسبت به همتایان معمم خود، سنی ندارد، به تشخیص دکتر فدوی که رد خور ندارد! از بیماری آلزایمر آخوندی، شدیداً رنج می‌برد؛ و یادش نیست که مقام معظم رهبری ادامه الله ایامه و نصر اعلامه و اجری بالخیر اقلامه، با نصب ایشان، حتا به عنوان معاون رئیس جمهور رضایت نداد، فلذا چگونه ممکن است که اکنون، با گماردن وی به عنوان جسارت است! رئیس جمهور (رئیس آبدارخانه‌ی بیت - م) موافقت فرماید؟ در اینصورت، عبارتی که به نقل از برادر بی‌بی‌سی در پی می‌آید، چه معنائی می‌تواند داشته باشد، جز ابتلاء شدید نامبرده به آلزایمر آخوندی؟! آنهم از نوع بدخیم و پیشرفته‌اش؟! من رد صلاحیت خود را ظلم می‌دانم و حل آن را از طریق مقام معظم رهبری پیگیر خواهم بود!

\* مکلا همه جا از نگاه فدوی، برادران بی‌عمامه اما آخوند مسلک است که در لایه‌های گوناگون مؤمنین کوسه و ریش پهن، که فدوی هر قدر هم که هرچه زور زد، قادر به درک شان نشد، از اصلاح طلبان گرامی گرفته تا ملی - مذهبی و روشنفکر دینی و... قابل تشخیص و رؤیت اند.

## فضای انتخاباتی

فدوی، از شما خوانندگان محترم ضد انقلاب چه پنهان که با سوءاستفاده از مخلق خوش برادران اینروزها، با یک بلیط، چند نشان (تأثر - م) می‌زند!.. مواضع فدوی در این ارتباط تاکنون، برکسی پوشیده نمانده است که وی، به هر دو جناح ظاهراً موجود، یعنی بنیادگرایان و اصلاح طلبان گرامی، که یک روح مخوفاند در دو بدن پشمالو، به یک اندازه مهر می‌ورزد!..

دربرخ‌ی صحنه‌ها اما برادر سناریست و کارگردان، بی‌خودی دچار نوعی یأس اسلامی شده و حتا خشم توأم با "تهدیدات خداوند متعال" \*! خود را نیز، نمی‌تواند پنهان کند:

و بالاخره اصحاب فتنه و انحراف می‌دانند و آزموده‌اند که اگر بار دیگر خیال فتنه و آشوب در سر داشته باشند، حزب‌الله یعنی همان مردم پاکباخته حتی به اندازه چند ساعت نیز به آنها امان نمی‌دهند و به قول مولایشان حضرت امیر علیه‌السلام، وقتی نوبت باریدن به



تاریخ:  
شماره:

بهبالی

جناب دکتر صدرزاد ریاست محترم جمعیتهای اسلامی

باسمیرت انتصاب جناب آقای رضا درویش به سمت ریاست

راجناب حضرت جناب آقای درویش را جناب درویش

میان خدمتگزاران به ندرت. لکن از انتصاب جناب درویش

کمان اینجانب عظیم گردد. سعید عظیم

۸۸،۴،۲۷

آنها می‌رسد، سیل به راه می‌اندازند. به اعتراف واشنگتن‌پست، فدائیان رهبر ایران - حضرت آقا - از چند هزار کیلومتر فاصله، بحران سوریه را مدیریت می‌کنند و در لبنان و فلسطین حضور دارند. نباید مقابله این نیروی عظیم با آشوب‌های داخلی را نادیده گرفت... یاد مرحوم حاج بخشی به‌خیر، گوش کنید! هنوز فریادش طنین‌انداز است که: ماشاءالله، حزب‌الله.

ماشاءالله حزب الله / حسین (ع) شریعتمداری  
زیاده "ارزی" نیست!

\* بجای تأییدات خداوند متعال / مستخرج از فرهنگستان فدوی

والله الموفق والمعین

سیم چون المشجر سنه ی ۲۰۱۳ ترسائی

کتبه الفقیر کمتر از قطمیر، فدوی

تا درودی دیگر، بدرود



# خیمه شب‌بازی انتخاباتی و سقوط اقتصادی



امین اکبریان  
allenakbari@yahoo.com

می‌تواند سعادت معنوی (یعنی آزادی) و خوشبختی مادی (یعنی اقتصاد سالم) را برای جامعه بشری تضمین نماید.

این حکومت آخوندی در مقایسه با سایر رژیم‌های استبدادی از یک امتیاز و توانایی مهم برخوردار است و آن نیروی شگفت‌تزویر و ریا در عرصه سیاست و اجتماع است. دیکتاتورهای جهان حکومت خود را عمدتاً با اتکاء به سر نیزه و مشت آهنین حفظ می‌کنند، اما این رژیم مذهبی علاوه بر سلاح سرکوب، دارای نبوغ و ذکاوت عجیبی نیز در فریب

دادن مردم است. برای نمونه خود این حکومت موجب پیدایش یک بحران عظیم برای اقتصاد کشور شده و خود عاملان این فاجعه با اشک و آه و ناله می‌گویند

معیشت مردم دشوار شده و باید برای رفع مشکل چاره‌ای اندیشید! حکایت آن دزد باهوشی است که پس از سرقت از منازل مردم در حین فرار خودش نیز فریاد می‌زد آهای مردم دزدی شده!! بروید دزد را پیدا کنید!!

این حضرات اگر واقعاً به دنبال حل مشکلات هستند باید صادقانه اعتراف کنند که دانش و سواد لازم برای اداره‌ی اقتصاد یک کشور بزرگ ۸۰ میلیونی را ندارند و بهتر است کار اقتصاد را به متخصصان آن بسپارند. یا لااقل به توصیه و رهنمودهای کارشناسان گوش دهند. ولی در حالی که بنای اقتصاد ملی

ایران در آتش بی‌خردی و تعصب این حکومت می‌سوزد و فرو می‌ریزد، دکتر رضایی، دکتر جلیلی، دکتر حداد عادل، دکتر حسن روحانی، دکتر ولایتی، دکتر عارف و سایر دانشمندان بی‌دانش این حکومت حرف‌های عجیبی می‌زنند که آشکارا نشان می‌دهد اطلاعات آنها از یک دانشجوی سال اول رشته اقتصاد نیز بسیار کمتر است.

همه این آقایان عنوان «دکتر» را یدک می‌کشند ولی در برابر بیماری قرار دارند که در حال مرگ است و از دست‌ان بی‌هنر آنها کاری ساخته نیست. این بیمار نحیف و رنجور اقتصاد دردمند ایران است که به جای این همه دکترهای قلابی نیازمند یک پزشک واقعی و برخوردار از دانش دنیای مدرن است و نه یک مشت دکتر جعلی!

در زمره طرح‌های اقتصادی این نابغه‌های سیاسی می‌توان به سخنان گوهریار سردار تیمسار دکتر رضایی اشاره کرد که گفت: من در دولت آینده قرارگاه اقتصادی درست می‌کنم تا مشکلات را برطرف کنیم. همان‌طور که در دوران جنگ قرارگاه (فرماندهی) داشتیم و بعد هم قرارگاه خاتم‌الانبیاء برای سازندگی ایجاد کردیم!

امسال انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در شرایطی برگزار می‌شود که این نمایش مضحک سیاسی بیش از دوره‌های قبلی رنگ باخته و بی‌اعتبارتر شده، تا آنجا که ولی فقیه این بار تصمیم گرفته بازی قدیمی «جناحی» را پایان دهد و پس از حذف جریان اصلاح‌طلب، حتی هاشمی رفسنجانی را نیز با تحقیر و توهین آشکار فردی بی‌صلاحیت نامیدند. این رأی‌گیری که بیشتر به یک خیمه شب‌بازی و نمایش بی‌تماشایگر تبدیل شده البته شاید از این جهت سودمند باشد که بتواند خوش‌باوران ساده‌اندیش را بالاخره متقاعد سازد که رویای اصلاحات و رفرف سیاسی در این حکومت هرگز سراب و افسانه‌ای پیش نبود. اکنون با این دروغ و فریب‌های پیاپی پیروان ولایت فقیه خصوصاً در ۸ سال گذشته آشکار گشته که سخنان زیبا و فریبنده‌ای که اصلاح‌طلبان در مورد انجام رفرف درون حکومت بیان می‌کردند یا یک دروغ آشکار به مردم بود و یا این حضرات واقعا به گفته‌های خود باور داشتند که در آن صورت باید گفت آنها به خودشان

دروغ می‌گفتند و دچار «خود فریبی» شده بودند. در هر حال اکنون کاملاً آشکار و مبرهن است که ولایت فقیه یعنی دیکتاتوری کامل مذهبی و به قول خمینی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر!

اما در کنار این بحران مشروعیت سیاسی که تمامی پیکره نظام را فرا گرفته موضوع اصلی مورد توجه ۸ نامزد انتخاباتی بحران و خیمه اقتصادی و راه‌حل‌های پیشنهادی آنهاست. این کاندیداها که از سخنانشان چنین برمی‌آید هیچ‌کدام حتی اندک دانشی در عرصه اقتصاد ندارند همگی با الفاظ

گونگون می‌گویند کشور دچار بحران و نوعی فاجعه اقتصادی است و باید اقدامات عاجلی انجام داد، یعنی آقایان سرگرم توضیح واضح‌تر هستند. به قول معروف شیخ ما شیره را خورد و گفت شیرین است!

اما هیچ‌کدام از این حضرات نمی‌گویند که این فاجعه اقتصادی، فقر رو به رشد، میزان شدید تورم و بیکاری، فساد عظیم مالی، سرقت‌های نجومی چند میلیارد دلاری توسط مدیران بانکی، جاه‌طلبی غیرقابل توجه در عرصه سیاست خارجی و درگیر شدن با جهان غرب در مسئله اتمی که منجر به تحریم و سقوط اقتصاد ایران شده، همه و همه توسط کدام رهبر و رژیم انجام می‌گیرد. مردم ایران خودشان کاملاً می‌دانند که کشور و خانواده و زندگی‌شان دچار یک فاجعه اقتصادی شده و نیازی به خطبه‌های سیاسی این فریبکاران حرفه‌ای ندارند. درد را همه می‌شناسند، این‌ها اگر راست می‌گویند راه درمانی پیدا کنند. اما واقعیت آن است که در مان اصلی فلاکت ۳۴ ساله مردم ایران فقط با پایان یافتن عمر این رژیم و تشکیل حکومتی برخوردار از دموکراسی واقعی حاصل خواهد شد. فقط یک حکومت مبتنی بر مردم‌سالاری، خردمندی، ملی‌گرایی و میهن‌دوستی واقعی



و آشفته کشور تزریق شد چگونه باید مهار شود. اشتباهات عجیب و کودکانه دولت و بانک مرکزی در کاهش نرخ بهره و تشدید تورم چگونه باید اصلاح گردد. آیا در ایران اصولاً چیزی به اسم سیاست پولی (Monetary Policy) که زیربنای اقتصاد نوین می‌باشد وجود دارد و اگر وجود دارد رابطه آن با نرخ تورم (Inflation) از یک سو و درصد رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) از سوی دیگر چگونه تعریف و تدوین می‌شود؟

آیا این سیاست ماجراجویی هسته‌ای که به دلیل تحریم‌ها فقط ظرف دو سال اخیر حداقل یک صد میلیارد دلار درآمد نفتی و ارزی کشور را کاهش داده و ذخیره ارزی ایران را نابود ساخته، ارزش چنین بهای سنگینی را دارد؟

سیاست احمدقانه احمدی‌نژاد برای تشویق واردات کالا که موجب شکست رقابتی صنایع داخلی و نابودی موسسات تولیدی شد چرا ادامه یافت و اکنون راه اصلاح آن چیست؟

در شرایطی که ایران در آستانه سقوط اقتصادی قرار گرفته اعطای کمک‌های مالی چند میلیاردی به سوریه و لبنان خیانت به مردمی که در فقر و گرانی می‌سوزند و سرفقت ثروت نسل‌های آینده نیست؟

ششم خرداد ماه خبرگزاری فرانسه از دمشق گزارش داد که روزنامه تشرین ارگان رسمی رژیم جنایتکار بعث سوریه نوشته که دولت ایران اخیراً یک اعتبار ۴ میلیارد دلاری در اختیار سوریه قرار داده و مذاکرات برای اعطای سه میلیارد دلار دیگر به دمشق در جریان است!

اما یقیناً نه کاندیداهای رسمی رژیم و نه هیچ مقام دیگری این سوال را مطرح نمی‌کند که چرا در روزهایی که بر شمار فقرا، بیکاران، محرومان و بی‌پناهان جامعه ایران سریعاً افزوده می‌شود باید ۷ میلیارد دلار از خزانه ملت ایران به سوریه پاداش مالی بدهند!

هیچکس درون حکومت ولایت فقیه نه از مبانی علم اقتصاد سخن می‌گوید و نه حداقل دانش اقتصاد و مدیریت نوین را دارد و نه اصولاً هیچکس از آن رهبر فرزانه گرفته تا انواع عوامل و عناصر حکومتی علاقه‌ای به ایران، به وطن، به ملیت و انسانیت ندارند. آنها فقط پیرو مکتب و ایدئولوژی استبدادی ولایت فقیه هستند.

در این حکومت هیچکس نه می‌داند و نه می‌تواند راهی برای حل بحران اقتصادی بیابد، چرا که اقتصاد اصولاً برای این حضرات چنان بی‌اهمیت است که زمانی آن امام راحل فرموده بودند: اقتصاد مال خر است!

از چنین حکومتی با چنین اندیشه‌ای نباید انتظار گشودن مشکلات را داشت و فرقی هم نمی‌کند که رئیس جمهور دست‌ساز جناب رهبر چه کسی باشد.

بسیاری از نویسندگان و چهره‌های اصلاح طلب بارها گفته‌اند که رئیس جمهور در این حکومت مهره‌ای بیش نیست و نقش واقعی جناب پریزیدنت در حد یک تدارکاتچی معمولی است. پس جابجایی این مهره‌های کوچک و بی‌اختیار هم تغییری در کل ماجرا نمی‌دهد. اوضاع اقتصادی کشور بسیار آشفته‌تر از آن است که جابجایی یکی از عناصر ضعیف و بی‌اختیار درون حکومت بتواند هرگونه بهبودی در این ویران‌سرای غم‌آلود ایجاد کند. بازسازی اقتصاد ایران، جامعه ایران و کشور ایران نیازمند اندیشه‌ای است که توان سازندگی، نوگرایی و پیشرفت را داشته باشد.

استخدام و انتصاب یک رئیس جمهور جدید فقط به مثابه اندکی تغییرات ظاهری در نقش و نگار یک ساختمان مخروبه است. حال آنکه خانه فکری این رژیم از پای بست ویران است...

دکتر حجت‌الاسلام حسن روحانی می‌گوید زمانی که او مسئول مذاکرات هسته‌ای بوده با تدبیر و زبده‌گی هم برنامه‌های اتمی ادامه یافت، هم با جهان غرب مذاکرات موفقیت‌آمیز بود و هم هدف‌های حکومت برای امور غنی‌سازی جریان داشت و حالا هم با همان سیاست‌ها می‌توان تحریم اقتصادی را برطرف ساخت!!

دکتر جلیلی هم که نور چشمی رهبر است و می‌گویند بیشترین شانس راه‌یابی به مسند ریاست جمهوری را دارد در یک مناظره تلویزیونی خیال همه را راحت کرد و اصولاً هیچ برنامه اقتصادی ارائه نداد و فقط طی ۴۰ دقیقه سخنرانی ۵۲ بار کلمه «ظرفیت» را تکرار کرد و گفت باید از ظرفیت‌ها و فرصت‌ها برای رفع مشکلات استفاده کرد!

و اما یک بررسی کوتاه و سطحی نشان می‌دهد کشور ایران از زمان تشدید تحریم‌های جهانی شاهد کاهش ۵۰ درصدی درآمدهای نفتی شده و در حالیکه درآمد ارزی در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۰۷ میلیارد دلار برآورد می‌شد، این رقم سال گذشته (۹۱) به کمتر از ۵۰ میلیارد دلار رسید و حتی این احتمال مطرح شده که در سال جاری ۹۲ درآمد خارجی ایران باز هم کمتر از پارسال باشد.

سخنان رفسنجانی پس از اخراجش از گردونه‌نمایش انتخابات گویای وضعیت بحرانی اقتصاد کشور بود. او گفت: «معلوم نیست دولت جدید با وجود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان (معادل حدود ۱۴۳ میلیارد دلار) بدهی به بانک‌ها و شرکت‌ها چگونه می‌خواهد کشور را اداره کند. پولی نمانده و اگر هم باشد قابل انتقال به داخل نیست. پول‌های خارجی را خوشبینانه به چین دادیم و آنها با دریافت هزینه‌ای آن را به یوان تبدیل کردند و بعد هم گفتند به جای پول کالا می‌دهیم و بعد از آن هم گفتند نه هر کالایی، بلکه آنچه خودمان تعیین می‌کنیم می‌دهیم. هند هم آمده نفت ما را با قیمتی خیلی ارزان می‌خرد اما حاضر نیست حتی روپیه بپردازد. با سم‌های (کشاورزی) چینی محصولات پارسال و امسال را از دست دادیم حالا ببینید مردمی که داروی چینی می‌خورند چه می‌کشند. در مجلس سنای آمریکا دو طرح خطرناک وجود دارد؛ منتظر انتخابات بودند که تکلیف روشن شود و گویا از این پس فعال می‌شوند. با این مشکلات و با آن‌هایی که زمام امور را در دست دارند و نمی‌فهمند دارند چه می‌کنند دیگر نیازی به دشمن خارجی نیست. افتخاراتی که ایران قبل از انقلاب داشت کتمان شدنی نیست!! و ایران کشوری عزیز بود. من خودم با ماشین همه کشورهای اروپایی را گشتم و رانندگی کردم. از این کشور به آن کشور می‌خواستم بروم فقط پاسپورت را نشان می‌دادم. حالا به جایی رسیدیم که مردم امروز می‌ترسند زن خودشان را با خود به سفر خارجی ببرند چون بی‌اهانتی می‌شود.»

و این‌ها اعترافات یکی از عالی‌ترین مقامات دستگاه رهبری جمهوری اسلامی است. در رقابت‌های انتخاباتی هیچ‌یک از این به اصطلاح نامزدها سخنی از برنامه‌های واقع‌بینانه براساس اصول مسلم علم اقتصاد بیان نمی‌کند، زیرا اصولاً آنها دانش چمن کاری را ندارند.

اقتصاد ایران مدت‌هاست که دچار حالت رکود تورمی (Stagflation) شده که بدترین سناریوی ممکن برای یک کشور است زیرا کلاً در ساختار اقتصاد یا رکود پدیدار می‌شود و یا تورم و بروز هم‌زمان این دو عنصر منفی به معنای آن است که مردم هم بیکار می‌شوند و هم با گرانی روز افزون مواجه‌اند. این مجموعه‌ی خطرناک عملاً موجب سقوط و سیه‌روزی اقتصاد ملی می‌شود.

هیچ‌کس نمی‌گوید که این حجم عظیم نقدینگی که طی ۸ سال به اقتصاد متورم

# پیروزی‌های دیکتاتور جنایتکار

## سوریه



ظالمانه و ضدبشری آغاز یک جنگ داخلی و به راه افتادن حمام خون در یکی از کشورهای بزرگ جهان عرب بود.

روند این جنگ داخلی ظرف حدود یک سال اخیر دچار بن‌بست شده، به این ترتیب که نیروهای دولتی شهر دمشق و مناطق جنوبی و غربی کشور را با زحمت فراوان همچنان در کنترل خود داشتند و مخالفان مسلح شمال و شرق سوریه را تصرف کرده بودند، گرچه دائماً زیر آتش سنگین هواپیما و توپخانه ارتش اسد متحمل تلفات زیادی می‌شدند.

اما ظرف هفته‌های اخیر گروه حزب‌الله لبنان که قبلاً نیز وارد عرصه جنگ به نفع اسد شده بود با افزایش شمار نیروهای اعزامی خود رسماً و آشکارا گفت که با همه توان مانع سقوط بعضی‌های سوریه خواهد شد و حمله گسترده آنها به شهر استراتژیک «القصیر» موجب شکست و عقب‌نشینی

جنگ خونین سوریه که موجب ویرانی این کشور استراتژیک خاورمیانه شده و تاکنون حدود یک‌صد هزار کشته و یک و نیم میلیون پناهنده و آواره بر جای گذاشته طی چند هفته اخیر شاهد روند تازه‌ای بوده که امید به پایان دیکتاتوری خونین بشار اسد را کاهش داده است.

رژیم بعضی اسد طی دو سال اخیر انقلاب مردم سوریه را که در آغاز کاملاً مسالمت‌آمیز و عاری از هرگونه خشونت طلبی بود با سرکوب و وحشیانه و گسترده به خاک و خون کشید و ارتش خود را با همه امکانات نظامی به جنگ مردم عادی و غیر نظامیان بی دفاع فرستاد. حاصل این سیاست



امین اکبریان  
allenakbari@yahoo.com





حسن نصرالله - رهبر گروه تروریستی حزب الله لبنان

نیروهای اپوزیسیون از این منطقه غرب سوریه گردید.

همچنین گفته می‌شود که نیروهای دولتی در مناطق جنوبی نیز پیشرفت‌هایی داشته‌اند. برخی گزارش‌های جسته و گریخته حاکی از اعزام شماری از شیعیان مسلح طرفدار مقتدا صدر از عراق برای حمایت از رژیم اسد بود. ادامه حمایت‌های همه جانبه رژیم تهران و دولت روسیه از اسد نیز ظاهراً مواضع دیکتاتور خونریز دمشق را از لحاظ سیاسی اندکی بهبود بخشیده.

از سوی دیگر ادامه آشفتگی و تفرقه داخلی در میان گروه‌های اپوزیسیون سوریه و وجه ملی و کارآیی سیاسی و نظامی آنها را تضعیف کرده است. به تمام این تحولات باید ضعف سیاسی و دیپلماتیک آمریکا و اروپا را نیز اضافه کرد که در بحران کنونی فقط تماشاگر باقی مانده‌اند و از هرگونه دخالت در این ماجرای پیچیده هر چند هم محدود واهمه دارند.

مشخصاً آمریکایی‌ها می‌ترسند که در صورت وارد شدن به عرصه بحران سوریه ماجرای پر دردسر عراق برایشان تکرار شود و با تحمل هزینه‌های مالی و نظامی در یک وضعیت باتلاق سیاسی گرفتار شوند. البته در این رابطه برخی تحلیلگران در آمریکا پرزیدنت اوباما و دولتش را به محتاط‌گرایی افراطی متهم می‌کنند و می‌گویند او در برابر اتحاد رژیم‌های سوریه، ایران، روسیه و حزب الله لبنان که عملاً کشور سوریه را به حمام خون تبدیل کرده‌اند، بسیار ضعیف عمل کرده و ابتکار عمل را به طرف مقابل باخته است.

تغییر روند تحولات یک ماه اخیر و چند شکست اپوزیسیون سوریه موجب شده تحلیل‌گرانی که سابقاً می‌گفتند سقوط رژیم اسد حتمی است اکنون هشدار بدهند دیکتاتور دمشق ممکن است بتواند حتی برای چند سال دیگر نیز با همین وضعیت بن‌بست سیاسی و نظامی بر سر قدرت باقی بماند. این امر به معنای ادامه روند تخریب و کشتار توسط دیکتاتور بی‌رحم و خودخواه دمشق است و مردم بی‌پناه سوریه نیز همچنان با آینده‌ای مبهم و پر درد روبرو خواهند بود.

## خالق «صد سال تنهایی» روبه خاموشی می‌رود

که از سوی منتقدین به عنوان آثار ارزشمند ادبی مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. این چهره معروف کشور کلمبیا که در سال ۱۹۸۲ جایزه نوبل ادبی را کسب کرد، بنیان‌گذار سبک نوینی از نویسندگی است که آن را رئالیسم جادویی لقب داده‌اند.

مارکز از سال‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی به دلیل فعالیت‌های سیاسی توسط دولت کلمبیا تحت تعقیب بود و به مکزیک مهاجرت کرد. او که سال‌ها با سرطان جنگید، اخیراً نیز دچار بیماری فراموشی (آلزایمر) شده و نزدیکانش می‌گویند این نویسنده پر کار که زمانی خیلی حرف برای گفتن داشت، این روزها بسیار ساکت شده است.



گابریل گارسیا مارکز معروفترین رمان‌نویس معاصر آمریکای لاتین که زمانی اسطوره دنیای ادبیات بود این روزها بیمار و سالخورده است و دیگر تقریباً هیچ فعالیت ادبی و نویسندگی ندارد.

مارکز که متولد کشور کلمبیا و ۸۶ ساله است به مدت چند دهه با آثار مهم خود طرفداران ادبی و حتی سیاسی فراوانی در سطح جهان داشت. او یک کمونیست قدیمی است و حتی پس از شکست و سقوط اردوگاه کمونیسم در دهه ۹۰ میلادی به رغم تجدید نظر اندک در اعتقادات قبلی خود همچنان یک چپ‌گرای فعال و پایبند به مبانی اندیشه‌های کمونیستی باقی ماند.

او نویسنده رمان و داستان‌های مهمی بوده که برخی از آنها در زمره شاهکارهای سبک نوین ادبی به شمار می‌رود. برای نمونه صد سال تنهایی، پاییز پدر سالار، عشق سال‌های و با، ساعت شوم، کتاب‌هایی هستند

این نویسنده کلمبیایی در ایران نیز بسیار شناخته شده است و تمامی کتاب‌های اصلی او سال‌ها قبل توسط گلشیری و سایر مترجمان به فارسی ترجمه و منتشر شد.





## ایالت

MAINE  
مینی

بیست و سومین امضای پای اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا متعلق به نماینده سرزمینی است که به ایالت درخت کاخ شهرت دارد. شمال شرقی ترین ایالت آمریکا پس از جدایی از ایالت ماساچوست در تاریخ ۱۵ مارچ ۱۸۲۰ به اتحادیه ایالات متحده آمریکا پیوست تا سهمی عمده در پیدایش ابرقدرت دنیا داشته باشد.

## دکتر مهدی آقازمانی



از ایالت ماساچوست بود، تا اینکه برای جدایی از این ایالت به رأی گذاشته شد و سرانجام در ۱۵ مارچ ۱۸۲۰ تحت پیمان میسوری به عنوان بیست و سومین ایالت به ایالات متحده آمریکا ملحق شد. مین سی و نهمین ایالت پهناور و چهل و یکمین ایالت پرجمعیت در بین ۵۰ ایالت کشور آمریکاست.

«ایالت درخت کاج» آب و هوای مرطوب قاره‌ای به همراه تابستان‌های گرم و مرطوب دارد، اگرچه به طور کلی گرم نیست. زمستان‌ها در سرتاسر ایالت هوا سرد و برفی است و این سرما و برف در نواحی شمالی شدیدتر است. نواحی ساحلی تا اندازه‌ای به واسطه اقیانوس اطلس معتدل هستند. در ماه جولای در سرتاسر ایالت حداکثر درجه حرارت در طول روز بین ۸۰-۷۵ درجه فارنهایت و حداقل آن در طول شب بیش از ۵۰ درجه فارنهایت است. در ژانویه محدوده درجه حرارت از بیشینه حدود ۳۲ درجه فارنهایت (صفر سانتیگراد) در سواحل جنوبی تا متوسط صفر درجه فارنهایت (۱۸- سانتیگراد) در طول شب، در نقاط دوردست شمالی است.

مین ایالتی است در ناحیه نیوانگلند در شمال شرقی آمریکا که از جنوب و شرق با اقیانوس اطلس، از غرب با نیوهمپشایر و از شمال غربی و شمال شرقی با کانادا هم مرز است. مین در شمالی‌ترین و شرقی‌ترین قسمت نیوانگلند واقع است. مین بیشتر به خاطر مناظر طبیعی از جمله ناهمواری‌ها، سواحل عمدتاً صخره‌ای، جنگل‌های انبوه و آبراه‌های زیبایش و به‌علاوه غذاهای دریایی به ویژه خرچنگ و حلزون شناخته شده و شهرت یافته است.

برای هزاران سال مردمان بومی تنها ساکنان قلمرویی بودند که اکنون مین نامیده می‌شود. هنگامه برخورد اروپاییان با قاره آمریکا آلگونیک زبانان در آن نواحی ساکن بودند. اولین مستعمره اروپایی در مین به وسیله پیر دوگوا سیور دومون در سال ۱۶۰۴ در جزیره «سن کروا» به وجود آمد. اولین مستعمره انگلیسی، مستعمره کوتاه مدت پوپهام بود که در سال ۱۶۰۷ بوسیله شرکت پلیموث ایجاد گردید.

در طی جنگ ۱۸۱۲ و تحولات آمریکا، میهن‌پرستان و نیروهای بریتانیا بر سر قلمرو مین با هم درگیر بودند. مین تا سال ۱۸۲۰ بخشی







بوده است، به ویژه صید خرچنگ (لابستر) و ماهی‌های کف‌زی. همچنین سفره‌های آب زیرزمینی و چشمه‌های غرب مین منابع اصلی آب معدنی هستند.

تولیدات صنعتی مین بیشتر شامل کاغذ، الوار و تولیدات چوبی، تجهیزات الکترونیکی، مواد غذایی، نساجی و بیوتکنولوژی است. کشتی‌سازی نیروی دریایی اهمیت خود را به وسیله دو کمپانی «بث ارون ورکز» در شهر بث و «پورتموث نیول شپ یارد» در شهر کیتری به خوبی حفظ کرده است. ایستگاه هوایی نیروی دریایی برانزویک نیز در مین قرار دارد که در گذشته پایگاه حمایتی بزرگی برای نیروی دریایی ایالات متحده محسوب می‌شده است.

گردشگری و تفریح در فضای باز نقش عمده و به طور فزاینده مهم در اقتصاد مین بازی می‌کنند. این ایالت مکان معروفی برای شکار (به ویژه شکار خرس، آهو و گوزن)، ماهیگیری، اسکی روی برف، قایق‌رانی، کمپینگ، پیاده روی و دیگر فعالیت‌های ورزشی است.

علاوه بر زیبایی‌های بی نظیر طبیعت سرزمین شمال شرقی، سواحل بی‌نظیر اقیانوس اطلس در احیای صنعت گردشگری ایالت مین موثر بوده است. مین تقریباً ۲۳۰ مایل (۴۰۰ کیلومتر) خط ساحلی دارد. در امتداد ساحل صخره‌ای معروف مین، فانوس‌های دریایی، شن زارها، دهکده‌های ماهیگیری و جزایر دور از ساحل شامل جزایر کوچک شولز که در امتداد مرز نیوهمپشایر است، قرار دارند. صخره‌های دندان‌های، تخته سنگ‌ها و خلیج‌های کوچک در کنار رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، جنگل‌ها و کوهستان‌ها، ارکان اصلی طبیعت مین هستند. این تقابل عینی دامنه‌های جنگلی منتهی به دریا به وسیله «ادنا سنت وینسنت میلی»، شاعر آمریکایی اهل راکلند چنین خلاصه شده است:

"تمام چیزی که من می‌توانستم از جایی که ایستاده بودم، بینم

سه کوهستان بلند و یک جنگل بود

چرخیدم و از دیگر سو نگریستم

و سه جزیره در خلیج کوچک دیدم"

ایالت مین ساکنین فارسی زبان هم دارد. نزدیکی این ایالت به استان کبک کانادا و رونق تبادلات بین این دو منطقه باعث شده است که مین برای خانواده‌های ایرانی تباری که به زبان فرانسه تسلط بیشتری دارند، منطقه‌ای مناسب برای زندگی باشد. تلاش ایرانیان در آفرینش نقش اجتماعی پر رنگ در زندگی شهری در مین بیشتر در محدوده شهری پورتلند خلاصه شده است. اما می‌توان در مرزهای جنوبی ایالت مین نیز کلونی‌های کوچک‌تر ایرانی را که به زندگی آرام خود ادامه می‌دهند به خوبی رصد کرد. تا آنجا که در مناسبات علمی و اجتماعی حضور آنان دیده می‌شود.

مین نسبت به سایر ایالت‌های شرق رشته کوه راکی کمتر تجربه توفان‌های همراه با آذرخش را دارد به طوری که بیشترین میانگین آن کمتر از ۲۰ روز توفان در سال است و بر خلاف ایالت‌های ساحل شرقی کمتر در معرض طوفان‌های سهمگین قرار می‌گیرد.

مین از بالاترین میزان کاربرد زبان فرانسوی در میان ایالت‌های ۵۰گانه آمریکا برخوردار است که بخشی از آن به دلیل همجواری با ایالت کبک در کاناداست. همین مسئله باعث شده است تا مجلس قانونگذاری ایالت در سال ۲۰۰۱ مصوبه روز «فرانسه-آمریکا» را به تصویب برساند که بیان می‌دارد نام ایالت از نام استان فرانسوی مین در گذشته برگرفته شده است.

اما برای نام ایالت مین دلایل گوناگون دیگری ابراز شده است. به نظر می‌رسد اولین ثبت رسمی نام مین در تاریخ ۱۰ آگوست ۱۶۲۲ مربوط به زمینی بود که امتیاز رسمی آن متعلق به سر فردیناندو گرجس و جان میسون، کهنه سربازان نیروی دریایی سلطنتی انگلستان بود و تصمیم گرفتند آن را استان مین بنامند.

جمعیت مین ۱،۳۲۹،۰۰۰ تخمین زده می‌شود. تراکم جمعیت ایالت ۳/۴۱ نفر در هر مایل مربع است که بدین ترتیب مین را کم جمعیت‌ترین ایالت در تمام نیوانگلند، آمریکای شمال شرقی، کرانه شرقی تمام ایالت‌های ساحلی اقیانوس اطلس و تمام ایالات شرق رودخانه می‌سی‌سی‌پی ساخته است.

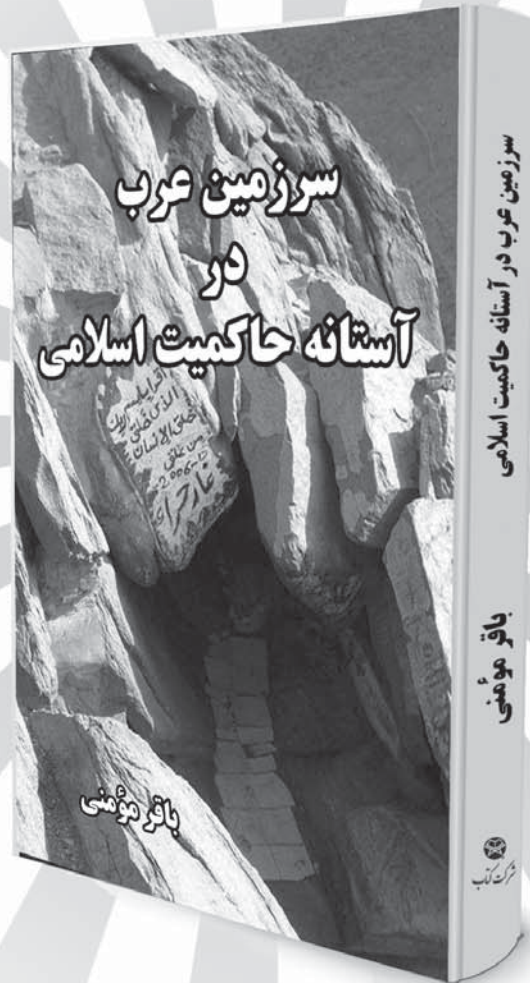
مرکزیت میانگین جمعیت مین در شهرستان کنه‌بک و در شرق آگوستا قرار گرفته است. مرکز شهری پورتلند که بزرگتر از آگوستا است متراکم‌ترین جمعیت را داراست که در حدود ۲۰ درصد جمعیت کل مین است. اکثریت نسبی این جمعیت را فرانسوی‌ها و یا فرانسوی‌های کانادایی تشکیل می‌دهند و رتبه‌های بعدی را انگلیسی تبارها، ایرلندی‌ها، مهاجران اسکاندیناوی تبار و... تشکیل می‌دهند.

تولید ناخالص داخلی ایالت مین برابر با بیش از ۴۸ میلیارد دلار است، که تقریباً برابر تولید ناخالص داخلی کشور لوکزامبورگ می‌شود. همچنین سرانه درآمد شخصی سالانه در این ایالت، ۳۳۹۹۱ دلار آمریکا است که حائز رتبه ۳۴ در کل کشور می‌شود. شایان ذکر است همزمان متوسط نرخ بیکاری ۴/۷ درصد بوده است.

تولیدات کشاورزی مین شامل مرغ، تخم مرغ، فرآورده‌های لبنی، پرورش چارپایان، تمشک وحشی، شیره افرا و شکر افرا می‌باشد. جالب است بدانید که شهر «اروزتوک» به خاطر داشتن بهترین محصول سیب زمینی در سراسر آمریکا معروف است. مین همچنین در شمار صادرکنندگان تمشک است.

ماهی‌گیری تجاری از گذشته تا کنون نقطه اتکای اقتصاد این ایالت

# سرزمین عرب در آستانه حاکمیت اسلامی



از انتشارات شرکت کتاب



انتشارات شرکت کتاب  
[www.ketab.com](http://www.ketab.com)

(310) 477 - 7477